

چگونه بود که آنگیری کوچک، غبطه اقبانوس‌های جهان شد و یازده مروراید به خون غلطان را، سینه‌ریز روح و رهایی کرد. چنان که روشنی‌شان داستان را در ظلمت قرن‌ها نمایان ساخت. آن روز، دستی بالا رفت که پستی را به تیغی دو دم گردن می‌زد، و زمزمه‌های زلال عاطفه را، به بلاغتی شیرین، در کیسه‌های نان و خرما، در کوچه‌های کوفه تاریخ، بر درگاه یتیمان می‌نهاد و بادها را به عطر ایمانی قدیمی بارور می‌کرد. ماهی که آئینه امامت را از نور آفتاب نبوت سرشار کرده بود.

کتابخانه

کلیک بر تهران

با سعید رضا عاملی
مؤلف کتاب
مطالعات شهر مجازی تهران



فاصله مردم ما با دنیا در فضای مجازی طولانی نیست. ایرانی‌ها دارای دو خصلت هستند که آنها را یاری می‌رساند تا خودشان را با امور جدید تطبیق دهند. یکی روحیه سنت‌گرایی و دیگر پیشرفت‌گرایی است. همین عوامل سبب شده‌اند امروز شاهد باشیم مردم ما در روستاها و حتی بچه‌ها در سنین دبستان با کامپیوتر و اینترنت آشنایی داشته باشند و بتوانند از آنها استفاده کنند.

۱۱

شماره ۱۴ آذر ۱۳۸۸
۱۷ ذیحجه ۱۴۳۰، ۵ دسامبر ۲۰۰۹
شماره ۲۱۰، پیاپی ۸۶۱
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir



از بکت
تا بروکلین
با پل استر

۱۸



علاقه نسل امروز
به زیبایی شناسی
قرآن کریم

۱۴



شکل‌گیری اتحادیه
کودک و نوجوان
ضروری است

۷

سرآغاز

چشمه‌ای برای آفرینش‌های گوناگون غدیر برکه نیست، چشمه‌ای جوشان از کرامت الهی به نوع بشر است و از آنجا که مخاطبش تنها شیعیان و حتی مسلمانان نیستند و خلق عالم، نیازمند پیام تکمیل‌کننده رسالت آخرین رسول خدا، حضرت محمد مصطفی (ع) است، همواره شاهد غور غواصان دریای معرفت و علم است و هدایتگر رخشان کلمات توحیدی بر صفحات کتاب‌های غدیرانه!

غدیر فارغ از حد و حصر سن، نژاد، دین و محدوده جغرافیایی و زمانی، انسان را به سوی کمال‌گرایی در تابش نور ولایت رهنمون می‌سازد. این گونه است که تاکنون ده‌ها عنوان کتاب به زبان‌های مختلف کره خاکی به رشته تحریر درآمده‌اند و این گنجینه عظیم - اگرچه هنوز قطره‌ای از آن چشمه جوشان نیز نشده - می‌تواند زمینه فعالیت سایر دست‌اندرکاران حوزه‌های علمی و هنری را فراهم آورد. حکایتی که با حجة‌الوداع پیامبر (ص) شروع شود و اعلام ولایت امام علی (ع) و فرزندانش بر تارک آن بدرخشد و با ظهور منجی عالم بشریت ختم شود، سوژه‌ای مناسب برای فراهم ساختن هرگونه آفرینش ادبی و هنری است.

ادامه «خاله بازی»

بلقیس سلیمانی با رمان تازه‌ای از راه می‌رسد

سلیمانی‌اند. او اول، رمان «بازی آخر بانو» را نوشت، بعد مجموعه داستان‌های «بازی عروس و داماد» را منتشر کرد و اوایل امسال رمانی با نام «خاله بازی» را به کتابفروشی‌ها فرستاد. برخی منتقدان اعتقاد دارند رمان «خاله بازی» یک رمان زنانه است. بعضی‌ها آن را داستانی تاریخی می‌دانند و عده‌ای هم آن را قصه‌هایی به هم پیوسته نامیده‌اند.

«خاله بازی» داستان سه زن است. این زن‌ها با موقعیت‌های مختلف وارد زندگی مردی به نام مسعود می‌شوند و نقش‌هایی بازی می‌کنند که سرنوشت برایشان مقدر کرده. یکی می‌آید تا بمیرد، یکی می‌آید تا بماند و دیگری می‌آید تا نپذیرد. این رمان پس از انتشار توانست به فروش خوبی در بازار کتاب ایران دست پیدا کند و چند جلسه نقد درباره آن برگزار شد.



خانم سلیمانی را که قبل از رمان «به هادس خوش آمدید» برای نام سه کتاب آخرش از واژه «بازی» استفاده کرده، نویسنده داستان‌های زنانه می‌نامند. خودش در این باره می‌گوید: «در داستان‌هایم رویکرد فمینیستی به آن معنایم. فقط شخصیت‌های داستان‌هایم همه زنانه‌اند و من این تنهایی را بیان می‌کنم. چون زنان را می‌شناسم در داستان‌ها به بررسی مشکلات و معضلات آنها هم می‌پردازم و در واقع خود زن بودن برایم مسأله اصلی است.»

رمان جدید بلقیس سلیمانی با نام «به هادس خوش آمدید» به زودی توسط نشر چشمه منتشر می‌شود. به گفته وی، شخصیت اصلی این رمان زنی است که داستان‌هایی درباره او در فضای سه‌گانه‌ای از تهران تا مناطق جنگی روایت می‌شود. سلیمانی اوایل امسال رمان دیگری هم با نام «خاله بازی» منتشر کرده است. سلیمانی درباره این رمان گفت: «داستان این رمان در سال‌های دهه ۶۰ اتفاق می‌افتد و با کارهای قبلی‌ام شباهت‌هایی دارد ضمن آن که تفاوت‌ها و وجوه تمایزی هم با آثار قبلی‌ام دارد.»

وی افزود: «فهرمان اصلی این داستان زن است؛ ضمن آنکه زنان محور اصلی وقایع داستان را به خود اختصاص می‌دهند.» به گفته سلیمانی وقایع رمان «به هادس خوش آمدید» در فضا سه‌گانه‌ای از تهران، شهرستان‌ها و مناطق جنگ‌زده اتفاق می‌افتد. این نویسنده درباره نام کتاب جدیدش توضیح داد: «هادس» یک واژه یونانی است و معنای آن به فارسی عبارتی شبیه به «شهر مردگان» خواهد بود. این رمان که حدود ۲۴۰ صفحه است، به تازگی مجوز انتشار دریافت کرده و از سوی نشر چشمه منتشر می‌شود.

خانم سلیمانی پیش از «به هادس خوش آمدید» برای نام سه کتاب آخرش از واژه «بازی» استفاده کرده است. «بازی آخر بانو»، «بازی عروس و داماد» و «خاله بازی» از آثار منتشر شده

- ۲
• در شکوفاترین دوران شعر ایران به سر می‌بریم
- ۱۶ آذر یاسوج میزبان نمایشگاه کتاب
- ۳
• کتاب جدیدی با ترجمه مهدی سحابی
- جایزه سروانتس به یک نویسنده مکزیکی رسید
- ۴
• پر فروش‌ترین کتاب‌های هفته از زبان کتابفروشان

رسم کتابخوانی را بین مردم باب کنیم؛ کاری که شنیدم اروپایی‌ها در خانه انجام می‌دهند. وقت خواب، مادر برای بچه‌اش کتاب می‌خواند. ما این رسم را اصلاً نداریم. البته در قدیم در بعضی از خانواده‌ها بود. ما در منزل پدری مان دیده بودیم که کسی می‌نشست و برای دیگری کتاب می‌خواند. سال‌ها چنین کاری می‌شد؛ هم برای کوچک‌ها، هم برای بزرگ‌ها؛ اما این کار اکنون بین مردم رایج نیست.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری هفته کتاب، ۷۶/۸/۱۹

ترجمه سید یحیی یثربی از قرآن کریم

سید یحیی یثربی همزمان با انتشار جلد دوم تفسیر عقلی و کاربردی‌اش از قرآن، از انتشار مستقل ترجمه خود از قرآن کریم خبر داد. سید یحیی یثربی، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی با اعلام این خبر به ایکننا گفت: من اعتقاد دارم که قرآن و پیام آن را می‌توان به درستی و به شکل کامل به مخاطبان ارائه داد، به گونه‌ای که همه آنها از هر نوع فرهنگ و سنی بتوانند به درک مفاهیم قرآن دست بیابند و به همین خاطر برای نخستین بار در ترجمه‌ای که از قرآن کریم در دست نگارش دارم، به ترجمه مفاهیم قرآن پرداخته‌ام به گونه‌ای که هر فردی بتواند آن را بخواند و به تناسب سن خود از آن بهره ببرد. وی افزود: در این ترجمه پرازنرها و اشاره‌هایی که در دیگر ترجمه‌ها مانع ارائه شفاف مفاهیم شده را حذف و به صورت ارائه مفهوم آیه، قرآن را به زبان فارسی ترجمه کرده‌ام.

«سفینه» قرآنی

ایکننا؛ بیست و سومین شماره فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث «سفینه» از سوی موسسه فرهنگی «نبأ‌مبین» منتشر شد. «چهار نکته درباره قرآن»، «پژوهشی در باب ناسخ و منسوخ»، «پایان سال‌های ابری (بازخوانی مجدد یوم‌الدار)»، «عرضه حدیث بر قرآن»، «انسان در عالم ذر (آراء و اقوال قرن ۱۱ تا ۱۳)»، «تعلیقات آیت‌الله جعفری بر اصول کافی» و «ساز و کار خداوند در معرفت‌بخشی» برخی از مطالب به کار رفته در این شماره «سفینه» اند. بیست و سومین شماره فصلنامه «سفینه» به صاحب امتیازی موسسه فرهنگی «نبأ‌مبین»، به مدیر مسوولی محمدحسین شهری و سردبیری منصور پهلوان منتشر شده است.

دبیر علمی چهارمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر:

در شکوفاترین دوران شعر ایران به سر می‌بریم

کار خواهیم کرد.»

وی همچنین با تاکید بر این نکته که سن شاعران در این جشنواره تأثیری بر ارزیابی آثار نخواهد داشت، تصریح کرد: «سن شاعران تأثیری در احراز امتیازها نخواهد داشت. یعنی اگر شاعری ۲۷ سال دارد و شعر خوب گفته و شاعری ۳۷ سال دارد و شعرش از ارزش کمتری برخوردار است، این شخص به صرف این که سن بیشتری دارد امتیازی احراز نمی‌کند؛ توجه ما معطوف به شعر اصیل است و داوران به سن شعر امتیاز خواهند داد نه به سن شاعر» امیری اسفندقه با یادآوری این که جشنواره شعر فجر، جشنواره‌ای نوپا است که متأسفانه قدری دیر اتفاق افتاده، برگزاری این جشنواره را از مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی - هنری ایران دانست و درباره هدف برگزاری این جشنواره گفت: «ما با برگزاری جشنواره شعر فجر تلاش می‌کنیم به دنیا و به جامعه و جهان ادبی نشان دهیم که ایران این هنر اصیل خود را نه تنها فراموش نکرده بلکه پاسدار آن نیز بوده و الان هم در شکوفاترین دوران این هنر به سر می‌برد و سرزمین ایران هرگز از شعر اصیل و شاعران با اصالت تهی نبوده است.»

فراخوان چهارمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر و فرم شرکت در این جشنواره در این شماره کتاب هفته و در سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نشانی www.ibna.ir قابل مشاهده است.



امیری اسفندقه در پاسخ به این سوال که آیا امسال بخش جدیدی به این جشنواره اضافه خواهد شد؟ اظهار داشت: «امسال بخش جدیدی به بخش‌هایی که در دوره‌های قبل بودند، اضافه نشده و روی همان بخش‌هایی که وجود داشته‌اند با دقت بیشتر و با توجه به معیارهای علمی‌تری

مرتضی امیری اسفندقه که چندی پیش از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان دبیر چهارمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر منصوب شد، در گفت‌وگو با کتاب هفته با بیان این که جشنواره امسال با دوره‌های قبل متفاوت است گفت: «جشنواره امسال بی‌تردید باید با جشنواره‌های گذشته فرق داشته باشد، چرا که دبیر این جشنواره، علی موسوی گرماردی، از شاعران نام‌آور دیروز و امروز است و با ادبیات پارسی به خوبی آشناست از این رو این جشنواره قطعاً به معیارهای اصلی خود نزدیک و نزدیک‌تر خواهد بود.»

امیری اسفندقه با اشاره به این که در این جشنواره به تمام قالب‌های شعری احترام گذاشته می‌شود و اشعار در هر قالبی که باشند از سوی داوران ارزیابی خواهند شد، تصریح کرد: «در این مورد نکته قابل ملاحظه این است که قالب نمی‌تواند قلب شعر را تحت الشعاع قرار دهد و تلاش ما نهایتاً این است که هر اثر را از این منظر بررسی کنیم که آیا شعر هست یا نه. بدین معنا که یک اثر باید ویژگی‌های شعر را طبق تعریفی که جهان ادبی تا امروز از شعر دارد، دارا باشد و این مهم‌ترین معیار است. «دبیر علمی چهارمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر در ادامه یادآور شد: جشنواره امسال به صورت رقابتی برگزار می‌شود و به بهترین اثر از نظر داوران جایزه داده خواهد شد.

همایش بررسی مسائل مطبوعات کودک و نوجوان برگزار می‌شود

همزمان با برگزاری نهمین جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان، همایش علمی «بررسی مسائل مطبوعات کودک و نوجوان» برگزار می‌شود و جمعی از پژوهشگران و استادان علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاران به ارائه دیدگاه‌ها و تجربه‌های خود می‌پردازند. کتاب ویژه این جشنواره نیز همزمان با آغاز جشنواره، منتشر می‌شود. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، این برای نخستین بار است که همایشی با موضوع مسائل مطبوعات کودک و نوجوان با مشارکت دانشگاهیان و روزنامه‌نگاران برگزار می‌شود و قرار است ویژگی‌های مطبوعات این گروه سنی مورد کنکاش قرار گیرد.

مهران بهروز فغانی، دبیر عملی این همایش و نشست‌های تخصصی نهمین جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان در گفت‌وگو با ایبنا از حضور پروفیسور کاظم معتمدنژاد، استاد مطرح علم نوین ارتباطات و نماینده دفتر یونسف در این همایش خبر داد و گفت که تعداد زیادی از چهره‌های علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری چون علی‌اکبر قاضی‌زاده، دکتر حسن نمک‌دوست، دکتر محمدعلی شامانی و استادان دیگر در این همایش حضور خواهند داشت. به گفته وی، از نماینده یونسف در ایران نیز برای سخنرانی در این همایش و ارائه تجربه برگزاری کارگاه‌های آموزش روزنامه‌نگاری برای مطبوعات کودک و نوجوان در ایران دعوت شده است. در این همایش همچنین حمیده جمالی فارغ‌التحصیل علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه طباطبایی در مقطع کارشناسی ارشد، پایان‌نامه خود را با موضوع مطبوعات کودک و نوجوان ارائه می‌کند. از دانشجویان علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری، روزنامه‌نگاران و فعالان حوزه مطبوعات کودک و نوجوان برای حضور در این جشنواره و شرکت در همایش یک‌روزه و نشست‌های تخصصی دعوت شده است. نهمین جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از ۱۶ تا ۲۰ آذرماه برگزار می‌شود.

۱۶ آذر؛ یاسوج میزبان نمایشگاه کتاب

۳۰۰ ناشر در این نمایشگاه حضور می‌یابند. موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران پس از بازدید از امکانات استان‌ها و نیز شرایط آب و هوایی در ماه‌های مختلف سال، به برپایی نمایشگاه‌های کتاب در استان‌های مختلف اقدام می‌کند. همچنین قرار بود پس از نمایشگاه یاسوج نمایشگاهی در ساری برگزار شود که به دلیل نبود محل مناسب برای برپایی، این نمایشگاه لغو و به جای آن نمایشگاهی در سمنان برپا می‌شود. موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران اواخر آبان‌ماه از برگزاری پنج نمایشگاه کتاب در بیرجند، اراک، ساری، گرگان و یاسوج در ماه آذر خبر داده بود که نمایشگاه‌های اراک و بیرجند ابتدای آذر برگزار شد و تا پایان ماه سه نمایشگاه دیگر نیز برپا خواهند شد. در نمایشگاه‌های استانی ۴۰ درصد تخفیف از سوی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد و ناشران ارائه می‌شود.

سومین شهری است که در آخرین ماه فصل پاییز (آذر) میزبان نمایشگاه استانی کتاب می‌شود. ثبت نام از ناشران و اختصاص غرفه‌ها به آنها، همچنان از سوی موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران (مسؤول برگزاری نمایشگاه‌های استانی کتاب) ادامه دارد و پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که حدود

مردم یاسوج از ۱۶ آذر به مدت یک هفته میزبان نمایشگاه کتابی‌اند که پیش‌بینی می‌شود حدود ۳۰۰ ناشر در آن حضور داشته باشند. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) پس از برگزاری نمایشگاه‌های کتاب بیرجند و اراک که به ترتیب ۵ و ۶ آذر به مدت یک هفته برپا شدند، یاسوج

همزمان با عید غدیر

دومین شب ترانه برگزار می‌شود

کانون ترانه حوزه هنری استان اصفهان به مناسبت فرارسیدن عید غدیر خم، دومین شب ترانه را شنبه (۱۴ آذر) در تالار سعدی حوزه هنری اصفهان برگزار می‌کند. این برنامه با حضور ترانه‌سرایان و آهنگسازان اصفهانی برگزار می‌شود و مجموعه‌ای از ترانه‌های سروده شده با مضمون عید غدیر و شخصیت حضرت علی (ع) بررسی خواهند شد. همچنین ترانه‌های ارسالی به کانون ترانه حوزه هنری اصفهان که با موضوع آزاد یا موضوع گرامیداشت عید غدیر خم سروده شده‌اند، پس از خوانده شدن در این مراسم نقد و بررسی می‌شوند. از دیگر برنامه‌های این شب ترانه، نمایش نماهنگ‌هایی با موضوع ترانه‌سرایی در ایران باستان خواهد بود. دومین شب ترانه، شنبه (۱۴ آذر) از ساعت ۱۷ در تالار سعدی حوزه هنری اصفهان برگزار می‌شود.

راهیابی ۱۹ اثر گروه اجتماعی به مرحله دوم جایزه کتاب سال

دبیرخانه بیست و هفتمین جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از راهیابی ۱۹ اثر در بخش علوم اجتماعی این گروه به مرحله دوم داوری‌ها خبر داد. در بیست و هفتمین دوره از جایزه کتاب سال، ۱۷۷۲۲ اثر شرکت داده شده‌اند که از این تعداد، ۴۰۰۰ اثر جواز حضور در مرحله دوم داوری‌ها را دریافت کرده‌اند.

در بخش علوم اجتماعی که زیرگروه علوم اجتماعی جایزه کتاب سال به شمار می‌آید، ۹ کتاب توانستند در مرحله دوم حضور پیدا کنند. کتاب‌های «نشانه‌شناسی رسانه‌ها» تألیف مارسل دانسی با ترجمه گودرز میدانی و بهزاد دوران، کتاب «مبانی رویکرد اجتماعی به حقوق» تألیف عبدالرضا علیزاده، کتاب «ریشه‌های فرهنگی ارتباط در ایران» تألیف مهدی محسنیان راد، کتاب «به من دروغ نگو» تألیف جان پیلجر با ترجمه مهرداد شهابی و میرمحمد نبوی، کتاب «تکامل و رفتار انسانی» تألیف جان کارتر ابیت و ترجمه بهزاد سروری، کتاب «درآمدی بر تحقیق کیفی» تألیف اووه فلیک با ترجمه هادی جلیلی، کتاب «نظریه‌سازی در علوم اجتماعی» تألیف پاملا شومیکر با ترجمه محمد عبداللّهی، کتاب «مقدس و عرفی» تألیف پپیا نوریس و رونالد اینگهارت با ترجمه مریم وتر و همچنین کتاب «نظریه‌های ارتباطات (جلد ۴)» تألیف پل کوبلی به سرویراستاری سعیدرضا عاملی جواز حضور به مرحله دوم بیست و هفتمین دوره جایزه کتاب سال را کسب کردند.

بخشی از این آثار را کتاب‌های برگزیده و شایسته تقدیر در جوایز کتاب فصل تشکیل می‌دهند. بیست و ششمین جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، همزمان با شانزدهمین جایزه جهانی کتاب سال، ۱۹ بهمن ماه سال گذشته برگزیدگان خود را اعلام کرد. در آن دوره ۲۷ اثر برگزیده معرفی شدند و در شانزدهمین جایزه جهانی کتاب سال نیز ۳۲ نویسنده خارجی و نویسندگان ایرانی مقیم خارج از کشور تجلیل شدند.

کتاب جدیدی با ترجمه مهدی سحابی در راه است



بود اما او در رشته پزشکی تحصیل کرد و تا آخر عمر پزشک ماند.

سلیین در ۱۹۳۲ اولین رمانش «سفر به انتهای شب» را منتشر کرد که با تحسین فراوان جامعه ادبی مواجه شد. برخی از نوشته های او موجب شد تا به اتهام حمایت از آلمان نازی از فرانسه طرد شود. او به

ترجمه مهدی سحابی، مترجم فقید، از رمان «قصر به قصر»، اثر لویی فردینان سلین، نویسنده فرانسوی، با گذشت کمتر از یک ماه از مرگ مترجم، زیر چاپ رفت. همچنین دو ترجمه دیگر این مترجم از سلین تجدید چاپ می شود.

این کتاب را مانند بسیاری دیگر از ترجمه های سحابی، نشر مرکز روانه بازار کتاب ایران می کند. این یکی از آخرین ترجمه های این مترجم فقید است و تاکنون در ایران منتشر نشده است.

«قصر به قصر» رمانی است که سلین در سال ۱۹۵۷ میلادی نوشته است. این کتاب که سلین در آن خاطرات زمان تبعید خود به منطقه ای در آلمان را نقل می کند، با نام فرانسوی «D'un chateau l'autre» منتشر شد. این کتاب توسط رالف مانهایم به انگلیسی نیز ترجمه و با نام «Castle to Castle» منتشر شده است.

همچنین نشر مرکز دو ترجمه دیگر سحابی از کتاب های سلین را برای تجدید چاپ آماده می کند: «دسته دلقک ها» که در سال ۱۳۸۷ توسط این انتشارات منتشر شده و «مرگ قسطی» که نشر مرکز آن را در سال ۱۳۸۵ منتشر کرد.

لویی فردینان دتوش با نام مستعار «سلین»، در سال ۱۸۹۴ در فرانسه متولد شد. پدرش کارمند بیمه

جایزه سروانتس به یک نویسنده مکزیکی رسید

آکادمی ادبی سروانتس اسپانیا، خوزه امیلیو پاچکو، نویسنده مکزیکی را به عنوان برنده جایزه ادبی سروانتس در سال ۲۰۰۹ اعلام کرد.

به گزارش آسوشیتدپرس، خوزه امیلیو پاچکو، نویسنده مکزیکی، جایزه گرانتهای ادبی سروانتس اسپانیا را به خود اختصاص داد. این خبر روز گذشته از سوی وزیر فرهنگ اسپانیا، بالاترین مقام فرهنگی دولتی در این کشور اعلام شد.

پاچکوی هفتاد ساله، شاعر، نویسنده، روزنامه نگار، منتقد ادبی و مقاله نویس از این که به عنوان برنده این جایزه معرفی شده، دچار تعجب فراوان شد. او در نمایشگاه کتاب گوادالاخارا مکزیکی در این باره گفت: «این خبر مانند مثنی بود که بر من وارد شد اما درش را فوراً احساس نکردم، این غیرواقعی است. از ساعت هفت صبح امروز تا حالا یک دقیقه نشده است که من سه تلفن را همزمان جواب ندهم».

خوزه آنتونیو پاسکوال رودریگوئز، عضو هیات داوران جایزه ادبی سروانتس و نماینده آکادمی سلطنتی اسپانیا درباره پاچکو می گوید: «ما او را به عنوان نماینده ای شایسته از زبان و ادبیات اسپانیایی برگزیدیم. او شاعری استثنایی از زندگی روزمره است با زبانی عمیق، آزادی فکر و با توانایی ساخت جهانی مخصوص خود که با فاصله گذاری طنز آمیزی از واقعیت در مواقع لازم و کاربردهای زبان شناسانه، جهان خود را بیان می کند... او هنرمندی بدون نقص است».

پاچکو، شهروند مکزیکی کوسیتی، یکی از شاعران مطرح و شناخته شده مکزیکی و از سوی دیگر، نویسنده داستان های کوتاه و نماینده نسلی از هنرمندان است که از اواخر دهه ۵۰ و ۶۰ به این سو در مکزیکی رشد یافتند. در آن دوره، این نسل از هنرمندان در شهری نه با جمعیت کثونی اما پر از آلودگی و فساد و از سوی دیگر صمیمیت و عشق بزرگ شدند.

جایزه سروانتس جایزه مطرح دریای اسپانیایی زبان است که بزرگانی چون خورخه لویس بورخس آرژانتینی و ماریو بارگاس یوسا و کارلوس فونتنس مکزیکی آن را از آن خود کرده اند.

آلمان و سپس به دانمارک سفر کرد و مدتی در کپنهاگ زندانی بود. سلین در سال های پایانی عمر از مردم فرانسه عذر خواست و به کشور خود بازگشت اما مناسبات سیاسی موجب شد تا آثار او در زمان حیاتش چندان شناخته نشود. این نویسنده در سال ۱۹۶۱ در کشور زادگاهش درگذشت.

وی در رمان «قصر به قصر» تجربیات و خاطرات تبعید خود را توسط دولت فرانسه به منطقه ای در آلمان نقل می کند. زندگی پرفراز و نشیب این نویسنده به کتاب هایی که زندگی او را شرح می دهند اعتبار بخشیده است که «نگارش در تعارض» یکی از آنهاست. مهدی سحابی، مترجم و نویسنده ایرانی که در فرانسه اقامت داشت، با مداد دوشنبه ۱۸ آبان در سن ۶۵ سالگی بر اثر نارسایی قلبی درگذشت.

از میان ترجمه های ادبی این مترجم می توان به این آثار اشاره کرد: «بارون درخت نشین» اثر ایتالو کالوینو، «مرگ قسطی» نوشته لویی فردینان سلین، «مرگ وزیر مختار» به قلم الکساندر گریبایدوف، «مونه دیدیو کوه خدا» نوشته آری دولکا، «تربیت احساسات» اثر گوستاو فلویبر، «آب، بابا، ارباب» نوشته گاونیو لدا، «مون بزرگ» به قلم آلن فورنیه، «تقسیم» اثر پیرو کبارا، «جامعه شناسی هنر» به قلم ژان دووینو و «مادام بواری» اثر گوستاو فلویبر.

«استالین خوب» به بازار کتاب ایران می آید

رمان «استالین خوب» اثر ویکتور ارافیف، نویسنده روس و پسر یکی از دیپلمات های مستعفی شوروی سابق، که به فارسی ترجمه شده، در ایران منتشر می شود. این نخستین اثر این نویسنده است که به فارسی ترجمه می شود.

این کتاب را زینب یونس به فارسی ترجمه کرده است و ترجمه او توسط انتشارات نیلوفر روانه بازار کتاب ایران می شود. ویکتور ارافیف، نویسنده این کتاب فرزند ولادیمیر ارافیف، یکی از دیپلمات های عالی رتبه شوروی سابق است. پدر او زیر فشار حکومت سوسیالیستی شوروی مجبور به استعفا از شغل خود شد. ویکتور ارافیف در سال ۱۹۴۷ متولد شد. بخشی از کودکی اش را به خاطر شغل پدرش در پاریس سپری کرد. وی از دانشگاه ایالتی مسکو در رشته زبان و ادبیات فارغ التحصیل و پس از آن به عنوان منتقد ادبی و نویسنده، مشغول به کار شد. نخستین رمان این نویسنده در سال ۱۹۹۰ با نام «زیبای روسی» منتشر شد.

رمان «استالین خوب» از جدیدترین آثار این نویسنده ۶۱ ساله محسوب می شود. وی این کتاب را در سال ۲۰۰۴ میلادی به انتشار رسانده است. این، نخستین ترجمه یونس از یک کتاب است. وی پیش تر تنها برای مطبوعات مطالبی ترجمه می کرده است. برخی ترجمه ها و مطالب مطبوعاتی این مترجم ۳۸ ساله، مربوط است به نویسندگان روس در زمان اتحاد جماهیر شوروی که در برخی از نشریات ایران چاپ شده اند. همچنین «استالین خوب» نخستین اثر ارافیف است که رخت و آزارگان فارسی می پوشد و در ایران منتشر می شود.

ترجمه یونس از رمان «استالین خوب» در ۴۰۸ صفحه چاپی منتشر می شود.

کتاب جدیدی از رفیق شامی به ایران رسید

رمان «آن روز فرا خواهد رسید» اثر رفیق شامی، نویسنده آلمانی متولد سوریه که به فارسی ترجمه شده، در ایران منتشر می شود.

این کتاب را عذرا جعفرآبادی، مترجم ایرانی مقیم آلمان به فارسی برگردانده که ترجمه او توسط موسسه انتشاراتی «نشانه» روانه بازار کتاب ایران می شود. ترجمه جعفرآبادی از یک رمان دیگر این نویسنده نیز چندی پیش توسط همین انتشارات با نام «قصه گوی شب» در ایران منتشر شده است.

«آن روز فرا خواهد رسید» ترجمه ای است از یکی از آثار اولیه این نویسنده آلمانی. وی این کتاب را در سال ۱۹۸۵ میلادی و با نام آلمانی «Der Fliegenmelker Geschichten: aus Damaskus» نوشته و منتشر کرده است. ترجمه لغت به لغت این نام عنوانی مانند این به دست می دهد: «پرواز ملکر: داستانی از دمشق». اما مترجم با توجه به مضمون داستان، ترجیح داده عبارت «آن روز فرا خواهد رسید» را برای این کتاب برگزیند. ترجمه خانم جعفرآبادی از رمان «قصه گوی شب» این نویسنده هم نشان می دهد، مترجم تلاش دارد تا اصطلاحات نویسنده را تا حد ممکن با عباراتی فارسی جایگزین کند. ترجمه این کتاب سومین تجربه جعفرآبادی در ترجمه و دومین تجربه او در ترجمه ادبی است. او

در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

چرچیل روی پرده نقره ای

همه وینستون چرچیل را به عنوان یک سیاستمدار می شناسند؛ نخست وزیر بریتانیا در سال های پایانی جنگ دوم جهانی که ماجراها و داستان هایی از زیرکی های او گاهی در محافل نقل می شود. کمتر می دانند که چرچیل نویسنده هم بوده و کمتر می دانند که او به جایزه نوبل ادبیات هم دست یافته است. اما گذشته از اینها، هفته گذشته همزمان با صد و بیست و پنجمین سالروز تولد چرچیل، خبرنگار «ایبنا» اقتباس های سینمایی که از آثار چرچیل انجام شده را در گزارشی کوتاه بررسی کرده است. این گزارش مطرح می کند سه فیلم سینمایی و پنج اثر تلویزیونی براساس آثار این سیاستمدار و نویسنده ساخته شده اند.

نهمین روز شمار جنگ تحمیلی

در راه است

نعمت الله سلیمانی، نویسنده و محقق دفاع مقدس در گفت و گو با خبرنگار ایبنا از نگارش نهمین جلد از «روز شمار جنگ تحمیلی» خبر داده است. به گفته او در این مجلد از روز شمار جنگ، وقایع ماه های مرداد و شهریور سال ۱۳۵۹ و وقایع قبل از آغاز جنگ تحمیلی چون: مقابله با نیروهای ضدانقلاب در استان کردستان و گروهک های منافق در داخل کشور و لغو یکطرفه قرارداد مرزی ۱۹۷۵ الجزایر توسط صدام، مطرح و بررسی شده اند. این کتاب توسط مرکز اسناد دفاع مقدس منتشر خواهد شد.

عکس های کتابی

عکاسان خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته چند مراسم مختلف از جمله اختتامیه دومین دوره جایزه جلال آل احمد، مراسم رونمایی از کتاب «شمع جمع»، چهارمین نمایشگاه کتاب خراسان جنوبی، چهارمین نمایشگاه کتاب اراک و افتتاح نمایشگاه «روزنه ای به رنگ» را به تصویر گزارش کردند. این عکس ها در صفحه ویژه «گزارش تصویری» خبرگزاری کتاب قابل مشاهده است. نقد و معرفی جدیدترین کتاب ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب هایی که به زودی قدم به کتابفروشی ها می گذارند، گفت و گو هایی با پدید آورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه ترین خبرها و گزارش ها از کتاب و ادبیات و نقد و تحلیل هایی بر کتاب های جدید، از دیگر مطالبی اند که می توان در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران یافت. همچنین «ایبنا نوجوان» وب سایت فرعی خبرگزاری کتاب ایران که اخبار مربوط به کتاب های کودک و نوجوان را منتشر می کند، جدیدترین کتاب های منتشر شده برای بچه ها را معرفی کرده است.

اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته تحولات کتابی و اخبار و آمار انتشار کتاب در حوزه های مختلف در ایران، مهم ترین عناوین مربوط به کتاب در نشریات فارسی زبان، گزارش نشست های سرای دائمی اهل قلم و انتشار تازه ترین کتاب های ترجمه شده به فارسی از نویسندگان غیرایرانی را به گوش جهان انگلیسی زبان رساند.

استقبال از «فرزند پنجم»

کتاب «فرزند پنجم» اثر دوریس لسینگ با ترجمه مهدی غبرایی از انتشارات ثالث به گفته مسوول فروش کتابفروشی نیک در صدر هفته گذشته آثار پرفروش این کتابفروشی قرار داشت. دوریس لسینگ برنده جایزه ادبیات، در این کتاب زندگی زن و مردی را روایت می‌کند که با ازدواج و تشکیل خانواده تصمیم می‌گیرند فرزندان زیادی به دنیا بیاورند اما دست سرنوشت از فرزند پنجم آنها موجودی هیولاصفت می‌سازد که زندگی این خانواده را به جهنمی واقعی تبدیل می‌کند. مهدی غبرایی مترجم این اثر، در توصیف آن گفته است: «آثار لسینگ دارای ابعاد روان‌شناسانه است و او در واقع در دوره دوم فعالیت نوشتاری خود، به کاوش درون انسان‌ها و نیز روابط آنها در طبقات و قشرهای مختلف می‌پردازد.»

دیگر آثار پرفروش کتابفروشی نیک در هفته گذشته به ترتیب عبارت بودند از: «من گنجشک نیستم» اثر مصطفی مستور از نشر مرکز، «تنهایی پریها» اثر بهومیل هرابال از پرویز دروایی از انتشارات بازتاب نگار، «چهار چهارشنبه و یک کلاه گیس» اثر بهاره رهنما از نشر چشمه، «پس از تاریکی» اثر هاروکی موراکامی با ترجمه مهدی غبرایی از انتشارات نیک، «دا» اثر سیده زهرا حسینی از انتشارات سوره مهر، «مهمان ناخوانده» اثر اریک امانوئل اشمیت با ترجمه مهرداد مخبري و تینوش نظم جو از نشر نی، «دیوانه بازی» اثر کریستین بوبین با ترجمه پرویز شهدی از نشر چشمه، «زمانی که یک اثر هنری بودم» اثر اریک امانوئل اشمیت با ترجمه فرامرز ویسی و آسیه حیدری از نشر افراز، «اتوردشت» اثر سلینجر با ترجمه محمد نجفی از نشر نیلا، «کافه پیانو» اثر فرهاد جعفری از نشر چشمه، «روی ماه خداوند را ببوس» اثر مصطفی مستور از نشر مرکز، «یک عاشقانه آرام» اثر نادر ابراهیمی از انتشارات روزبهان، «یوزپلنگانی که با من دویدند» اثر بیژن نجدی از نشر مرکز و «خرده جنایت‌های زن و شوهری» اثر اریک امانوئل اشمیت با ترجمه شهلا حائری از نشر قطره.

کتابفروشی مهرداد نیز آثار پرفروش خود را در هفته گذشته به این ترتیب اعلام کرد: «داستان‌های خوب برای بچه‌های خوب» اثر حسن منصوری، «آموزش و پرورش سه مقطع» اثر محمد تقی ندیمی و محمد حسن بروج و «داستان خسرو شیرین و فرهاد» اثر نظامی گنجوی به اهتمام حسن منصوری. هر سه این کتاب‌ها از سوی انتشارات مهرداد به چاپ رسیده‌اند.

همدان، میزبان کنگره شعر عاشورایی

کنگره شعر عاشورایی در قالب‌های نثر ادبی، شعر و مقاله چهارشنبه ۲۵ آذر در اداره کل تبلیغات اسلامی استان همدان برگزار می‌شود. حجت الاسلام احد آزادخواه هدف از اجرای این کنگره را تغذیه صحیح شعر مداحان، ترویج و گسترش فرهنگ عاشورایی و تبیین آن در میان مردم، به ویژه در میان نوجوانان و جوانان خواند و گفت: این برنامه با موضوع ماه محرم ویژه رده سنی کمتر و بیشتر از ۳۰ سال برگزار می‌شود. حجت الاسلام آزادخواه اظهار داشت: مراسم پایانی این کنگره چهارشنبه ۲۵ آذر اعلام و به نغزات اول هر گروه سنی سکه تمام بهار آزادی، به نغزات دوم هر گروه سنی نیم سکه بهار آزادی و به نغزات سوم هر گروه سنی ربع سکه بهار آزادی اهدا می‌شود. سرپرست اداره کل تبلیغات اسلامی استان همدان یادآور شد: اشعار ارسالی به دبیرخانه که برخی از آنها توسط مداحان ارسال می‌شود، به عنوان الگوی شعری در کتابی گردآوری خواهد شد تا مداحان در سال‌های بعدی از آن استفاده کنند.

شالویی در افتتاحیه «روزنه‌ای به رنگ»:

شعر و نقاشی سهراب، دو جهان راز آلودند



پیشکسوتان برگزار شد.

یعقوب امدادیان، دبیر نمایشگاه «روزنه‌ای به رنگ» در نشست خبری این نمایشگاه از انتشار دو جلد کتاب که یکی شامل آثار به نمایش درآمده در نمایشگاه و دیگری دربردارنده همایش ادبی سهراب سپهری است خبر داده بود.

مراسم افتتاحیه نمایشگاه «روزنه‌ای به رنگ» عصر، دوشنبه ۹ آذر در محل موزه هنرهای معاصر تهران با حضور محمود شالویی، سرپرست موزه، سعید فلاح فر، مدیر اجرایی نمایشگاه، اسماعیل آذر، دبیر همایش ادبی سهراب و جمعی از نقاشان از جمله همایون تسلیمی، ایرج اسکندری، احمد اسفندیاری، حبیب‌الله‌آیت‌اللهی، رضوان صادق‌زاده و غلامعلی طاهری و همچنین علاقه‌مندان عرصه فرهنگ و هنر برگزار شد.

برگزاری کنگره سهراب از سال آینده

همایش سهراب سپهری از سال آینده به صورت کنگره‌ای بین‌المللی برگزار می‌شود. به گزارش ایسنا، به گفته اسماعیل آذر، در برنامه ریزی‌ای که از چندی دیگر آغاز می‌شود، قرار است همایش «بررسی شعر و اندیشه‌های ادبی سهراب سپهری» از سال آینده به صورت کنگره‌ای بین‌المللی برگزار شود. دبیر همایش «بررسی شعر و اندیشه‌های ادبی سهراب سپهری» همچنین گفت: «می‌خواهیم از استادانی که روی شعر معاصر ایران، به ویژه شعر سهراب سپهری، کار کرده‌اند، برای حضور در این کنگره دعوت کنیم که اغلب هم از کشورهای تاجیکستان، افغانستان، ترکیه، فرانسه و ژاپن هستند. به گفته او، این کنگره به مدت دو روز از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل هنرهای تجسمی برگزار می‌شود و در بخشی از آن به بررسی نقاشی‌های سهراب پرداخته می‌شود.

کتابسرای جلگه
کتابخانه شخصی شما را
در محل خریداریم.
۶۶۴۹۶۲۵۰
۰۹۳۲۹۴۱۰۶۴۹

نقاشی و آثار ادبی او وجود دارد و امیدوارم این نمایشگاه بتواند شناخت مناسبی از او ایجاد کند.»

در ادامه این مراسم، احمد اسفندیاری به ذکر خاطراتی از سهراب سپهری پرداخت و گفت: «من در آن دوران شعرهای سهراب را نخوانده بودم و او را در شعر جدی نمی‌گرفتم؛ هر چند او همیشه از شعرهایی که من به شوخی می‌نوشتم خوشش می‌آمد. بعدها فهمیدم که او در شعر هم، مثل نقاشی نوآور بود.»

اسفندیاری ادامه داد: «در آن دوره نوآوری کار هر کسی نبود و خلاقیت و آثار سهراب سهراب متعلق به وجود و شخصیت خودش بود و بسیار متاسفم که نتوانست و فرصت نکرد به مدارج بالاتر برسد. من او را هرگز از یاد نخواهم برد.»

در ادامه مراسم، افتتاح نمایشگاه توسط سرپرست موزه هنرهای معاصر و جمعی از هنرمندان و

مراسم افتتاحیه نمایشگاه «روزنه‌ای به رنگ» در موزه هنرهای معاصر تهران عصر ۹ آذر برگزار شد. محمدشالویی مدیر کل دفتر امور هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این مراسم شعر و نقاشی سهراب را جهانی رمز آلود توصیف کرد که آنچه را در یکی از آن دو یافته می‌شود، در دیگری نیز می‌توان جست و جو کرد.

شالویی در ادامه گفت: «در آستانه سی‌امین سالگرد درگذشت شاعر و نقاش برجسته سهراب سپهری قرار داریم. از آنجا که سهراب شاعر، نقاش و در مجموع هنرمند توانمندی است که شعر و نقاشی‌اش تأثیر بسزایی در شعرهای و نقاشی‌های پس از او برجای گذاشته و از او چهره‌ای محبوب و دوست‌داشتنی برای همه اعصار ساخته است، ویژگی‌های منحصر به فرد درونی و عرفان رمز آلود و راز آلودش این شأن و شخصیت را پدید آورده تا همواره و همیشه در ذهن و خاطره خود او را به یاد داشته باشیم.»

وی ادامه داد: «نرمی و لطافتی در شعر سهراب موج می‌زند و در نقاشی‌هایش هویداست. آنچه در نقاشی‌هایش نقش بسته را در شعر او نیز می‌توان پیدا کرد؛ هر چند آثار او آنقدر راز آلود است و آنقدر در پرده اسرار نهان شده است که هر کس به اندازه فهمش، فهمیده مدعا را.»

سرپرست موزه هنرهای معاصر تهران همچنین گفت: «سهراب عارفی بوده که عرفان در آثارش مشهود است؛ اگر چه نتوان بر ابعاد و زوایای آن به خوبی راه یافت و حتی در مقام تقسیم و تبیین آن برآمد. از همین رو برای تکمیل شناخت او، همایشی در کنار این نمایشگاه در نظر گرفته شده که ۱۰ آذر برگزار می‌شود؛ زیرا پیوندی ناگسستنی بین آثار

بررسی آراء شفیعی کدکنی در نشریات کتاب ماه

تازه‌ترین شماره‌های نشریات کتاب ماه فلسفه، ادبیات، هنر، علوم اجتماعی، کلیات و علوم وفنون از سوی موسسه خانه کتاب منتشر شد.

بیست و ششمین شماره کتاب ماه فلسفه (آبان ماه ۱۳۸۸) که با زیر عنوان «ویژه‌نامه نیکولاس رشر» منتشر شده در ۱۱۲ صفحه و با پنج سرفصل سخن سردبیر، حیات علمی، نقد و بررسی آثار، معرفی، جستار، گزارش مترجم و گفت و گو تنظیم و به مباحثی از این دست پرداخته است:

«بررسی موردپژوهانه گزارشی رشر از منطق دوره اسلامی» احد فرامرز قراملکی، «نیکولای رشر و کتاب‌شناسی فارابی و کندی» عاطفه رنجبر دارستانی، «دفاعیه‌ای مسیحی - عربی مربوط به قرن دهم از منطق نیکولاس رشر» ترجمه علی آرام‌جو، «مطالعاتی در تاریخ منطق عربی و گزارشات انتقادی» ترجمه و تالیف محمود زراعت پیشه و «منطق سینوی به روایت رشر» گفت و گو با دکتر لطف‌الله نبوی.

مهم‌ترین عناوین کتاب ماه هنر نیز در صدوسی و چهارمین شماره (آبان ۸۸) عبارتند از: «ترسیم معماری و دیگر هیچ، معماری مطبوع، نساجی یزد، تداوم خلاقیت و ابتکار، تأثیرات نئوکلاسیک در نقاشی دوره قاجار، تأثیر هنر ایران کهن بر مکتب شیراز دوران آل‌اینجو، علی مطیع و مکتب ایران شهر، معماری معاصر ایران، تکاپوی سنت و مدرنیته، تحلیل تطبیقی مفهوم حرکت در فضای سینما و معماری.

سی‌ویکمین شماره کتاب ماه ادبیات (آبان ۸۸) نیز مهم‌ترین مباحث این شماره را به این ترتیب روی جلد درج کرده است: نشست علمی: «نقد کتاب واقع‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر ایران»، «نگاهی به واقع‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر ایران» دکتر احمد ابومحجوب، «آینه‌ای برای صداها (تحلیلی از شعر دکتر شفیعی کدکنی و بررسی نمایه‌ها و مضامین شعر او) عبدالعلی دستغیب، «آشنایی زبانی در شعر منوچهر آشتی» زهرا محمدنژاد، «طرح ملاک‌های علمی در شناخت و بررسی نوآوری‌های شعر معاصر ایران» سیدفرشید سادات شریفی، «نگاهی به شیوه تصحیح ترجمه تفسیر طبری» اکرم السادات حاجی سیدآقایی و «آموزش زبان فارسی در ترکیه» دکتر علی تمیزال.

کتاب ماه علوم اجتماعی نیز بیستمین شماره خود را در قالب ویژه‌نامه‌ای با عنوان برنامه ریزی اجتماعی و توسعه منطقه‌ای منتشر کرده است. برخی از عناوین این شماره عبارتند از: «برنامه ریزی اجتماعی و نقش آن در ایران، ارتباطات و توسعه» دکتر سیدرضا نقیب‌السادات، «تحلیل منطقه‌ای و سطح بندی سکونت‌گاه‌ها» حمید دوستی، «برنامه ریزی در حوزه عمومی (از شناخت تا عمل)» نورالدین لطیفی و «انسان، توسعه و محیط زیست» علی رحیمی.

صدوچهل و سومین شماره کتاب ماه کلیات (آبان ۸۸) با زیر عنوان «نگاهی ویژه به کتاب و کتابخوانی» نیز مباحثی از این جمله را مورد بررسی قرار داده است: هفته‌ای برای کتاب: هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران، خواندن، ضرورت، لذت یا هدف، کتاب و کتابخوانی و نقش سازمان‌های فرهنگی، خواندن برای خوب بودن، ارزیابی منابع الکترونیکی و مطالعه آنها، فرآیند تکوین مطالعه و خواندن در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی.

مهم‌ترین مباحث سی‌ویکمین شماره کتاب ماه علوم و فنون (آبان ۸۸) نیز در ۶ عنوان به ترتیب زیر روی جلد درج شده است: مصورسازی اطلاعات، آن سوی افق فکری، همه چیز درباره دفتر چه کارگاه، این هم مجموعه‌ای است، مهندسی اینترنت، دکتر محمد قریب پدر طب اطفال ایران و مجموعه نوآوری‌های علوم پزشکی.



سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های کارشناسی در حوزه های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را فراهم می کند. در نشست هایی که طی هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های حافظ پژوهی و همچنین تاریخ و رسانه در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند.

از چهارشنبه تا سه شنبه با برنامه های سرای اهل قلم

بحث داغ اهالی سینما درباره تاریخ و رسانه

ریشه یابی طنز حافظ

پنجمین نشست «حافظ پژوهی» با موضوع نشست پیشین با عنوان «طنز شعر حافظ» در سرای اهل قلم برگزار شد. در این نشست، طنز حافظ طنزی تلخ خواننده شد که ریشه در زمان و زمانه حافظ دارد.

این نشست با حضور پرویز عباسی داکانی دبیر نشست، نیما تجبر، سخنران و جمعی از دانشجویان و علاقه مندان برگزار شد.

پرویز عباسی داکانی: به طور کلی طنز حافظ با فلسفه او پیوند دارد و نیازمند بنیاد فلسفی است؛ چراکه مبتنی بر جهان بینی حافظ است. این در حالی است که طنز عبید زاکانی مبتنی بر ایدئولوژی است. عبید نه تنها در تاریخ ادبیات ایران بلکه در تاریخ ادبیات جهان نمونه ای بی نظیر است.

برای بررسی طنز حافظ باید به عبید زاکانی رجوع کرد. به عنوان مثال عبید در رساله «اخلاق الاشراق» به مقوله دین چنان که بود و چنانچه هست اشاره کرده یا در رساله ای دیگر به نام «تشریفات ملا دو پیازه» تمامی واژه ها را آن گونه که می خواهد تعریف کرده است.

اصلی ترین موضوعی که حافظ بر آن تمرکز کرده، ریاستیزی است. ریاستیزی ساختاری ترین نهاد شعر حافظ است. این ریاستیزی دو قسم فردی و جمعی دارد.

اگر ما به زبان حافظ توجه نکنیم، دچار کج فهمی های بسیاری خواهیم شد. به بیان دیگر، اگر زبان حافظ را عبارت بدانیم تمام غزل هایش می تواند به مثابه پرورده ای برای مجرم نشان دادن او باشد. اما زبان حافظ زبان اشارت است. خود نیز از مخاطب همین را خواسته (آن کس است اهل بشارت که اشارت داند/ نکته ها هست بسی محرم اسرار کجاست) و به عمد در زبانی سخن می گوید که اگر ویژگی های آن را ندانیم، با مشکل روبه رو خواهیم شد.

نیما تجبر: یکی از ویژگی های طنز حافظ نابه جایی است. گاه نابه جایی برآمده از روزگار حافظ است و بستری اجتماعی دارد و گاه این نابه جایی را حافظ ایجاد می کند تا جهان دیگری را در شعرش فراهم آورد.

گاه هنر و زبان حافظ از خودش فراتر می رود و گاه فروتر. به عنوان مثال در بیت (بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم/ فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم) هنر و زبان حافظ نسبت به خود او فراتر رفته اما در بیت (خوشتر ز عیش و صحبت و باغ و بهار چیست / ساقی کجاست گو سبب انتظار چیست) هنر حافظ نسبت به خودش فروتر رفته است.

پیوند تاریخ و سینما

در سرای اهل قلم

نشست تخصصی کتاب ماه تاریخ و جغرافیا با موضوع «تاریخ و رسانه» در سرای دائمی اهل قلم موسسه خانه کتاب برگزار شد.

در این نشست تخصصی، مهدی فخریم زاده، دکتر داریوش رحمانیان، دکتر رضا شعبانی و منیر قادری؛ معاون سردبیر کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، حضور داشتند و به بحث و گفت و گو درباره تاریخ و رسانه پرداختند. قرار بود حسن فتحی کارگردان نام آشنای سینما و تلویزیون نیز در این نشست حضور داشته باشد که به دلیل تصویربرداری فیلم، موفق نشد در نشست «تاریخ و رسانه» سخنرانی کند.

درام با آن عمل می کنیم.

در سینمای تاریخی وجهه دینی - اعتقادی مطرح است و هنگامی که پای شریعت به میان می آید، مشکلاتی را عنوان می کند. به عنوان مثال ازدواج امام رضا(ع) با دختر مامون آمده است ولی هنگامی که فیلمی درباره امام رضا(ع) می سازید، آوردن این مطالب شبهاتی ایجاد می کند و بهتر است از این مساله عبور کنید زیرا امروز برای عوام توجیه پذیر نیست.

در فیلم های معمولی ما قصه ای را می نویسیم و به تهیه کننده می دهیم تا آن را بسازد ولی در فیلم های تاریخی نمی توانیم چنین کنیم بلکه باید شورای تاریخ اسلام را تشکیل دهیم. مادر فیلم های تاریخی به عنوان دراماتورژی بینیم

برنامه های این هفته سرای اهل قلم

برنامه نشست های این هفته سرای اهل قلم از سوی خانه کتاب اعلام شد. نخستین نشست این هفته روز دوشنبه (شانزدهم آذر از ساعت ۱۴ تا ۱۶) به کارگاه داستان نویسی با حضور فیروز زنوزی جلالی اختصاص دارد. در همین روز، نشست دیگری از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰ با موضوع آسیب شناسی ادبیات دفاع مقدس با حضور مصطفی خرامان، منوچهر اکبرلو و مسعود امیرخانی برگزار می شود. روز سه شنبه نیز دو نشست در این سرای برگزار می شود که یکی از این نشست ها به حوزه صنعت چاپ با موضوع «چگونه از ضایعات چاپی جلوگیری کنیم» در ساعت ۱۷ تا ۱۸ اختصاص دارد و نشست دیگر نیز با موضوع نقد و بررسی مجموعه «پنج زبان عشق» با حضور رضا نیکنام، سیمین موحد و لیورا سعید در حوزه روان شناسی برگزار می شود. نشست های روز چهارشنبه و پنجشنبه نیز در ادامه نشست های حوزه صنعت چاپ به موضوع «چگونه از ضایعات چاپی جلوگیری کنیم» از ساعت ۱۷ تا ۱۸ اختصاص دارد.

این شخصیت های تاریخی که شناسنامه دارند و حوادث مشخصی را به تصویر می کشند، از بین ستون های ثابت روبه رویم و نمی توان روایت های تاریخی را تغییر داد؛ درست برعکس کاری که در درام انجام می گیرد.

درام اصولی دارد و همواره منطبق بر همین اصول حرکت می کند، در واقع می خواهد مراد خود را بیان کند و با مخاطب خود روبه رو شود چراکه اگر آن اصول را رعایت نکند، نمی تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند. در درام از آزمون و خطا استفاده می کنیم و با یک شخصیت شروع کرده و اصول را در این شخصیت ایجاد می کنیم، آن را طرح و گسترش می دهیم و بعد از این مرحله کشمکش آغاز می شود و روایت به اوج خود می رسد.

در روایت های سینمایی حادثه ای توجه شما را جلب می کند و این موضوع و محتواست که توجه مخاطب را برمی انگیزد. همه این مسائل تابع یک قانون آزمون و خطاست و در مسیر پیشرفت و گاهی جنسیت در حرکت تغییر می کند. به همین دلیل در حوادث، دائما با تغییر روبه رویم تا به نهایت برسیم ولی هنگامی که پای تاریخ به میان می آید، با یک حوادث ثابت روبه رویم به همین دلیل به روایت های تاریخی نمی توان دست زد، درست خلاف آنچه در

مهدی فخریم زاده، کارگردان و بازیگر: هنگامی که پای تاریخ در سینما به میان می آید، با یک سری حوادث ثابت روبه رویم و نمی توان روایت های تاریخی را تغییر داد؛ درست برعکس کاری که در درام انجام می گیرد.

درام اصولی دارد و همواره منطبق بر همین اصول حرکت می کند، در واقع می خواهد مراد خود را بیان کند و با مخاطب خود روبه رو شود چراکه اگر آن اصول را رعایت نکند، نمی تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند. در درام از آزمون و خطا استفاده می کنیم و با یک شخصیت شروع کرده و اصول را در این شخصیت ایجاد می کنیم، آن را طرح و گسترش می دهیم و بعد از این مرحله کشمکش آغاز می شود و روایت به اوج خود می رسد.

در روایت های سینمایی حادثه ای توجه شما را جلب می کند و این موضوع و محتواست که توجه مخاطب را برمی انگیزد. همه این مسائل تابع یک قانون آزمون و خطاست و در مسیر پیشرفت و گاهی جنسیت در حرکت تغییر می کند. به همین دلیل در حوادث، دائما با تغییر روبه رویم تا به نهایت برسیم ولی هنگامی که پای تاریخ به میان می آید، با یک حوادث ثابت روبه رویم به همین دلیل به روایت های تاریخی نمی توان دست زد، درست خلاف آنچه در

دکتر رضا شعبانی، استاد دانشگاه و تاریخ پژوه:

کار تاریخ نگار از مقوله هنری نیست، بلکه یک علم است و به حقیقت های رویداد تاریخی می پردازد. با این حال باید بگویم بین تاریخ و سینما رابطه وجود دارد و تاریخ پژوهان باید اطلاعاتشان را با سینماگران در میان بگذارند. در ادبیات، عرصه خیال وسیع است و هر کس می تواند در ادبیات به هر چیزی بپردازد و به آن قدرت مبالغه بدهد. به این معنی که یک آدم متوسط حال را قهرمان خود قرار می دهد. صور خیال در ادب عرصه پهناور و وسیعی دارد و همه می توانند به آن بپردازند. ادیب می تواند قهرمان خیالش را اوج بدهد و نقاط قوت و ضعف آن را به تصویر بکشد.

کار تاریخ نگار از مقوله هنری نیست، بلکه یک علم است و به حقیقت های رویداد تاریخی می پردازد. هنر با خلاقیت، فن و تکنیک روبه روست و باید خلاقیت و زیبایی شناسی داشته باشد. در عرصه سینما با پدیده ای روبه رویم و می توانیم یک مساله کوچک را بزرگ و یک مساله بزرگ را کوچک نشان دهیم. تاریخ و رسانه باید با هم همکاری کنند و بر اساس روایت های خشک تاریخی نمی توان تصویر را به مخاطب عام نشان داد و هر متن در ادب تاریخی است که سند تاریخی محسوب می شود و می تواند اطلاعات و آگاهی های خود را به بیننده انتقال دهد.

داریوش رحمانیان، استاد رشته تاریخ دانشگاه تهران: یک ضرب المثل چینی معتقد است که یک تصویر به ۱۰۰۰ کلمه می آرد. ما معضل اساسی داریم که می توان از آن به عنوان بحران هویت نام برد. من در مقاله «تسخیر تاریخ» آورده ام که تاریخ مابه سرت می رود. ابن سینا، مولوی و... را از ما می گیرند و امروزه فردوسی را نیز متعلق به خود می دانند. مرزهای تاریخی را باید چه کسی پاسداری کند؟ فردوسی نگذاشت تاریخ ما از بین برود و سینماگران باید به این سمت بروند و تاریخ پیشینیان را با سینما زنده نگه دارند. سینماگران می توانند حقوق بشر ایرانی را به تصویر بکشند که کوروش بزرگ نخستین منشور بشر را نوشت و تاریخ نیاکان و پیشینیان را با تصویر کردن حقوق بشر ایرانی زنده نگه دارند. وقتی ایرانی می بیند که افرادی مانند کوروش، داریوش، خشایارشا و... را دارد به ایرانی بودن خود افتخار می کند.

کار سینماگر می تواند در جات گوناگونی داشته باشد اما به طور کلی سینما یک هنر است. درباره تاریخ، وفاق عام وجود ندارد. آیا سینما به عنوان هنر مطرح می شود و تنها برای این است که عده ای از نمایش آن لذت ببرند یا اهداف دیگری را به دنبال دارد و می توان با دیدن فیلم فلسفه یاد گرفت!

این شخصیت های تاریخی که شناسنامه دارند و حوادث مشخصی را به تصویر می کشند، از بین ستون های ثابت روبه رویم و نمی توان روایت های تاریخی را تغییر داد؛ درست برعکس کاری که در درام انجام می گیرد.

درام اصولی دارد و همواره منطبق بر همین اصول حرکت می کند، در واقع می خواهد مراد خود را بیان کند و با مخاطب خود روبه رو شود چراکه اگر آن اصول را رعایت نکند، نمی تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند. در درام از آزمون و خطا استفاده می کنیم و با یک شخصیت شروع کرده و اصول را در این شخصیت ایجاد می کنیم، آن را طرح و گسترش می دهیم و بعد از این مرحله کشمکش آغاز می شود و روایت به اوج خود می رسد.

انتشارات آرون
منتشر کرد:

تاریخ هنر ایران (جلد ۲)

مؤلفان: جهانگیر نصری اشرفی
عباس شیرزادی اهودشتی

مرکز پخش: میدان انقلاب - ابتدای
خیابان کارگر - نبش وحدت نظری -
مجتمع تجاری نادر - ط اول - واحد ۴

انتشارات فرهنگسرای میردشتی
۶۶۴۹۰۶۶۱ - ۲



سایر محمدی

«فیه مافیه» اثر مولانا جلال الدین محمد بلخی علاوه بر این که یک متن عرفانی ارزشمند است، به عنوان نثر فارسی قرن هفتم از منظر زبان شناختی و جامعه شناختی نیز حائز اهمیت فراوانی است. بر همین اساس، تاکنون محققان بسیاری در سال‌های مختلف اقدام به تصحیح و توضیح آن کرده‌اند. اخیراً دکتر توفیق سبحانی این اثر را با عنوان «فیه مافیه و پیوست‌های نویافته» توسط نشر کتاب پارسه منتشر کرده است. دکتر سبحانی در زمینه مولوی‌شناسی کارهای ارزشمندی انجام داده است که تصحیح «دیوان کبیر» یا دیوان شمس در دو جلد، ترجمه «مولانا جلال الدین» اثر عبدالباقی گولینارلی، «مکتوبات» و «مثنوی معنوی» و... از آن جمله است. فیه مافیه پنجمین و آخرین اثر مولانا است که با پیوست‌های نویافته به تصحیح و توضیح سبحانی عرضه می‌شود. توفیق سبحانی سال ۱۳۱۷ در تبریز به دنیا آمد. دوره دبیرستان و دانشگاه را در زادگاه خود گذراند، دوره کارشناسی ارشد دبیری را در تهران و دوره دکتری را در دانشگاه استانبول به پایان برد. پس از چند سال تدریس در دبیرستان‌های بندر انزلی و تهران، سال ۱۳۵۸ به دانشکده ادبیات دانشگاه گیلان منتقل شد و مدیریت گروه ادبیات را به عهده گرفت. سال ۱۳۶۶ به دانشگاه پیام نور تهران آمد و مسئولیت گروه ادبیات فارسی را به عهده گرفت. در سال‌های پایانی خدمت، معاونت پژوهشی دانشگاه پیام نور با وی بود و سرانجام سال ۱۳۸۳ بازنشسته شد و تمام وقت خود را صرف تألیف یا تصحیح و توضیح ادبیات کلاسیک فارسی کرد. «صوفیان نخستین در ادبیات ترک» و «تاریخ ادبیات ایران» از دیگر تألیفات اوست و تصحیح «فوائد الفوائد» تألیف امیرحسن سجزی و ترجمه «روستای ما» مجموعه داستان محمود مقال و ده‌ها اثر دیگر در کارنامه اش سبحانی به چشم می‌خورد.

در گفت و گو با دکتر توفیق سبحانی مطرح شد

دشواری‌های مولانا پژهی

گروهی هم آن گفته‌ها را می‌نوشتند و احتمالاً آنها را بعداً مقابله می‌کردند. چنان‌که در نسخه‌ای از «فیه مافیه» قید شده مولانا بعضی مطالب خود را قبلاً یادداشت می‌کرده است. کاتبی قید کرده است که قسمت‌هایی را از خط مولانا و بخشی را از خط خلیفه او حسام‌الدین چلبی نقل کرده است. به طور خلاصه باید گفت «فیه مافیه» به صورتی که در نسخه‌ها باقی مانده، کتابی است که پس از دیدار مولانا با شمس و پشت سر گذاشتن دوره‌ای سخت بحرانی، یعنی از سال ۶۴۵ هجری یا ۱۲۴۷ میلادی که شمس ناپدید شده تا سال ۶۷۲ هجری که مولانا این جهان‌گذران را ترک می‌کند، در مدتی قریب به بیست و شش - هفت سال پدید آمده است.

در مقدمه «فیه مافیه» آورده‌اید که در نسخه‌ای از «فیه مافیه» قید شده که مولانا بعضی مطالب را قبلاً یادداشت می‌کرده، یا کاتبی قید کرده که قسمت‌هایی از «فیه مافیه» را از روی دستخط مولانا و قسمت‌هایی را از خط خلیفه او حسام‌الدین چلبی نقل کرده است. این در حالی است که مولانا اشعار خود - هم غزلیات، هم مثنوی - را در مجالس می‌خواند و اطرافیان آن را تحریر یا مکتوب می‌کردند. چگونه «فیه مافیه» را خودش مکتوب کرده است؟

این که اشعارش را دیگران مکتوب کرده‌اند شکی نیست، البته این مورد که کاتبی می‌گوید قسمت‌هایی از «فیه مافیه» را از روی خط مولانا نقل کرده برای من هم باورش مشکل است، برای این که مولانا نامه‌هایش را هم املا می‌کرد. تقریر می‌کرد نه تحریر، در برخی قسمت‌های مکتوبات اگر دقت کنید، از برخی جملاتش معلوم است که مولانا آن را می‌گفته و دیگران می‌نوشتند، حالا یا پسرش می‌نوشت یا حسام‌الدین یا فرد دیگری که ما از نامش بی‌خبریم.

انچه کاری در دست تصحیح دارید؟ در حال حاضر «دیوان کبیر» مولانا را که توسط انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در سال ۸۶ منتشر شده بود، در دست دارم. پیری و کم‌دقتی من باعث شد که خطاهایی به متن راه یابد که این موارد هم در حال اصلاح است. انجمن آثار دیوان کبیر را در دو جلد منتشر کرده بود که الان هیچ نسخه‌ای از آن در بازار نیست، ان شاء الله پس از رفع این اشکالات تأمین بودجه انجمن تجدید چاپ خواهد شد.

حتماً اطلاع دارید که دکتر شفیعی کدکنی هم تصحیح تازه‌ای از دیوان شمس به صورت ویراسته و پیراسته منتشر کرده که با اقبال بسیار روبه‌رو شده و در مدت کوتاهی به چاپ پنجم - ششم رسیده است؟

دکتر شفیعی کدکنی غزلیات شمس تبریزی را در قالب ۱۰۷۵ غزل و ۲۵۶ رباعی چاپ کرده است، البته این اثر را در سال ۸۷ منتشر کرده‌اند. من این اثر را هم خیلی باعجله خواندم و من در چاپ جدید «دیوان کبیر» احادیثی را که نمی‌دانستم در غزل مولانا اشاره به کجا و کی است، اما دکتر شفیعی خیلی دقیق و عالمانه آن را توضیح داده‌اند. مواردی از این دست را من با اجازه خود ایشان و به نام گرمای شان در دیوان کبیر توضیح دادم.



داده‌ام که او خلیفه سلطان ولد، پسر مولانا در ارزنجان بوده است. دیگر ابیاتی از مثنوی مولانا که مرحوم فروزانفر از چاپ علاءالدوله نقل کرده‌اند معادل آنها را از مثنوی قونیه، کلیات شمس را از تصحیح ایشان و برابر آن در چاپ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، و حدیقه را از تصحیح مرحوم مدرس رضوی و... به دست داده‌ام.

کتاب «فیه مافیه» مولانا به لحاظ تقسیم‌بندی ژانرهای ادبی در کدام ژانر قابل بررسی است؟

کتاب‌های صوفیان معمولاً در چهار مقوله اصلی قابل ارزیابی‌اند. اول کتاب‌هایی که به طریقت و مسائل آن می‌پردازند، مانند کشف‌المحجوب، اللمع، شرح تعرف دوم تذکره‌ها و کتاب‌های مناقب‌اند که تذکره الاولیاء، عطار، رساله فریدون بن احمد سپهسالار و مناقب‌العارفین افلاکی از این دسته‌اند. سوم مکتوبات، نامه‌های عین‌القضات همدانی، مکتوبات مولانا و... در این دسته‌اند. نوع چهارم ملفوظات است که گاهی به نام مقالات، معارف، و گاه مجالس خوانده می‌شوند. مقالات شمس تبریزی، معارف سلطان‌العلماء الدین ولد (پدر مولانا)، معارف سید برهان‌الدین محقق ترمذی و مجالس سبعة مولانا در این گروه جای می‌گیرند «فیه مافیه» هم از مقوله چهارم و از جهاتی شبیه مجالس سبعة است مجالس سبعة هفت خطابه است که اصول خطابه در آن رعایت شده، مولانا مطابق عرف خطیبان با کلام خداوند و حدیث رسول او سخن آغاز می‌کرده و مطلب یا موضوعی را تا پایان ادامه می‌دهد. اما «فیه مافیه» در اکثر مواقع سخنانی است که در مجالس دوستانه از سوی افرادی که به دیدار مولانا می‌آمدند، یا محافلی که مولانا خود در آنها حاضر می‌شد، مطرح شده است. مولانا در پاسخ به پرسش یکی از حاضران یا چند تن از آنان در تفسیر آیه‌ای یا شرح حدیثی یا توضیح بی‌نی، مطلبی بیان کرده است. ظاهراً در پاره‌ای موارد، مولانا خود مطلبی را عنوان می‌کرد و درباره آن توضیح می‌داد و

کشف‌الایات به دستداران مولانا تقدیم کردم. در این مدت هرگز به صرافت تصحیح و انتشار فیه مافیه نیفتاده بودم.

چون «فیه مافیه» با تصحیح استاد فروزانفر منتشر شده بود، سراغ آن نرفتید؟

من همان گونه که گفتید معتقد بوده و هستم که استاد فروزانفر در آن کتاب نیز مانند دیگر آثارش کار را تمام کرده است، با آن که می‌دانستم نسخه ۷۹ قونیه از «فیه مافیه» اضافاتی نسبت به تصحیح استاد فروزانفر دارد که در اینجا آن اضافات را پیوست‌های نویافته نامیدم. با این همه باز علاقه‌ای به تصحیح و انتشار آن احساس نمی‌کردم.

چه شد که به این کار ترغیب شدید؟

«تدبیر کند بنده و تقدیر ندانند، روزی دوستی گرمی به نام کامبیز پورناجی، متنی حروف‌نگاری شده از نسخه تصحیح شده استاد فروزانفر را نشان داد و پیشنهاد کرد که به کار تصحیح و توضیح «فیه مافیه» مشغول شوم. ابتدا سروسامان دادن به این کار را آسان فرض کردم و فکر کردم که تنها با تهیه تصویر نسخه‌های مختلف و مطابقت آنها با تصحیح مرحوم فروزانفر، کار به پایان خواهد رسید. اما کار به این آسانی که تصور می‌کردم نبود. اگرچه مرحوم فروزانفر هم در متن و هم در تعلیقات با استفاده از ذهن و وقاد و رایانه آسای خود مشکلی باقی نگذاشته بودند، اما در مواردی - گذشته از موردهایی که آن مرحوم به خلاف ضبط نسخه‌ها حدس‌هایی زده‌اند که نسخه‌های ۲۱۱۱ یا ۷۹ قونیه مطابق حدس ایشان ضبط کرده‌اند - با نسخه استاد فروزانفر اختلافاتی هم دیده می‌شود که در پانویس‌ها به برخی از آنها اشاره شده است. آنچه تحت عنوان تعلیقات آورده‌ام اکثراً متعلق به استاد فروزانفر است. تنها چند مورد نیاز به توضیح داشت که توضیحات لازم را داده‌ام. مثلاً مرحوم فروزانفر در صفحه ۳۲۰ ذیل حسام‌الدین ارزنجانی نوشته‌اند: شرح حالش به دست نیامد. من در چند سطر توضیح

آقای سبحانی! به تازگی «فیه مافیه» مولانا را با پیوست‌های نویافته منتشر کرده‌اید. این پیوست‌ها را چگونه یافتید؟

واقعیت این است که این پیوست‌ها از قبل هم وجود داشتند. اما من در گذشته هنگام تصحیح «فیه مافیه» دقت نکرده بودم و متوجه آن نشده بودم. زمانی که «مجالس سبعة» مولانا را چاپ می‌کردم، این موارد در همان نسخه هم بود. اما کتاب حاضر بر اساس نسخه ۲۱۱۱ کتابخانه موزه مولانا در قونیه تهیه شده است. البته در کنار آن نسخه شماره ۷۹ همان کتابخانه، نسخه ۲۷۶۰ کتابخانه فاتح، تصحیح مرحوم استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، ترجمه مرحوم عبدالباقی از این کتاب و ترجمه آبروی و همچنین فیه مافیه چاپ ناشران کتب ایران و چاپ سال ۱۳۱۸ شیراز متعلق به کتابخانه استاد دکتر شفیعی در موارد گوناگون محل مراجعه‌ام بوده است. نسخه ۲۱۱۱ قونیه که اساس تصحیح این متن قرار گرفت، تاریخ کتابت ندارد. به خط نسخ زیبای عصر سلجوقی کتابت شده، ۱۰۵ برگ در ابعاد ۵۷۱×۲۸۱×۵۲۸×۰۷۱ میلی‌متر است که تصویری از آن ضمیمه تصحیح حاضر شده است.

در صفحه آغاز نوشته‌اند «فیه مافیه از دوره سلجوقی» ترتیجی نفیس در برگ ۳۴ قرار دارد که تذهیب درون آن را هم سیاه کرده‌اند. از نظر شیوه بسیار شبیه به ترتیج موجود در دیوان کبیر است که تصویر رنگی آن در جلد دوم دیوان کبیر، چاپ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که با توضیحات و فهرست و کشف‌الایات آن را فراهم آوردم آمده است. از مجموع این نشانه‌ها چنین استنباط می‌شود که نسخه ۲۱۱۱ جمعا ۱۷۵ برگ دارد و فیه مافیه از برگ ۴ تا ۱۰۸ کتابت شده است و در اوراق پایانی آن نام شاهان داستانی ایران و سلجوقیان و مطالب متفرقه و پراکنده نوشته شده است. سرانجام چنان‌که در قسمت پایانی برگ ۳۴ به زبان ترکی نوشته‌اند: این کتاب مستطاب را فرزند کوچک مولانا حسین ضیاء‌ده افندی سر طباطب‌درگاه حضرت مولانا به کتابخانه حضرت مشارالیه وقف کرده است. بعد از آن مهر وقف کتابخانه حضرت مولانا روی آن خورده است و اکنون هم در کتابخانه موزه مولانا است. کاغذ، خط، تذهیب و پاره‌ای یادداشت‌ها که به برخی از آنها اشاره کردم، تردیدی باقی نمی‌گذارد که این کتاب لااقل هم سن دیوان کبیر است و در نیمه دوم یا نهایتاً اواخر سده هشتم استنساخ شده است.

چه شد که به تصحیح آثار مولانا از جمله فیه مافیه پرداختید؟

فیه مافیه پنجمین اثری است که از مولانا تصحیح و منتشر کردم. سال ۱۳۶۵ ابتدا مجالس سبعة را به جامعه ادبی عرضه کردم. سال ۷۱ مکتوبات مولانا را با توضیحات لازم تقدیم علاقه‌مندان مولانا کردم. سال ۷۳ و بعد در سال ۷۸ مثنوی را به استناد نسخه مورخ ۶۷۷ هجری قمری که در موزه مولانا در قونیه نگهداری می‌شود، تقدیم کردم و بعد از آن سال ۱۳۸۱ کلیات شمس را به تصحیح مرحوم فروزانفر با توضیحات به ناشر سپردم و سرانجام در سال ۸۶ نسخه قونیه دیوان کبیر را با توضیحات، فهرست و

شماره «مکتوبات» مولانا را قبلا توسط مرکز نشر دانشگاهی تصحیح و منتشر کرده بودید که امروز نسخه‌ای از آن در بازار نیست.

من که «مکتوبات» را در مرکز نشر دانشگاهی چاپ کرده بودم، اخیرا نسخه‌ای جدید از این اثر را در کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی پیدا کردم که در سال ۸۴ خریداری کرده بودند. این نسخه به لطف و مرحمت حاج آقا محمود مرعشی فرزند آیت الله مرعشی به شکل لوح فشرده در اختیار من قرار گرفت. این نسخه، بسیار مقبول و درشت خط است و تصمیم گرفتم «مکتوبات» مولانا را بار دیگر تصحیح کنم که الان کار را به پایان رساندم و کار حرفه‌چینی آن هم انجام گرفته و مرکز نشر دانشگاهی آن را همراه با توضیحات و تعلیقات منتشر خواهد کرد.

شما «فوائد الفؤاد» را توسط انتشارات زوار منتشر کرده بودید که با مشکلاتی همراه شده بود.

من «تاریخ ادبیات فارسی» را کار کردم که تحت عنوان «تاریخ ادبیات ایران» توسط انتشارات زوار منتشر شده است. در این کتاب، ادبیات فارسی پیش از اسلام تا زمان مرحوم عبدالحسین زرین کوب مورد بحث و بررسی قرار گرفت. کتاب دیگری که انتشارات زوار از من منتشر کرد «فوائد الفؤاد» است. الفاظ نظام الدین اولیا که حسن بن علاء سجزی در سال ۷۰۷ ه. ق آغاز کرده و آنچه تا سال ۷۲۲ هجری از نظام الدین اولیا شنیده، همه را در کتابی به نام «فوائد الفؤاد» گردآورده است.

این کتاب متأسفانه پر از غلط چاپ شده است. به این صورت که بر اساس اشتباه حروف نگار پرنیت دوم حرف وچینی که هیچ اصلاحی روی آن صورت نگرفته بود، به جای پرنیت تصحیح شده و نهایی به چاپخانه فرستاده شده بود. «فوائد الفؤاد» وقتی چاپ شد متوجه شدیم دو تا مقدمه دارد. تمام تعلیقات این کتاب که با چه زحمتی فراهم آمده بود، اشتباه حذف شده بود. می‌دانید که در هندوستان فرزندان همین فوائد الفؤاد بودند که زبان فارسی را تداوم بخشیدند و زنده نگه داشتند. استادانی که در آن سرزمین می‌زیستند، از این اثر بهره‌های بسیار بردند. کتابی بسیار نغز و خوش نثر است که امیر خسرو دهلوی با نویسنده آن امیر حسن دهلوی - سعدی هندوستان - معاصر بوده که دارای ۲۴ عنوان کتاب تالیفی است، اما در این مورد می‌گوید کاش هیچ کتابی من نمی‌داشتیم، اما «فوائد الفؤاد» متعلق به من بود. خواهی نظام الدین اولیا در این اثر مجموعه سخنرانی‌ها و مجالس وعظ و اندرز را توسط امیر حسن دهلوی گردآورده است. نثر بسیار زیبایی دارد و شعرهای نغز و نیکویی در این کتاب به عنوان شاهد مثال آمده است. ان شاء الله طی دو - سه ماه آینده چاپ تازه‌ای از آن منتشر خواهد شد که صورت پسندیده و دلخواه من است. این کتاب قبلا در دهلی پاکستان هم چاپ شده بود، اما آن را خراب کردند. به زبان اردو هم ترجمه شده است. من در تصحیح این اثر از نسخه‌های خطی استفاده کردم که تعداد آن نسخه متعلق به سال‌های مختلف بود. البته الان کتاب «مولانا جلال الدین» به قلم عبدالباقی گولپیناری را هم در دست تجدید چاپ دارم که زندگینامه مولاناست.

شما قبلا یک مجموعه داستان هم ترجمه کرده بودید.

مجموعه داستان «روستای ما» نوشته محمود مقال را که قبلا ترجمه کرده بودم در آستانه تجدید چاپ است و امیدوارم طی هفته جاری منتشر شود. محمود مقال نویسنده‌ای اهل ترکیه است که در روستایی نزدیک قونیه زندگی می‌کرد و یکی از نویسندگان مطرح و بزرگ ترکیه است. این کتاب چند سال پیش به بیش از ۳۶ زبان ترجمه شده بود. مرحوم جمال زاده به یکی از دوستان گفته بود: کاش من این کتاب را به فارسی می‌خواندم و من وقتی این سخن جمال زاده را شنیدم شروع به ترجمه آن کردم و این ترجمه را تقدیم به ایشان کردم. پس از انتشار این کتاب دو نامه از طرف جمال زاده خطاب به من نوشته شد که یکی نامه‌ای کوتاه بود و دیگری در بیست - سی صفحه، که من در چاپ جدید بخش‌هایی از این نامه‌ها را ضمیمه کتاب مذکور کرده‌ام. ناشر این کتاب هم نشر کتاب پارسه است.

گفت و گو با دبیر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان

شکل‌گیری اتحادیه کودک و نوجوان ضروری است

زهرة نیلی: انجمن نویسندگان کودک و نوجوان تشکلی مدنی، غیر انتفاعی و غیر دولتی (N.G.O)، با تابعیت ایرانی و شخصیت حقوقی مستقل است. این نهاد سال ۱۳۷۷ با هیات موسسی مرکب از ۹ نویسنده حوزه کودک و نوجوان و عضویت ۱۴۸ داستان نویس، شاعر، مترجم، پژوهشگر، منتقد و روزنامه‌نگار حوزه کتاب، ادبیات و فرهنگ کودک و نوجوان تاسیس شد. طی یک دهه، تعداد اعضای انجمن به مرز ۳۶۰ نفر رسید. حالا انجمن نویسندگان، فراگیرترین تشکیلات در حوزه کودک و نوجوان ایران است و نامدارترین نویسندگان کودک و نوجوان اعضای پیوسته آن را تشکیل می‌دهند؛ نامدارانی که جوانان جویای نام را هم در حلقه خود پذیرفته‌اند. ۲۵ آذرماه جاری، اعضا و دوستان انجمن نویسندگان کودک و نوجوان گردهم می‌آیند تا یازدهمین سالگرد شکل‌گیری این نهاد را جشن بگیرند. به این بهانه به گفت و گو با شهرام اقبال‌زاده، دبیر انجمن نویسندگان کودک و نوجوان پرداخته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.



هدف از شکل‌گیری انجمن نویسندگان کودک و نوجوان چه بود؟

۱۱ سال پیش، بنیانگذاران انجمن به این نتیجه رسیدند که تعداد نویسندگان و شاعران کودک و نوجوان، روبه افزایش است، بدون آن که هویت شغلی و اجتماعی برای این گروه از افراد جامعه وجود داشته باشد. به همین خاطر انجمن نویسندگان را تشکیل دادند تا این افراد را گردهم آورند و از منافع و هویت صنفی آنها حمایت کنند. ضمن این که می‌خواستند بنیه فرهنگی ادبیات کودک و نوجوان را نیز تقویت کنند.

اما انجمن نویسندگان تنها اعضای خود را بیمه می‌کند، نه اشخاص دیگر...

ما طرح بیمه نویسندگان را به جد، پی گرفتیم، آن هم در شرایطی که نویسندگی را شغل نمی‌دانستند. هر سال همزمان با هفته کتاب، کارت الکترونیک خرید کتاب برای اعضای انجمن، شارژ می‌شود. علاوه بر این، دلمان می‌خواست برای وام مسکن و... اقدام کنیم، این کار را هم کردیم اما بی نتیجه ماند.

انتشار آثار و رعایت حق مؤلف برعهده خود اعضاست یا انجمن به نویسندگان و شاعران تازه کار کمک می‌کند؟

اعضا مشکلات مالی و معنوی خود را با ما در میان می‌گذارند و ما هم با مسوولان ذیربط مطرح می‌کنیم. اما انجمن حلقه ارتباطی ناشران و اعضای خود نیست. ما به عنوان یک نهاد مدنی، مسوولیت دفاع از هویت اجتماعی و فرهنگی اعضای خود را برعهده داریم. اما توانایی‌ها و امکانات مالی و معنوی ما محدود است.

شرایط عضویت در انجمن به چه صورت است؟

کسانی می‌توانند عضو پیوسته انجمن باشند که حداقل سه مجموعه شعر یا داستان داشته باشند یا به ترجمه و پژوهش پرداخته و پنج عنوان کتاب در این زمینه منتشر کرده باشند. روزنامه‌نگارانی که ۳۲ مقاله ترجمه کرده یا نوشته باشند نیز می‌توانند به اعضای انجمن بپیوندند. البته این تعداد برای نشریات تخصصی چون دایره المعارف‌ها و پژوهشنامه‌ها به ۲۴ عنوان می‌رسد. باور داشتن به یکی از ادیان رسمی کشور، نداشتن سوء پیشینه کیفری و تابعیت جمهوری اسلامی از دیگر شرایط عضویت در انجمن است. همچنین مبلغی به عنوان حق عضویت و به طور سالانه از سوی اعضا پرداخت می‌شود.

آیا انجمن نویسندگان کودک و نوجوان بر اساس اساسنامه‌ای مصوب شکل گرفت؟

حمایت و صیانت از حقوق اعضا، ایجاد زمینه‌های مناسب برای رشد و تعالی فرهنگی و مادی اعضا، ایجاد ارتباط با سایر انجمن‌ها و سازمان‌ها و مراکز فرهنگی و هنری در داخل و خارج کشور با رعایت ضوابط، ایجاد ارتباط میان اعضا و مخاطبان آثارشان، تبادل اطلاعات و تجربیات میان اعضا با محققان و منتقدان، کارشناسان و استادان داخل و خارج از کشور، ایجاد تسهیلات و شرایط مناسب برای شرکت اعضا در محافل و میامع فرهنگی، هنری و علمی داخل و خارج کشور، ارتقای سطح کمی و کیفی ادبیات کودک و نوجوان، پژوهش و مطالعه درباره

تقدیر از پیشکسوتان از چه زمانی در دستور کار انجمن قرار گرفت؟

از دو سال پیش تاکنون، طرحی در هیات مدیره انجمن بیان شد با عنوان تقدیر از پیشکسوتان. نام افرادی هم به میان آورده شد اما این طرح به دلایل مختلف مسکوت ماند. امسال بر آن شدیم تا آنچه را که از دو سال پیش تاکنون در صدد انجامش بودیم، عملی کنیم.

قرار بود سال گذشته مراسم نکوداشتی برای مهدی آذریدی برگزار شود...

این مراسم قرار بود در زمان حیات مهدی آذریدی برگزار شود که متأسفانه به خاطر شرایط بد جسمی و روحی او در آن روزها برگزار نشد. اما تصور غلط و ذهنیتی که وجود دارد، این است که ما سراغ کسانی می‌رویم که پیر و فرسوده شده و آخرین روزهای زندگی‌شان را سپری می‌کنند، به همین خاطر برگزاری مراسم نکوداشت برای بعضی موجب تضعیف روحیه آنها می‌شود نه تقویت آن. در هر حال از سیاست‌های انجمن، تقدیر از افراد تاثیرگذار در حوزه کودک و نوجوان در روزگار حیات و فعالیت‌شان است.

انجمن نویسندگان کودک می‌تواند با شورای کتاب کودک، انجمن تصویرگران، انجمن فرهنگی ناشران و... ارتباط برقرار کند. چه فعالیت‌هایی در این زمینه انجام شده است؟

یکی از مشکلات اساسی ما در ایران، وجود همکاری‌های فرقه‌ای و قومی-قبیله‌ای است. هرکس گروه و قبیله خاص خود را دارد و در جزیره خود زندگی می‌کند. نهادهای مدنی هنوز نتوانسته‌اند به یک اتحادیه تبدیل شوند. چه اشکالی دارد اگر شورای کتاب کودک، انجمن تصویرگران کتاب کودک و انجمن فرهنگی ناشران و همه نهادهای مدنی که در ارتباط با کتاب و ادبیات کودک فعالیت می‌کنند، با هم یکی شوند و اتحادیه‌ای را به وجود آورند؟ آیین‌نامه‌هایی را تصویب کنند و... به این ترتیب به جایگاه قانونی محکم تری دست می‌یابند و می‌توانند مطالبات مشروع و منطقی خود را آسان‌تر پیگیری کنند. مجلس برای آنها بودجه‌ای در نظر می‌گیرد و شرایط مالی و معنوی‌شان بهتر می‌شود.

مسائل مرتبط به ادبیات کودک و نوجوان و تهیه و تدوین طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی و ارائه پیشنهادها سازنده و عملی به دست اندرکاران امور فرهنگی، تشویق و ترغیب نوجوانان و کودکان و ایجاد جاذبه برای آنان به منظور شکوفایی و تقویت روحیه ابتکار و شناخت استعدادها در خشان در زمینه ادبیات کودک و نوجوان، ایجاد تسهیلات لازم برای ارائه و معرفی آثار هنری ارزنده اعضا به جامعه، اقدام به تشکیل دوره‌های کوتاه مدت آزاد فرهنگی، هنری در زمینه ادبیات کودک و نوجوان و تهیه، گردآوری، نگارش، چاپ و نشر و توزیع کتاب، جزوه، مقاله درباره کودکان و نوجوانان و برای آنان با رعایت قوانین مربوط از جمله مواردی اند که در اساسنامه به آنها اشاره شده‌اند.

این اساسنامه، از آن زمان تاکنون بدون تغییر باقی مانده است؟

بله. این اساسنامه، چارچوب فعالیت‌های انجمن را مشخص می‌کند و هر تغییری باید به تایید اعضای انجمن یا اکثریت آنها برسد. پس از ۱۲ سال که از شکل‌گیری انجمن می‌گذرد، دلمان می‌خواهد فعالیت‌های خود را گسترش دهیم و کمیته‌ها و کارگروه‌ها را فعال کنیم و با نهادهای دیگر ارتباط داشته باشیم.

از دو سال پیش تاکنون طرحی در هیات مدیره انجمن مطرح شد با عنوان تقدیر از پیشکسوتان. نام افرادی هم به میان آورده شد اما این طرح به دلایل مختلف مسکوت ماند. امسال بر آن شدیم تا آنچه را که از دو سال پیش تاکنون در صدد انجامش بودیم، عملی کنیم

گزارشی از روند تولید کتاب در شناخت واقعه و پیام خطبه ولایت

کتاب‌ها از برکه معرفت می‌نوشند

غدیر، میراث بزرگ پیامبر (ص) و میثاق بزرگ مسلمانان در تمام عصرها بوده است. این، تنها یک واقعه تاریخی نیست که مورخان به روایت آن بنشینند. اگر نهج البلاغه، بزرگ‌ترین کتاب دینی مسلمانان بعد از قرآن است، غدیر نیز بعد از هجرت، بزرگ‌ترین واقعه‌ای است که در صدر اسلام اتفاق افتاده و مسیر آینده نهضت اسلامی را روشن کرده است. به همین دلیل نیز از دیرباز محل مطالعه و تحقیقات دانشمندان اسلامی و نویسندگان بزرگ بوده است.

کتاب‌هایی به وسعت تاریخ

سابقه پرداختن به این موضوع در قالب تالیف کتاب به بیش از هزار سال پیش بازمی‌گردد. از اوایل قرن دوم هجری که تدوین معارف دینی رسماً آزاد شد، تبلیغ غدیر نیز شکلی تازه به خود گرفت و کم‌کم از شکل روایت سینه به سینه، به صورت تالیف درآمد. اواسط قرن دوم، نخستین تالیف مستقل درباره غدیر نوشته شد و در ادامه کتاب‌های مختلفی به صورت مستقل یا ضمنی با موضوع غدیر تدوین شدند.

از قرن چهارم تحقیق و بحث در متن و سند حدیث غدیر آغاز شد و پیام‌بنیادین خطبه غدیر که جمله «من کنت مولا فلهذا علی مولا» است در مناظرات مطرح شد و اسناد و روایان حدیث غدیر نیز به دقت مورد بررسی قرار گرفتند. کتاب‌های شیخ صدوق، سیدمرتضی و شیخ مفید، بهترین نمونه‌ها به حساب می‌آیند. این تحقیقات در قرن‌های چهارم، پنجم و ششم هجری به اوج خود رسید و تا سال هزار هجری همچنان پیش رفت و اکنون تالیفات برجسته‌ای در باب این موضوعات در دست است.

از اوایل قرن یازدهم هجری تا امروز، با ایجاد میدان باز علمی، اندیشمندان اسلام کتاب‌های بسیار مهمی درباره غدیر تالیف کرده و به خوبی از زحمات هزار ساله نتیجه‌گیری کرده‌اند. در این دوران، تمام جوانب غدیر جمع، بررسی و تحقیق شد. ارتباط غدیر با قرآن، بحث‌های مفصل در اسناد غیر، بررسی‌های عمیق در متن حدیث غدیر و جمع‌آوری و تدوین غدیره‌ها از موضوعات مورد پژوهش و عنایت پژوهشگران اسلامی بوده که تحقیقات بزرگانی همچون قاضی شوشتری، علامه مجلسی، شیخ حر عاملی، سید هاشم بحرانی، میرحامد حسین هندی، علامه امینی و بسیاری دیگر از علما، بهترین شاهدین مدعا به حساب می‌آیند. علامه مجلسی نیمی از یک جلد از بحار الانوار را به مسئله غدیر اختصاص داده و سید هاشم بحرانی در این باب کتابی مستقل با عنوان «کشف‌المهم» تالیف کرده است. سید حامد حسین هندی در ۱۰ جلد ۴۰۰ صفحه‌ای از کتاب «عقب‌ات الانوار» به بحث‌های تحقیقی درباره غدیر پرداخته است. علامه امینی طی یازده جلد کتاب «الغدیر» جوانی از آن و نیز تمامی شعرای غدیر و شعرهای آنان را جمع‌آوری کرده و مطالب مهمی درباره آنها آورده است. کتاب‌هایی از قبیل «التکمیل» از سید مرتضی حسین و «الغدیر فی الاسلام» از شیخ محمد رضا فرج‌الله نیز نمونه‌های دیگری از این تحقیقات علمی‌اند.

کتاب‌شناسی غدیر از گذشته تا امروز

حجم تالیفات با موضوع واقعه غدیر در سده‌های نخست اسلامی به اندازه‌ای بود که گروهی از محققان را بر آن داشت تا فهرستی از این تالیفات تهیه کنند و به این ترتیب اولین کتاب‌شناسی غدیر در قرن ششم هجری نوشته شد.

با توجه به اهمیت خاص غدیر در اسلام و ارتباط مستقیم آن با مسئله امامت و خلافت، از دیر زمان علمای بزرگ به اهمیت کتاب‌های مربوط به غدیر

توجه داشته‌اند.

در این زمینه شیخ محمد بن علی بن شهر آشوب از قرن ششم در کتاب «مناقب آل ابی طالب» و سید بن طاووس از قرن هفتم هجری در کتاب «اقبال الاعمال» تعدادی از کتاب‌های مربوط به غدیر را معرفی کرده‌اند. اما به طور ویژه تاکنون پنج کتاب‌شناسی در زمینه غدیر تالیف شده است که به ترتیب زمان تالیف عبارتند از: «الغدیر فی التراث الاسلامی» نوشته سید عبدالعزیز طباطبایی، «غدیر در مآخذ اسلامی» ترجمه و تلخیص مهدی جعفری، «کتاب‌نامه غدیر خم» نوشته نادر مطلبی و سید محسن دین پرور، «کتاب‌نامه غدیر» پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام قم و «غدیر در آینه کتاب» نوشته محمد انصاری.

با این حال اقبال نویسندگان و محققان به تالیف کتاب‌هایی با مضامین و نگرش‌های تازه درباره واقعه غدیر به حدی است که کتاب‌شناسی غدیر باید هر ساله به روز و عنوان‌های تازه‌ای به آن افزوده شوند.

ترجمان غدیر در کتاب‌های دیگران

تنها ایرانیان به واسطه مذهب تشیع نسبت به واقعه غدیر توجه نشان نداده‌اند بلکه اهل سنت در سایر کشورهای عربی نیز به این موضوع توجه داشته‌اند و بسیاری از منابع تحقیقی که امروز مورد استفاده محققان قرار می‌گیرد، تالیفات اهل سنت به حساب می‌آیند. ترجمه یا تالیف و انتشار کتاب‌های غدیر در سایر کشورهای اسلامی و حتی کشورهای غیرمسلمان نیز جالب توجه است. به دلیل سابقه طولانی ارتباط زبان‌های عربی، فارسی و اردو با مسأله غدیر، اکثر نوشتارهای غدیری به این سه زبانند. در غیر این زبان‌ها، تالیف و نشر، هنوز در آغاز راه است.

در زبان انگلیسی تاکنون شش کتاب با موضوع غدیر منتشر شده است. از این تعداد، چهار مورد ترجمه خطبه غدیر است که مقدمه‌ای درباره واقعه غدیر هم ضمیمه آنهاست. یک مورد ترجمه جلد اول الغدیر علامه امینی و یکی هم ترجمه مطالبی از چند مولف درباره غدیر است.

این کتاب‌های انگلیسی از سال ۱۳۵۳ شمسی در انگلستان، تانزانیا، پاکستان و ایران منتشر شده‌اند. ترجمه الغدیر (عبدالحسین امینی) به همت دکتر صفا خلوصی، ترجمه جلد اول الغدیر علامه امینی و مترجم آن استاد دانشگاه لندن است که بیش از ۳۰ سال پیش در لندن چاپ و منتشر شده است. عنوان کتاب دیگر «the last sermon of prophet muhammad (saw) at ghadir khum» است. این کتاب را حسین بهانجی به انگلیسی برگردانده و «دارالمسلمین» در دودمای تانزانیا آن را با قطع رقعی در ۶۰ صفحه منتشر کرده است.

این کتاب ترجمه خطبه غدیر به انگلیسی و شامل دو بخش اصلی است: متن خطبه و روایان آن. عنوان انگلیسی کتاب به معنای «آخرین خطبه پیامبر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در غدیر خم» است. کتاب «the last two khutbas of the last prophet (PBUH)» نیز



از قرن چهارم تحقیق و بحث در متن و سند حدیث غدیر آغاز و پیام‌بنیادین خطبه غدیر که جمله «من کنت مولا فلهذا علی مولا» است، در مناظرات مطرح شد



ترجمه خطبه غدیر، همراه با متن عربی آن است. عنوان انگلیسی کتاب «دو خطبه فرجامین آخرین پیامبر (ص)» است. این کتاب را سید فیض الحسن فیضی در سال ۱۹۹۲ میلادی ترجمه و منتشر کرده است.

کتاب غدیر؛ نوشته سید محمد باقر صدر نیز به همت گروهی از محققان ترجمه شد و انتشارات انصاریان قم سال ۱۹۹۶ میلادی آن را با قطع رقعی در ۱۰۳ صفحه منتشر کرد.

«Ghadeer-e-khum» نیز کتابی است به زبان انگلیسی، نوشته حسین نجفی که در تهران و در سال ۱۳۵۳ شمسی در قطع جیبی منتشر شد.

«what happened in ghadeer» هم ترجمه‌ای است از کتاب خطبه غدیر محمد باقر انصاری که از روی نسخه غربی آن «معافی الغدیر» ترجمه شده است. مترجم این کتاب به انگلیسی «بدر شاهین» است و نشر مولود کعبه قم آن را سال ۲۰۰۰ میلادی در ۱۱۲ صفحه رقعی منتشر کرد. دو کتاب درباره غدیر به زبان ترکی در قم منتشر شده که یکی به زبان ترکی استانبولی «Gadir-İlumozetleel-gadir» علی اصغر مروج خراسانی، ترجمه شده توسط سید علی حسینی بحری آکیول، اثر انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران، مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، قم ۱۳۷۸ ش، (۱۹۹۸ م). قطع رقعی، (۴۴۲ ص). ترجمه کتاب «فی رحاب الغدیر» و دیگری ترکی آذری «غدیر خطبه سی» اثر محمد باقر انصاری، ترجمه شده توسط عباد ممی زاده است. کتاب اول برداشتی از کتاب الغدیر و کتاب دوم ترجمه خطبه به ضمیمه خلاصه‌ای از واقعه غدیر است.

یک کتاب هم به زبان نورژی و حاوی بحثی علمی درباره غدیر در نروژ منتشر شده است. عنوان این کتاب غدیر است و زیر نظر سید شمشاد حسین رضوی اثر لولی در سال ۱۹۹۰ میلادی منتشر شده است.

در این اثر از کتاب‌های اهل سنت مطالبی درباره غدیر استخراج شده و مورد استدلال قرار گرفته است. «غدیر دیباشر تپتارچ» نوشته علی عکاس در بنگلادش نیز جزوه دیگری در ۲۳ صفحه است که درباره غدیر به زبان بنگالی ۱۵ سال پیش چاپ شد. این کتاب درباره اهمیت روز غدیر و نام آن به زبان بنگالی به همین معنی است. مدارک این کتاب از کتاب‌های اهل سنت جمع‌آوری شده است. براساس آخرین آمار‌ها می‌توان گفت کتاب‌های چاپی مربوط به غدیر که در کشورهای مختلف نوشته شده‌اند ۲۹۰ عنوان کتاب و تفصیل آن به ترتیب بسیاری شمار کتاب‌ها به این شرح است: ایران با انتشار ۱۸۰ کتاب، (تهران: ۵۷ کتاب، قم: ۷۸ کتاب، اصفهان: ۵ کتاب، تبریز: ۶ کتاب،

کرمانشاه: یک کتاب، مشهد: ۱۷ کتاب، کاشان: ۲ کتاب، یزد: یک کتاب و ۱۲ کتاب که شهر آنها مشخص نیست) بیشترین کتاب را در این حوزه منتشر کرده است. هند با ۳۲ کتاب، پاکستان با ۲۷ کتاب، لبنان با ۲۴ کتاب، عراق با ۱۷ کتاب، انگلستان با ۲ کتاب، بحرین، بنگلادش، مصر، نروژ و تانزانیا هر یک با یک کتاب، به ترتیب در رده‌های بعدی قرار دارند.

کتاب‌هایی برای آیندگان

بخشی از کتاب‌های غدیر که سال‌هاست در کتابخانه‌ها نگهداری می‌شوند، میراث خطی غدیر محسوب می‌شوند. کتاب‌هایی که چاپ نشده باشند، «خطی» تلقی می‌شوند، گرچه مربوط به قرن‌های گذشته محسوب نشوند و به صورت دستنویس نزد مولف باشند.

تعداد کتاب‌های خطی مستقل غدیر ۱۲۶ عنوان کتاب است که به جز دستنویس مولفان که ۲۴ کتاب است و ۶۸ کتاب که محل نگهداری آنها مشخص نیست، بقیه در کتابخانه‌هایی نظیر کتابخانه دانشگاه تهران (۵ کتاب)، کتابخانه گوهر شاد در مشهد (یک کتاب)، کتابخانه شاهچراغ علیه السلام در شیراز (۳ کتاب)، کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد (۳ کتاب)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران (۲ کتاب)، کتابخانه مجلس سابق در تهران (یک کتاب)، کتابخانه آیت الله مرعشی در قم (۴ کتاب)، کتابخانه وزیر در یزد (یک کتاب)، کتابخانه سید محمد علی روضانی در اصفهان (۳ کتاب)، کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران (یک کتاب)، کتابخانه دانشگاه الهیات تهران (یک کتاب)، کتابخانه نوربخش در تهران (یک کتاب) و کتابخانه‌های خارج از ایران نظیر کتابخانه ظاهرته در دمشق (یک کتاب)، کتابخانه جامع کبیر صنعا در یمن (یک کتاب)، کتابخانه فیضی در بمبئی (یک کتاب)، کتابخانه خدابخش در پتنه (۷ کتاب)، کتابخانه شیخ عبدالقیوم در بمبئی (یک کتاب)، کتابخانه جمعیت اسماعیلیه در کراچی (یک کتاب) و کتابخانه برلین (۲ کتاب) نگهداری می‌شوند.

غدیریه‌ها: کتاب‌هایی مثل آب روان

شعر نقش مهمی در حفظ غدیر داشته است، زیرا قالب شعر پایدارتر است و مردم علاقه خاصی به آن دارند. از ساعتی که خطبه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پایان یافت حسان بن ثابت نخستین شعر را در حضور آن حضرت (ص) سرود و این الگوی روشنی برای شاعران شد تا در طول چهارده قرن با هنرشان غدیر را حفظ کنند و آن را به نسل‌های بعد برسانند. یکی از جلوه‌های ادبی غدیر شعرهای بسیاری به حساب می‌آید که درباره غدیر سروده شده است. این اشعار به اصطلاح «غدیریه» نامیده می‌شوند و بسیار مورد توجه بوده‌اند و کتاب‌های مستقلی برای جمع‌آوری آنها تالیف شده است.

جلوه ادبی دیگر غدیر، نثرهای داستانی و حماسی درباره غدیرند که برای به تصویر کشیدن غدیر نقش مهمی ایفا کرده‌اند. برخی اشعار مربوط به غدیر که جمع‌آوری شده‌اند، غدیر را به صورت مجموعه‌های تنظیم و عرضه کرده‌اند. برخی از این کتاب‌ها به طور مستقل درباره اشعار غدیرند و به زبان‌های مختلفی منتشر شده‌اند. در زبان عربی مهم‌ترین کتاب‌هایی که به غدیریه‌ها اختصاص پیدا کرده‌اند، «الغدیر فی الکتاب والسنة والادب» علامه امینی، «شعراء الغدیر» موسسه الغدیر بیروت، «الغدیر فی الادب الشعبي» حسین بن حسن بهبهانی، «غدیریات» علامه امینی (برگزیده از الغدیر)، «غدیریات هادفه» سید طالب خراسان هستند اما در زبان فارسی می‌توان کتاب‌های بیشتری را نام برد.

نگاهی به کتاب «ترکیب‌های جسورانه در طراحی داخلی»

جسارت‌هایی که در یک کتاب نمی‌گنجند

شاید هم در تمامی این لودادن‌ها، تعمیدی بوده. برای نمونه، نویسندگان کتاب درباره طراحی بدنه حمام می‌گویند دوست دارند دیوارهای حمام را عموماً با شیشه‌های رنگ شده دو طرفه ببوشانند؛ چون عمق و ژرفای دریا را به یاد می‌آورد. چنین اظهار دلیلی، بسیار متفاوت است با کار طراحان دیگر که یا صرفاً از روی ذوق به طراحی می‌پردازند و یا برای طراحی‌های خود دلایلی صرفاً از نوع ترکیب‌بندی رنگی و ایجاد کمپوزیسیون‌های گیرا و جذاب دارند، و یا به هر علت، دلایل خود را برای طراحی‌هایشان ذکر نمی‌کنند. به همین خاطر، این کتاب جنبه آموزشی بسیار پررنگی به خود می‌گیرد که مطالعه آن را برای عموم علاقه‌مندان مفید می‌کند.

دایموند و باراتا در ارائه توضیحات مکتوب بر عموم طراحی‌های خود در این کتاب، به چند شاخصه اصلی در طراحی بیشتر توجه کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین این شاخصه‌ها فرم کف پوش و هماهنگی آن با رویه مبلمان و کوسن‌های آنها است. آنها برای دست یافتن به هارمونی آرمانی خود، معمولاً فرم کف پوش را از پارچه‌ها و فرش‌هایی می‌گیرند که طراحی‌شان براساس شماری از آثار نقاشی مدرن، به ویژه آثار پیت موندریان، فرانک استلا و یوزف آبرس بوده است. از این میان، گویا آن دو به آثار موندریان توجه بیشتری داشته‌اند؛ تا آنجا که در یکی از طراحی‌ها، تلاش کرده‌اند نه تنها ترکیب‌بندی اصلی اثر، بلکه شیوه چرخش قلم موندریان را نیز در بافت‌های پارچه بازنمایی کنند. این که آن دو بدون هیچ‌گونه محدودیتی این گونه‌ها را در توضیحات کتاب یادآوری می‌کنند، تاییدی است بر آنچه در ابتدای این مطلب گفته شد. یا مطمئن هستند که شیوه طراحی آنها تقلید ناشدنی است یا آنقدر طرح‌های بکر در ذهن دارند که می‌دانند دیگر از این ایده‌ها استفاده نخواهند کرد.

در همین راستا، طراحی مبلمان و هماهنگی آن با کف پوش هم برای این دو حیاتی است. از آنجا که جنس کف پوش، آنجا که از فرش‌های دست‌باف استفاده نشود، عموماً از جنس پارچه‌های مرادنه چون پارچه‌های توییدی، جنافی، پشم شتری، دندان‌سگی و فلافل خاکستری بوده است، طراحی‌های رویه مبلمان نیز عموماً در شباهت یا تضاد با همین عناصر شکل می‌گیرد. برای مثال، آنجا که از فرش‌های نقش هندسی استفاده شود که در آنها صراحت خطوط و ترکیب‌بندی آن نقش هندسی چشمگیر است. برای روکش مبلمان از طرح پیچازی اسکاتلندی بهره گرفته شده که طرحی ساده با مربع‌های منظم ریز و درشت آبی‌رنگ است. از سوی دیگر برای کوسن مبل، از طرحی مشابه نقش هندسی فرض استفاده شده که موجب می‌شود سطح روی زمین با فضای میانی اتاق (موازی با راستای نشیمن مبل) پیوند بخورد. این اتصال، نه تنها نتیجه تشابه طرح کف پوش و کوسن، که همزمان، نتیجه طرح خنثای روکش مبل نیز هست که به آن دو اجازه اتصال می‌دهد؛ بی‌آنکه مانعی بین‌شان ایجاد کند. ولی از همه این تفاسیر مهم‌تر این است که اگر متون کنار صفحه‌های کتاب (نوشته طراحان) نبود تا شیوه کار آنها را مشخص کند، برقراری ارتباط خواننده کتاب با تصاویر و در نتیجه رسیدن به چنین تفاسیری، بسیار دشوار می‌شد.

کتاب «ترکیب‌های جسورانه در طراحی داخلی» با عنوان فرعی «دفتر طراحی دایموند و باراتا» به اهتمام دن شاو و با ترجمه آتوسا گلکار توسط نشر هنر معماری قرن در ۲۷۲ صفحه مصور گلاسه در قطع رحلی بزرگ در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و با قیمت ۳۵۰۰۰ تومان منتشر شده است.



علاوه بر نوع طراحی جسورانه دایموند و باراتا که به این کتاب ویژگی‌ای منحصر به فرد می‌بخشد، متن کتاب نیز که ظاهراً دن شاو فقط ویرایش آن را برعهده داشته است، آموزه‌ای از آموزه و خودنگاری است. در واقع این دو طراح حرفه‌ای با نوع توضیحاتی که در ابتدای هر پروژه نگاشته‌اند، زوایای متنوع نگاه به یک فضای داخلی و چگونگی توجه به سلاقی کارفرمایان و استفاده از ایده‌های ناب آنها را به طراحان جوان می‌آموزند.

همچنین در پاراگراف‌هایی که در کنار عکس‌های بزرگ این کتاب از پروژه‌های اجرا شده دایموند و باراتا آمده، این دو طراح بسیاری از ترفند‌های طراحی‌شان را در اختیار خواننده قرار داده‌اند. گویا به قدری ایده‌متنوع در ذهن دارند که دیگر از این روش‌ها استفاده نخواهند کرد یا اطمینان دارند کسی نمی‌تواند از آنها تقلید کند؛ حتی اگر ترفند‌هایشان را بدانند. آنها نه فقط روش‌های اجرایی خود را در این کتاب توضیح داده‌اند؛ بلکه روش تعامل با کارفرما را - که یکی از اصول حرفه‌ای است - نیز می‌توان به نحو شایسته‌ای در سطر به سطر این کتاب مشاهده کرد. این در حالی است که کتاب‌های دیگری که در زمینه دکوراسیون داخلی، حداقل در ایران منتشر می‌شوند عموماً متن قابل توجهی در خود ندارند و اگر داشته باشند متن جذاب و آموزنده‌ای نیست و مخاطب در بیشتر مواقع صرفاً با تصاویر چشم‌نواز و در نهایت با هنرنمایی یک دکوراتور مواجه است؛ ضمن این که این کتاب حاوی مجموعه‌ای ناهمگون هستند که صرفاً به دلیل موضوعیت‌شان یا طراح واحدی که دارند در کنار هم گنجانده شده‌اند و کمتر عنصری را به نام جسارت می‌توان در آنها یافت؛ جسارتی که سال‌هاست بسیاری از جنبش‌های هنری و اجتماعی جهان بر پاشنه آن می‌گردند.

رهیافت‌های دایموند و باراتا به طراحی

از خلال متون چاپ شده در این کتاب، می‌توان مهم‌ترین رهیافت‌های دایموند و باراتا را به طراحی داخلی دریافت. این دو در جای‌جای این کتاب، به معرفی رویکردهای اصلی‌شان به طراحی داخلی پرداخته‌اند که با گردآوری آنها در کنار هم، می‌توان فلسفه‌ای را که پس‌زمینه طراحی‌های آنها را تشکیل می‌دهد، تشخیص داد. این هم یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های این کتاب با دیگر منابع فارسی طراحی داخلی است: «نویسندگان نه تنها راهکارهای خود را لو داده‌اند، بلکه فلسفه ماجرا هم از دستشان دررفته است (۱)

این‌دندنت» را که مهم‌ترین حرکت سبک پاپ آرت در سراسر انگلستان بود تاسیس کردند. این جنبش را پیتر بلیک، پاتریک کالفیلد، دیوید هاکنی، آلان جونس و پیتر پیلیرس در انگلستان دهه ۶۰ ادامه دادند.

پاپ آرت همچنین در سال‌های دهه ۶۰ به آمریکا رسید و بر آثار هنرمندانی چون جیم دینه، جاسپیر جونس، روی لیختنشتاین و روبرت راشنبرگ تأثیر گذاشت. یکی از مهم‌ترین هنرمندان این سبک در آمریکا، اندی وار هول است که مجموعه تابلو‌های رنگی او از «مرلین مونرو» و «مائو» مشهور است.

پاپ آرت نه تنها بر هنرمندان پسین خود تأثیر گذار بود؛ بلکه گرافیک و تبلیغات تجاری را نیز متحول ساخت. با این حال آنتونی و باراتا هرگز به همه قوانین این سبک و سایر سبک‌های هنری پایبند نبوده‌اند و با ساختار شکنی هوشمندانه، این قوانین را با یکدیگر و گاه حتی با نشانه‌ها و تولیدات بسیار خاص یک شرکت بزرگ یا یک برند مشهور ترکیب کرده‌اند.

اگر به بخش «رنگ آمیزی‌های مدرن» کتاب «ترکیب‌های جسورانه در طراحی داخلی» بنگرید، خواهید دید که این دو طراح با دانش رنگی فوق‌العاده خود ترکیباتی رها و جسورانه را به گونه‌ای در هم آمیخته‌اند که اشتیاق فرورفتن در فضایی که در تصویر می‌بینید، کلافه‌تان می‌کند و اگر عاشق رنگ باشید در این بخش توفقی طولانی خواهید داشت.

این تیم به ظاهر دو نفره، با در اختیار داشتن گروهی از بافندگان، رنگ‌ران، نقاشان دیواری، یراق‌دوزان، خیاطان، رویه‌دوزها و فرنگی‌سازان، هر ترکیبی را که اراده کرده‌اند، خلق کرده و جسورانه به تصاویر ذهنی‌شان تجسم بخشیده‌اند.

آنها شکل‌های اغراق‌شده‌ای از عنصرهای دوره‌های مختلف تاریخی را با هماهنگی در کنار هم به گونه‌ای قرار داده‌اند که وقتی به تصویر آن در کتاب نگاه می‌کنید در ابتدا هیچ چیز برایتان غیر عادی نیست. مثل چراغ آرلکین (دلک) و مبل ویکتوریایی هشت فوتی که بی‌هیچ سختی به زیبایی کنار هم نشسته‌اند. گویا با هر جهان‌بینی و سلیقه‌ای که نزد دایموند و باراتا در کتاب «ترکیب‌های جسورانه» شان بروید دست‌خالی بر نخواهید گشت.

آن‌گونه که از لابه‌لای سطرهای این کتاب برمی‌آید، این دو طراح گاه ایده‌های اجران‌شده خود را نیز بسیار زیرکانه در پروژه‌های متنوع‌شان گنجانده‌اند. اگر درونمایه مشخصی در دست‌آنها باشد، شاید با زندگی در خانه‌ای که برایتان ساخته‌اند از علایق خود دل‌زده شوید زیرا آنها خانه‌تان را از آن درونمایه انباشته می‌کنند.

دایموند و باراتا در مقدمه کتاب «ترکیب‌های جسورانه در طراحی داخلی» می‌نویسند: «این احساس که در اتاق‌های طراحی شده ما، همه چیز متناسب و سنجیده به نظر می‌رسد ناشی از آن است که ما تقریباً همیشه طراحی معماری را نیز خودمان انجام می‌دهیم.»

کتاب‌های دیگری که در

زمینه دکوراسیون

داخلی، حداقل در ایران

منتشر می‌شوند عموماً متن

قابل توجهی در خود ندارند

و اگر داشته باشند متن

جذاب و آموزنده‌ای نیستند

کتاب «ترکیب‌های جسورانه در طراحی داخلی» با عنوان فرعی «دفتر طراحی دایموند و باراتا» به تازگی توسط موسسه هنر معماری قرن منتشر شده است. این کتاب ۲۷۲ صفحه‌ای مصور، نمایانگر ۲۵ سال فعالیت دایموند و باراتا در عرصه طراحی داخلی است و سبک شاخص و جسورانه این دو هنرمند را به تصویر می‌کشد؛ سبکی که با فضاهای داخلی سنتی و مدرن، تعبیرات رنگی نوبوغ آمیز، آرایش هوشمندانه «الگو در الگو»، نقش مایه‌های شاد و سرخوش و معیارهای قرن بیست و یکم تعریف می‌شود.

ویلیام دایموند و آنتونی باراتا صاحبان خانه طراحی «دایموند و باراتا» در نیویورک هستند. آنها تاکنون بیش از هفتاد پروژه خود را در حوزه معماری داخلی در نشریه «نیویورک تایمز» منتشر کرده‌اند و در مقدمه کتاب «ترکیب‌های جسورانه» ذکر می‌کنند که به کارفرمایان به چشم شریک و الهام‌بخش می‌نگرند و خود را مفسر و مترجم رویاهای آنان می‌دانند. آنها در واقع قصد داشته‌اند در هر پروژه، کاری را انجام دهند که تا به حال نکرده‌اند و عناصر پویا و متنوع مجموعه‌ای زیبا شناختی را به گونه‌ای درآمیزند که یک فضای داخلی از همین نوع به دست آورند.

در همه بخش‌های کتاب توضیحات مختصر، اما کاملی برای درک تصویری که دیده می‌شود، گنجانده شده است و از این جهت خواندن این کتاب زمان زیادی نمی‌برد، اگر نخواهیم همه رازهای طراحان آن را کشف کنیم.

ظاهراً دایموند و باراتا با تمام سبک‌های هنری آشنایی عمیق داشته و سعی کرده‌اند علاقه و سلیقه کارفرمایان خود را در بسیاری موارد در قالب این سبک‌ها یا ترکیبی از آنها بگنجانند. آنها به ویژه در گرایش به پاپ آرت با کارفرمایان‌شان همسویی بیشتری داشته‌اند و به نظر می‌آید پاپ آرت سبک مورد علاقه این دو طراح بوده است؛ شاید به این لحاظ که جسارت کاربرد اشیای روزمره در اثر هنری، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های این سبک قرن بیستمی است.

کتاب «هنر مدرن» نوربرت لیتنن که علی‌رامین آن را ترجمه کرده است، ادعا می‌کند پاپ آرت در اصل یک جنبش هنری متعلق به دهه ۶۰ میلادی است. عبارت پاپ آرت مختصر پاپولر آرت (هنر توده) است. نام این جنبش به تنهایی همه چیز را درباره خودش آشکار می‌کند. پاپ آرت می‌خواست هنر را دوباره به زندگی روزانه مردم بیاورد.

هنرمندان اولیه پاپ یک گروه هنری مستقل انگلیسی بودند که عقیده داشتند می‌توان تصاویر و اجزای مبتذل و دم‌دست زندگی را تبدیل به آثار هنری زیبا کرد. آنها ابزارهای کار خود را در فیلم‌های عامه‌پسند، آگهی‌های تبلیغاتی، داستان‌های کمیک استریپ علمی تخیلی، موسیقی پاپ، حروف و علائم متداول، اشیای روزمره و کالاهای مصرفی معرفی کردند. در واقع هر چیزی که در چشم‌ان مردم بیشتر دیده می‌شود، می‌تواند ابزار قدرتمندی برای هنرمندان سبک پاپ آرت باشد. این جنبش در واکنش به نقاشی آبسترکت (انتزاعی) به میان آمد و ادعا می‌کرد جنبش آبسترکت بیش از حد سوفسطایی و نخبه‌گرا است. تصاویر مورد پسند هنرمندان سبک پاپ، اشیای زندگی روزمره بود. همانند اندی وار هول، یکی از هنرمندان این سبک که هنر را روی قوطی‌های سوپ به کار می‌بست.

پاپ آرت با فشار وارد مطبوعات و اعلانات شد و در نتیجه، تفاوت بین هنرهای زیبا و اعلانات بازرگانی به طور ارادی از بین رفت. مثال بسیار خوب این پدیده پوشش آلبوم‌های موسیقی سال‌های دهه شصت است. ریچارد همیلتون و ادوارد پاولوزی گروه «وزو



محمود قاسمی

پس از وقوع انقلاب فرهنگی، مساله تهیه و تولید کتاب های درسی مورد نیاز دانشگاه ها رخ نمود و این مهم به جهاد دانشگاهی محول شد. در ابتدای امر، جهاد دانشگاهی نسبت به ترجمه یا چاپ افست منابع زبان اصلی اقدام می کرد اما از سال ۸۶ به این سو، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی به طور پیگیر به انتشار کتاب در رشته های مختلف دست زده و تا کنون بیش از ۳۰۰ عنوان کتاب با یک نام مشترک منتشر کرده است که از این میان، ۵۰ عنوان کتاب توسط معاونت آموزشی جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران منتشر شده است. به مناسبت شانزدهم آذر ماه و روز دانشجو، با سیدعزیز آشنا، معاون آموزشی جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران درباره روند انتشار کتاب در این معاونت گفت وگویی انجام داده ایم. وی که کارشناس رشته مهندسی مکانیک از دانشگاه تهران است، می گوید: «یکی از اهداف ما در سند چشم انداز ۱۴۰۴ در حوزه آموزش، باید این باشد که این علوم را در جامعه گسترش دهیم و امکان دسترسی به اطلاعات را از طریق کتاب، برگزاری دوره های آموزشی و برنامه های آموزشی تلویزیونی برای عموم مردم فراهم کنیم که فکر می کنم این مساله رسالت بزرگی باشد.»

سیدعزیز آشنا، معاون آموزشی جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران:

رسالت بزرگ ما، گسترش علم در جامعه است

است که سازمان ملل هم به آن توجه کرده است چون یکی از معضلات جهان، ایجاد شکاف اطلاعاتی است که موجب می شود اقلیتی که توانمندی مالی بالاتری دارند، به اطلاعات بیشتری دسترسی داشته باشند و اقلیت پایین تر از دسترسی به اطلاعات باز بمانند. چنین مساله ای به فقر مالی هم در جامعه دامن خواهد زد.

یکی از اهداف ما در حوزه آموزش باید این باشد که این علوم را در سطح جامعه گسترش دهیم و امکان دسترسی به اطلاعات را از طریق کتاب، برگزاری دوره های آموزشی و برنامه های آموزشی تلویزیونی برای عموم مردم فراهم کنیم که فکر می کنم این مساله رسالت بزرگی باشد.

برای دسترسی به این رسالت تا به حال چه برنامه ریزی هایی انجام شده است؟

در کل جهاد دانشگاهی در حوزه آموزش، ۱۲۰ مرکز آموزشی در کل کشور راه اندازی و سعی شده است دوره هایی با قیمت های پایین تر برگزار شود تا اقلیت مختلف بتوانند از آنها استفاده کنند. برای بعضی اقلیت اجتماعی تخفیف های متنوعی را در نظر گرفته ایم. طرح تولید بسته های آموزشی هم برای کسانی راه اندازی شده است که امکان دسترسی به کلاس های حضوری را ندارند. این کار می تواند فرصت برابری را ایجاد کند تا افرادی که در نقاط دورتر هستند، بتوانند به اطلاعات و منابع دسترسی پیدا کنند.

چه مساله ای ارتباط شما با مخاطبان را دشوار می کند؟

مساله ای که همه ناشران در بدنه نشر کشور با آن درگیرند، نبود ساز و کار مناسب پخش و توزیع کتاب در کشور است. همه مولفان و ناشران با وضعیت پخش کتاب مشکل دارند. ما بخش تخصصی و حرفه ای برای توزیع کتاب نداریم که بتواند توزیع کتاب را در کشور سازماندهی کند. فروش اینترنتی راه اندازی شده است اما ساز و کارهای رساندن کتاب به دست خریدار، روشن نیست. بعضی سایت ها از نظر مردم قابل اعتماد نیستند و به نظر می آید به نهادی نیاز است که به این سایت ها اعتبار بدهد و به شکایات رسیدگی کند. ضمناً باید ساز و کاری برای توزیع ارزان قیمت کتاب ها پیدا شود. در حال حاضر قیمت کتاب ها در فرآیند خرید اینترنتی و ارسال برای مخاطبان، دو برابر می شود که برای خریداران به صرفه نیست. به نظر می رسد دولت، وزارت ارشاد و سازمان های دست اندر کار باید به این موضوع کمک کنند که ناشران بتوانند کتاب های خود را توزیع کنند. در جهاد دانشگاهی ساز و کار توزیع کتاب به چه شکل است؟

مجموعه سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی این کتاب ها را توزیع می کند ولی باز هم فکر می کنیم در این زمینه ضعف وجود دارد. یعنی سازمان انتشارات ما عملاً نهاد مسوول نشر است، نه نهاد مسوول توزیع و پخش. نهاد پخش باید سازمان دیگری باشد و به همه ناشران خصوصی و دولتی خدمات بدهد. وقتی در کشور درباره سرانه مطالعه بحث می کنیم، یا سرانه خرید کتاب یا جایگاه کتاب در سید خرید خانوار، باید به این مساله هم فکر کنیم که مردم چقدر به کتابی که می خواهند، دسترسی دارند.



زمانی برمی گردد؟

انتشار کتاب های آموزشی در این معاونت از حدود سال ۸۲ شروع شده است. اما انتشارات جهاد پس از انقلاب فرهنگی بنیانگذار چاپ کتاب در دانشگاه ها بوده است. بعد از انقلاب فرهنگی با توجه به اینکه معضلی به نام کمبود کتاب های علمی وجود داشت، جهاد دانشگاهی به دو کار همت گماشت؛ نخستین کار، ترجمه کتاب هایی بود که در دانشگاه ها به عنوان منبع علمی مورد استفاده قرار می گرفتند و کار دیگر هم، افست همان منابع به زبان اصلی در دانشگاه ها بود. اما در حال حاضر کار افست انجام نمی شود و فعالیت ما به تالیف و ترجمه منحصر شده است.

بیشترین آمار کتاب های منتشر شده در سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی به چه رشته هایی مربوط می شوند؟

این سازمان از سال ۸۶ تا کنون در حوزه های تاریخ و ادبیات، اقتصاد، الهیات، پزشکی، حقوق و علوم سیاسی، دامپزشکی، زبان های خارجی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی، فنی و مهندسی، هنر و معماری و کامپیوتر فعالیت داشته است که حوزه فنی و مهندسی با ۲۴ عنوان کتاب در رأس این رشته ها قرار دارد و حوزه های پزشکی و کامپیوتر نیز در رده های دوم و سوم جای دارند.

به طور کلی فعالیت ها و اهداف معاونت آموزشی، به جز انتشار کتاب چه حوزه هایی را شامل می شود؟

اهداف کلی مجموعه معاونت آموزشی جهاد دانشگاهی، بیشتر به رسالت آموزشی مجموعه برمی گردد و کتاب هم به عنوان یک منبع آموزشی در کنار دیگر منابع تولید می شود و مورد استفاده قرار می گیرد. اما ما در حوزه آموزش چشم انداز ۱۴۰۴ را هدف قرار داده ایم. در این چشم انداز باید به یک جامعه دانش بنیان رسید و ما هم سعی می کنیم این بخش را تحقق ببخشیم. بنابراین قصد داریم در حوزه آموزش، علوم و مهارت های مختلف را به جامعه بیاوریم تا عموم مردم بتوانند از آنها بهره مند شوند و ایده جامعه دانش بنیان شکل بگیرد و به قشر خاصی منحصر نشود. اگر در توزیع اطلاعات و علوم بنا به هر دلیلی نتوانیم عدالت را رعایت کنیم، شکاف اطلاعاتی در جامعه به وجود خواهد آمد. این مساله ای

تخصصی داریم که متشکل از یک نفر مدیر گروه با حداقل میزان تحصیلات فوق لیسانس در آن رشته، یک شورای آموزشی گروه با حداقل چهار نفر از صاحب نظران هر رشته و یک کارشناس است که امور اجرایی را انجام می دهد. این گروه ها تعیین می کنند که کار تالیف هر کتاب باید به کدام مدرسان سفارش داده شود.

برای انتشار کتاب های دیگر هم هیات بررسی وجود دارد؟

در جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران هیچ کتابی بدون ارزیابی و بررسی منتشر نمی شود. کتاب هایی که برای دوره های آموزشی نوشته می شوند، باید بر سرفصل های دوره منطبق باشند و نیازهای دوره آموزشی را کاملاً پوشش دهند. اگر مثلاً یک دوره آموزشی با ۲۰ سرفصل داشته باشیم، در هر کتاب این ۲۰ سرفصل با همین عناوین باید پوشش داده شود. چون فرض بر این است که دانشجو یا فراگیر دوره قرار است با این سرفصل ها مطالعه کند.

اعضای کمیته های بررسی را چه کسانی تشکیل می دهند؟

در کمیته های اولیه، بررسی علمی صورت نمی گیرد و فقط به این مسائل توجه می شود که آیا هر کتاب با نیازهای روز جامعه، دانشجویان یا مردم انطباق دارد؟ اما پس از این مرحله، نوبت به ارزیابی تخصصی می رسد که برای انجام این کار از نظرات کل اعضای هیأت علمی و مدرسان دوره های جهاد دانشگاهی دانشگاه استفاده می شود.

چاپ این کتاب ها کجا انجام می شود؟

در مجموعه جهاد دانشگاهی، «سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی» متولی چاپ تمامی کتاب هاست. مجموعه سازمان انتشارات سالانه بیش از ۳۰۰ عنوان کتاب چاپ می کند که قریب به ۵۰ عنوان آن در جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران و توسط معاونت آموزشی و اعضای هیأت علمی تولید می شوند. این سازمان در کل واحدهای جهاد دانشگاهی هماهنگی انجام می دهد و همه این کتاب ها با نام مشترک سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی چاپ می شوند که فهرست آنها در وب سایت جهاد دانشگاهی موجود است. پیشینه انتشار کتاب در معاونت آموزشی به چه

تولید محتوای کتاب های جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران چه روندی دارد؟

در جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران دو گروه کتاب منتشر می شوند. نخستین گروه از این کتاب ها را اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران در رشته های مختلف تالیف می کنند و گروه دیگر، کتاب های آموزشی ماست که به مولفان سفارش داده می شود. این کتاب ها یا به عنوان منابع درسی دانشگاهی منتشر یا در بسته های آموزشی که برای دوره های جهاد دانشگاهی تهیه می شوند، قرار می گیرند.

این کتاب ها و بسته های آموزشی چه مخاطبانی دارند؟

بخشی از بسته های آموزشی ما برای آمادگی کنکور کارشناسی ارشد است، اما بخش دیگر آن برای دوره هایی مثل دوره عالی بانکداری تولید می شود. در حال حاضر این نوع بسته ها جایگزین دوره شده و در دوره های غیر حضوری استفاده می شوند. بخش دیگری از این بسته ها، ویژه آموزش کارکنان سازمان هاست. در حال حاضر در حال تولید بسته های آموزشی مانند سازماندهی، مدیریت زمان، مدیریت پروژه و... هستیم. هر یک از این بسته ها منابعی دارند که کتاب و لوح های فشرده صوتی، تصویری و مولتی مدیا را شامل می شوند. در این بسته ها کارت پشتیبانی الکترونیکی نیز وجود دارد که تمرین هایی را در محیط وب در اختیار مخاطب قرار می دهد که از آنها فیدبک هم گرفته می شود و مدرس دوره غیر حضوری می تواند فراگیران را محک بزند.

کتاب های آموزشی دانشگاهی که توسط معاونت آموزشی جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران منتشر می شود، منابع چه رشته هایی را شامل می شود؟

در جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران به جز رشته های پزشکی، کتاب های همه رشته ها نظیر رشته های فنی - مهندسی، ادبیات، هنر، دامپزشکی، کشاورزی و منابع طبیعی، اقتصاد، الهیات، علوم تربیتی و حقوق کتاب منتشر می شوند.

این کتاب ها منابع درسی همه دانشگاه ها کشور است؟

برخی از این کتاب ها منبع درسی یا رفرنس اند و برخی دیگر توسط استادان دانشگاه های مختلف کشور به عنوان منابع کمکی معرفی می شوند. بعضی از این کتاب ها هم توسط دانشگاه پیام نور به عنوان منابع آموزشی معرفی شده اند و در فهرست منابع رشته های این دانشگاه قرار گرفته اند.

در ابتدا به کتاب های اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران اشاره کردید. این کتاب ها تحت چه شرایطی منتشر می شوند؟

معمولاً خود این اعضای هیأت علمی این کتاب ها را پیشنهاد می دهند. در ابتدا شناسنامه و مشخصات اولیه این کتاب ها به کمیته بررسی اولیه تحویل داده می شوند و اگر با کلیات آن موافقت شد، متن اصلی آن در اختیار یک هیأت داوری گذاشته می شود که آن را ارزیابی کنند. هر کتابی که در ارزیابی مورد تایید قرار گیرد، به فرآیند چاپ وارد می شود. اگر اشکالی داشته باشد، برای رفع مشکل به مولفان برگردانده می شود اما اگر کتابی مورد تایید قرار نگیرد، ممکن نیست به فرآیند چاپ وارد شود. در معاونت آموزشی جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، گروه های آموزش



آزاده سیدین

طی چند دهه اخیر شهر نشینی در کشورمان رشد روز افزونی داشته است. صاحبان امور شهری این جریان را ناشی از دو عامل تبدیل روستاها به شهر و مهاجرت روستاییان به شهرها می‌دانند. با افزایش روند شهرنشینی، شهرها هر روز توسعه می‌یابند که چنین روندی در شهرهای بزرگی مثل تهران بسیار مشهود است اما گسترش تهران تا آنجا بوده که این شهر را با حجم بالایی از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مواجه ساخته است. کتاب «مطالعات شهر مجازی تهران» تألیف دکتر سعیدرضا عاملی مجموعه‌ای است که استفاده از چنین ابزاری را در اداره کلانشهر تهران بازگو می‌کند. محتوای این کتاب نتیجه پژوهش مطالعات شهر مجازی تهران توسط گروه تحقیقاتی به سرپرستی دکتر عاملی است که توسط سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران منتشر شده است. وی دارای دکترای جامعه‌شناسی ارتباطات از دانشگاه رویال هالووی لندن و دانشیار گروه ارتباطات دانشگاه تهران و رئیس دانشکده مطالعات جهان همین دانشگاه است. همچنین تا امروز در بیش از ۱۰۰ کنفرانس علمی - بین‌المللی شرکت کرده و مقالات بسیاری در آنها ارائه داده است.

با سعید رضا عاملی، مؤلف کتاب «مطالعات شهر مجازی تهران»

کلیک بر تهران



قطعه فضای مجازی کاستی‌هایی دارد، ولی مزایای آن، کاستی‌هایش را جبران می‌کنند. جهان مجازی مشکلات خاص خودش را دارد که تا با آنها درگیر نشویم، نمی‌توانیم مدیریتشان کنیم.

شما از شهر مجازی یک کلانشهر در کتاب صحبت کرده‌اید. آیا منظورتان این بوده که فقط فضای مجازی مختص شهرهای بزرگ است؟

سه فلسفه علمی برای آرامش بشر وجود دارد که به نظر من فلسفه دین نیز یکی از آنهاست. طبیعتاً مردم کلانشهرها به دلیل وجود نظام پیچیده اداری، فزونی جمعیت و تردد ماشین از درد بیشتری رنج می‌برند. مسئله دوم توسعه خدمات اجتماعی است که به علت عدم وجود چنین خدماتی، سلامت رفتاری، بهداشتی و درمانی مردم کلانشهرها در خطر است. مسئله سوم هم تعالی ارزش‌های انسانی است که مردم در شهرهای بزرگ با فقدان آن مواجه هستند. بنابراین برای برخورداری شهروندان از آسایش و آرامش نیاز است تا ابتدا کلانشهرها به شهر مجازی تبدیل شوند و سپس سایر شهرها در این مسیر قرار گیرند.

رویکرد کتاب نسبت به افرادی که تمایل دارند از خدمات شهر فیزیکی استفاده کنند چگونه است؟

شهرهای مجازی باید با دو رویکرد تکمیلی و انتخابی ساخته شوند. در رویکرد تکمیلی، خدمات شهری فضای مجازی مکمل فضای فیزیکی خواهد بود که بعضی از آنها در فضای فیزیکی و گروهی دیگر در فضای مجازی ارائه می‌شوند. اما رویکرد انتخابی یعنی اینکه خدمات شهر مجازی به موازات همین خدمات در شهر فیزیکی ایجاد می‌شوند که اگر کسی خواست به شهر فیزیکی مراجعه کند و در غیر این صورت سراغ شهر مجازی برود.

پس مخاطبان کتاب عموم مردم هستند؟

در درجه اول مخاطبان این کتاب حرفه‌ای‌های حوزه مدیریت شهری هستند. اما حوزه این کتاب بین رشته‌ای است که بسیاری از افراد می‌توانند آن را مطالعه کنند. یکی از ضعف‌های ما آن است که به فضای مجازی از دید مهندسی کامپیوتر و تکنولوژی اطلاعات (IT) می‌نگریم. در صورتی که اینچنین نیست. شهر مجازی یک قلمرو چند رشته‌ای دارد که همه جوانب مدیریت شهری را می‌بیند. یکی از دلایلی که امروز مردم ما با شهرها انس فرهنگی ندارند، مدیریت ۱ یا ۲-۳ رشته‌ای شهر است. معتقدم اگر نقش‌ها، معمارها، روانشناس‌ها، جامعه‌شناس‌ها، فرهنگ‌شناس‌ها و موسیقیدان‌ها در مدیریت شهری دخالت کنند یک شهر آرام‌تر و مانوس‌تری برای مردم ایجاد خواهد شد.

می‌شود. بسیار شاهد بوده‌ایم که برای ساختن یک ساختمان کوه و جنگل را تخریب کرده‌اند یا برای تولید کاغذ، دهها درخت قطع شده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد که با وجود بحث‌های مربوط به کمبود اکسیژن و حفظ محیط زیست باید از دنیای مجازی که از تخریب‌دهتری نسبت به محیط زیست برخوردار است، استفاده کرد. خصوصیت دوم فضای مجازی، تعاملی بودن آن است. در محیط مجازی می‌توان در هر زمان و مکانی به هر اداره، دانشگاه یا مدرسه‌ای مراجعه کرد و کارهای روزمره را انجام داد ولی در فضای فیزیکی تعامل چهره به چهره است که باید پس از طی مسافت با هوایما، قطار یا ماشین در زمان مشخص به محل مورد نظر مراجعه کرد و با شخص مشخصی ارتباط برقرار کرد. خصوصیت سوم فضای مجازی، واقعیت مجازی بودن آن است. اگر چه جهان دوم به جهان مجازی معروف است، اما رفتارها در آن واقعیت دارند. در جهان فیزیکی هم انسان در ذهنش پرواز می‌کند، می‌گریست یا می‌خندید، اما در واقعیت این عوامل به‌طور فیزیکی اتفاق می‌افتادند. اما در جهان مجازی اگر به حرکت کردن می‌اندیشیم، واقعا در عالم مجازی این اتفاق می‌افتد که همان حرکت موس است. صنعت واقعیت مجازی تلاش می‌کند از طریق صنعت شبیه‌سازی و سه بعدی کردن جهان مجازی، این جهان را به جهان فیزیکی نزدیک کند و فاصله اینچا و آنجا و جهان اول و جهان دوم را کم کند. خصوصیت چهارم به هابیرلینک بودن فضای مجازی مربوط می‌شود که چنین خصلتی ظرفیت‌ها را چند برابر کرده و راندمان کاری را افزایش داده است. یعنی وقتی متنی به متن دیگر، هابیرلینک شده، می‌توان از هر دو متن استفاده کرد. حال فرض کنید اگر تهران به شهری مجازی تبدیل شود، با هابیرلینک شدن آن به شهرهای دیگر ایران، می‌توان از پتانسیل بالا در امور شهری بهره‌مند شد. چنین خصلتی باعث می‌شود بدون متمرکز کردن همه تخصص‌ها در یک جا، از تخصص‌های موجود در اقصی نقاط دنیا استفاده کرد. و اما خصوصیت پنجم فضای دیجیتال، غیر مرکزی بودن آن است که از همه نقاط جهان می‌توان به این فضا وصل شد، در حالی که چنین فضایی با همه جهان مرتبط است. با این ویژگی‌هایی که فضای مجازی نسبت به فضای فیزیکی دارد باید هر چه سریع‌تر به سوی مجازی شدن حرکت کنیم. البته نظریه‌هایی هم وجود دارند که می‌گویند پس تکلیف روابط انسانی در فضای مجازی چه می‌شود؟

پس این فضا کاستی‌هایی هم دارد که در کتاب به آن اشاره نشده است؟

است. اینها امکانات بسیار فراوانی هستند که می‌توان از آنها در زیرساخت‌های تشکیل یک شهر مجازی استفاده کرد. درباره نکته دوم هم باید بگویم با شما هم عقیده نیستم. فاصله مردم ما با دنیا در فضای مجازی طولانی نیست. ایرانی‌ها دارای دو خصلت هستند که آنها را یاری می‌رساند تا خودشان را با امور جدید تطبیق دهند. یکی روحیه سنت‌گرایی و دیگر پیشرفت‌گرایی است. همین عوامل سبب شده‌اند امروز شاهد باشیم مردم ما در روستاها و حتی بچه‌ها در سنین دبستان با کامپیوتر و اینترنت آشنایی داشته باشند و بتوانند از آنها استفاده کنند. تنها مشکل ما در این باره ذهن سیاست‌گذارانمان است که باید محیط وب را به عنوان یک محیط خدماتی بشناسند. آنها باید بدانند اگر این محیط با خدمات پر نشود از فساد اشباع خواهد شد. بنابراین وظیفه آنهاست که مردم را به محیط وب دعوت کنند تا به نیازهای اساسی‌شان پاسخ گفته شود. از سوی دیگر، فضای وب، یک فضای خود راهبر و یک محیط کاربرپسند است. لذا کاربر بدون آموزش می‌تواند در آن کار کند و مشکلات خود را حل کند.

پس با توجه به وظیفه‌ای که دولتمردان دارند چرا در این کتاب به دولت الکترونیک اشاره‌ای نشده است؟

البته ما طرحی سنگین برای ارائه سند راهبردی دولت الکترونیک را آماده کرده‌ایم، ولی متأسفانه تاکنون نتوانسته‌ایم مسوولان محترم را نسبت به طرح قانع کنیم. شهرهای مجازی بخشی از دولت الکترونیک محسوب می‌شوند که در صورت وجود دولت الکترونیک از کارآمدی بهتری برخوردار خواهند بود ولی این به معنای عدم کارآمدی شهرهای مجازی بدون داشتن دولت الکترونیک نیست.

با توجه به آنچه در کتاب آمده، امتیازهای یک شهر مجازی نسبت به یک شهر فیزیکی چیست؟

در اصل باید بگویم که شهرهای مجازی پنج خصلت دارند که آنها را نسبت به شهرهای فیزیکی متمایز می‌کنند. اولین خصوصیت این شهرها، دیجیتال بودن آنهاست که همه می‌دانیم فضای دیجیتالی از منطق عددی و ریاضی پیروی می‌کند. ما در جهان ریاضی با یک جهان بی‌شمار مواجه‌ایم که تمایل به بی‌نهایت است. بنابراین در محیط دیجیتال هم با فضایی روبه‌رو هستیم که همه افراد می‌توانند از هر آنچه وجود دارد استفاده کنند، بدون آنکه محدودیتی وجود داشته باشد. مثلاً اگر نسخه الکترونیکی یک کتاب در جهان مجازی وجود دارد همه می‌توانند با دسترسی آسان از آن استفاده کنند ولی فضای فیزیکی تابع منطق شیبی است که همه چیز بر اساس شی تعریف می‌شود. بنابراین محدودیت از خصوصیت اصلی چنین محیطی است که افراد را با مشکل مواجه می‌کند. از جمله چنین خاصیتی در تولیدات صنعتی مشاهده می‌شود که به عنوان مثال وقتی ماشین صنعتی حرکت می‌کند یکی یکی و به تعداد محدود می‌تواند گلگیر تولید کند. همچنین اصطحکاک، فرسایش و تخریب از دیگر خصوصیات منطق شیبی است که موجب بروز مشکلات عدیده‌ای

علت تحقیق و سپس تألیف یک کتاب درباره مجازی شدن شهر تهران چه بود؟

تهران دارای مشکلات زیادی است که از جمله آنها می‌توان به ترافیک سنگین و به دنبال آن آلودگی شدید هوا اشاره کرد. آلودگی رفتاری در ادارات نیز موجبات فشارهای روحی و روانی را برای مردم فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد یکی از راه‌های کاهش تردد ماشین، نظام مند کردن، مکانیزه کردن خدمات اداری و در دسترس قرار دادن عمومی امکانات شهر؛ ساخت شهرهای جامعه مجازی است. ما علاقه‌مند بودیم برای حل چنین مشکلاتی اقدامی انجام دهیم که با شهردار تهران در این باره صحبت کردیم. با اظهار علاقه ایشان، طرح پژوهشی تهیه شد و با همکاری سازمان فناوری‌های شهرداری تهران؛ این کار مهم آغاز شد و نتایج پژوهش در سال گذشته در اختیار دست اندرکاران شهر قرار گرفت. به نظر می‌رسد جدی در جریان است که شهر مجازی تهران را در ردیف ۱۰ شهر برتر جهان قرار دهد. لذا شهردار محترم طی مصاحبه‌ای اعلام کردند که در ۵ سال آینده، شهر مجازی تهران در جمله ۱۰ شهر مجازی جهان خواهد بود. این طرح پژوهشی از جامعیت خوبی برخوردار است که نزدیک به یازده هزار صفحه اسناد بالا سری مرتبط با این حوزه مطالعه شده است. از سوی دیگر پژوهش‌های مقایسه‌ای جدی انجام گرفته که تجربه ۲۰ شهر مجازی برتر جهان در این طرح منعکس شده است. علاوه بر آن مطالعات میدانی روی شهروندان و مدیران شهر صورت گرفته است تا هم نیازسنجی و هم امکان‌سنجی فراگیر صورت بگیرد.

منظور شما کدام شهرها هستند؟

شهر بارسلونا، بوستون، سنول، ادمنتون، هلسینکی، آمستردام، لندن و شهرهای دیگری که به همه آنها در مجموعه دیگر به‌طور کامل اشاره کرده‌ایم. البته نه فقط از تجربه‌های این شهرها، بلکه از یک سری وب‌سایت‌هایی هم که شهر مجازی نیستند اما خدمات مجازی به مردم ارائه می‌دهند، ایده گرفته‌ام. شهرهای خارجی با تهران دو فرق اساسی دارند که این دو تفاوت با زیرساخت‌های مخابراتی و نوع سواد اطلاعاتی مردم مرتبط است. فکر نمی‌کنید با توجه به این دو تفاوت اساسی، استفاده از تجربه‌های کشورهای دیگر در این کتاب شیوه صحیحی نبوده است؟

تهران امکانات زیرساختی خوبی دارد. اگر پراکندگی که در پهنای باندهای موجود در بخش‌های مختلف شهرداری، مخابرات و صداوسیما در یک هم‌افزایی قرار بگیرند، قطعاً تهران هیچ مشکلی برای وایرلس [= بی‌سیم] شدن با سرعت خوب را نخواهد داشت. همچنین حجم کابل نوری که در تهران توزیع شده است بسیار بالاست. الان شهرداری یک DC و IDC که مرکز اینترنتی اطلاعات است تأسیس کرده است که هزار ترابایت ظرفیت آن است و یک پتابایت اطلاعات در آن می‌تواند ذخیره شود. یا مثلاً اخیراً تیبان یک IDC راه‌اندازی کرده است که حدود ۵۰ تا ۶۰ ترابایت ظرفیت دارد و به ۲۰۰ ترابایت قابل توسعه



هستی فروزان

بارها شنیده و دیده‌ایم که اتفاقات غیرمنتظره و غیر قابل پیش بینی در حین انجام کار در کارگاه یا کارخانه‌ای سبب شده است کارگری بر اثر آسیب‌های مادی یا فیزیکی مجبور به ترک محیط کار شود. بسیاری از کارشناسان معتقدند این حوادث معمولاً به علت اوضاع ناایمن است که توسط کارفرمایان و متخصصان صنایع بر محیط کار کارگران اعمال شده است. کتاب «ایمنی کاربردی در صنایع» برای کارشناسان ایمنی و بهداشت حرفه‌ای و همه افرادی که به نحوی وظیفه تامین ایمنی محیط‌های کاری را به عهده دارند تدوین شده است تا آنها را با ایمنی در صنایع آشنا کند. برای آشنایی بیشتر از محتوای این کتاب با دکتر احسان الله حبیبی، مؤلف آن گفت و گو کرده‌ایم. وی دانشیار ایمنی و بهداشت حرفه‌ای و عضو هیأت علمی گروه بهداشت حرفه‌ای دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان است که فوق تخصص ایمنی و بهداشت حرفه‌ای (گرایش ارگونومی) را در کشور انگلستان گذرانده است.

گفت و گو با دکتر احسان الله حبیبی، مؤلف کتاب «ایمنی کاربردی در صنایع»

ضرورت پیوستگی بهداشت حرفه‌ای و ارتقای ایمنی

عدمتا دانشجویان رشته‌های بهداشت حرفه‌ای و ایمنی صنعتی و مدیران و کارکنان صنعتی. آیا کتاب ویرایش علمی و ادبی شده است؟ بله. مطالب موجود در کتاب چندبار توسط دو مولف علمی برتر بازبینی شده‌اند و همچنین دو ویرایشگر ادبی آنها را اصلاح کرده‌اند.

اگر کتاب به چاپ دوم برسد چه تغییری روی آن اعمال می‌کنید؟

به نظر می‌رسد باید بعضی مطالب درباره ایمنی برق و جوشکاری را پررتر کرد. آشنایی با سیستم‌های اندازه‌گیری سه بعدی؛ یعنی به دست آوردن مقدار و موجودیت یک کمیت که در فرهنگ‌های لغت، کلمه قیاس به عنوان مترادف آن به کار برده شده است. بر این اساس می‌توان گفت هدف از اندازه‌گیری یک کمیت، مقایسه آن با معیاری استاندارد است. آنچنان که در مقدمه کتاب «آشنایی با سیستم‌های اندازه‌گیری سه بعدی» می‌خوانیم: اگر نگاهی گذرا به تاریخچه اندازه‌گیری انداخته شود، این نتیجه حاصل می‌شود که دارای عمری به اندازه تمدن بشری است و به همان اندازه که از سال گذشته انسان خبر ثبت شده است، در مورد گذشته زمان تولد علم اندازه‌گیری نیز اطلاعاتی در دسترس است. از گذشته‌های دور تا کنون اندازه‌گیری جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی انسان‌ها بوده و در دوره‌های گوناگون تمدن بشری مبدأ تحول و رشد انسان بوده است. دکتر بهروز آرزو، مولف کتاب با بیان این مقدمه چنین مجموعه‌ای را از معدود کتاب‌های چاپ شده در زمینه سیستم‌های اندازه‌گیری سه بعدی و اولین آنها به زبان فارسی می‌داند که هدف آن آشنایی عمومی صنعتگران، مدیران صنعتی و دانشجویان رشته‌های فنی مرتبط با مهندسی ساخت و تولید است.

این کتاب توسط انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر چاپ شده است که با قیمت ۵۲۰۰ تومان به مخاطبان عرضه می‌شود.



موجودند؟

بله. بسیاری از این منابع از جمله استانداردهای سازمان ایمنی و بهداشت حرفه‌ای آمریکا (OSHA) و انستیتو ملی ایمنی و بهداشت آمریکا (NIOSH) در پایگاه‌های اینترنتی یا در کتب و مجلات تخصصی موجود هستند.

عملی شدن تئوری‌های موجود در کتاب چگونه ممکن است و این وظیفه به عهده کیست؟

به نظر می‌رسد بسیاری از مسائل مربوط به ایمنی و بهداشت با همکاری و تعهد همه سطوح شاغل در صنایع، به ویژه مدیران صنعتی تحقق می‌یابد. امروزه با پیشرف صنایع و به حداقل رساندن شرایط ناایمن در صنایع تقریباً برای همه ثابت شده است که تحقق تئوری‌های موجود، بدون مدیریت عوامل انسانی و ارتقای فرهنگ ایمنی سازمانی حاصل نخواهند شد. مخاطبان کتاب چه کسانی هستند؟

آنها سواد خواندن و نوشتن نداشته باشند. چنین مفاهیم تخصصی‌ای چه کارایی برای آنها دارد؟ من با این عقیده شما موافق نیستم. در این باره باید بگویم که بسیاری کارگران ما امروزه از سطح علمی و فنی خوبی برخوردارند و در غیر این صورت از حداقل تحصیلات ابتدایی برخوردار هستند. اما با این حال سعی کرده‌ام مطالب کتاب را تا حد امکان با زبان ساده بیان کنم که افراد با سطح سواد متوسط به پایین هم بتوانند از آنها بهره‌مند شوند.

راه‌حل‌های موجود در کتاب از منابع خارجی گرفته شده که ویژه کشورهای دیگر است. آیا این مفاهیم عیناً استفاده شده‌اند یا با توجه به وضعیت صنایع در ایران آنها را بومی کرده‌اید؟

بسیاری از راه‌حل‌های ارائه شده در کتاب امروزه به صورت استاندارد در دنیا پذیرفته شده‌اند. بسیاری از این راهکارها در استانداردهای کشورهایمان نیز لحاظ شده‌اند و بیشتر مدیران صنایع و مسئولان ایمنی و بهداشت ما با آنها آشنا هستند. برای روشن شدن این مطلب باید به قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی که در بسیاری از نقاط جهان به یک شکل اجرا می‌شوند، اشاره کنم. راهکارهای موجود در کتاب هم همین طور است که شاید بعضی موارد خاص آن با تدابیر خاص نیاز به تغییر داشته باشند.

راه‌حل‌های گفته شده در کتاب برای بخش صنایع آمده است. آیا با صنعتگران در تالیف کتاب مشورت کرده‌اید؟

بله به ویژه در زمینه نحوه کارکرد ماشین‌های صنعتی مثل پرس‌های قدرت علاوه بر جستجو در منابع اصلی مهندسی مکانیک و ساخت و تولید با طراحان و اپراتورهای این دستگاه‌ها هم ملاقات حضوری داشته‌ام و از نظریه‌های آنها در این باره کمک گرفته‌ام.

در بخشی از کتاب به استانداردها و قوانین بین‌المللی اشاره شده است. آیا اسناد مکتوب این استانداردها برای استفاده صنعتگران در کشورمان

ضرورت تالیف کتاب «ایمنی کاربردی در صنایع» چیست و فقدان ایمنی در صنایع چه مشکلاتی ایجاد می‌کند؟

دانشجویان رشته بهداشت حرفه‌ای به دلیل نبود منابع تخصصی مکتوب از دانش اندکی نسبت به مسائل فنی موجود در صنعت برخوردارند که استمرار چنین مشکلی آنها را از فضای علمی حاکم بر تخصصشان در دنیای امروز دور می‌کند. آنها باید بدانند که تحقق اهداف بهداشت حرفه‌ای و ارتقای ایمنی صنعتی در گرو یکدیگر است و این دو با هم پیوستگی کامل دارند. عقیده‌ام این است که چنین مسائلی باید به زبانی قابل فهم و به دور از اصطلاحات پیچیده فنی در منابعی مثل کتاب «ایمنی کاربردی در صنایع» برای دانشجویان بیان شود تا آنها از مسائل روز این حوزه آگاه شوند.

با توجه به این که در مقدمه کتاب به ۱۰ هزار نقص در کل صنایع آمریکا اشاره شده است، این نوع آمار در ایران چگونه و چرا به آن اشاره نشده است؟ متأسفانه آمارهای ما در این زمینه شفاف و قابل استناد نیستند که به همین علت صلاح ندیدم مطلبی در این باره بیان کنم.

جایگاه ایمنی، بهداشت و محیط زیست (HSE) در صنایع ایران کیجاست و تا چه اندازه به وجود این بخش در کارخانه‌های ما توجه می‌شود؟

خوشبختانه اخیراً با توجه روزافزون مدیران صنعتی به مقوله ایمنی و بهداشت و ارائه استانداردهای صنعتی در این زمینه مثل OHSAS18000 و ISO14000 جایگاه مقوله HSE ارتقای شایانی پیدا کرده است. البته این مساله بیشتر در صنایع بزرگ و مادر مشاهده می‌شود و به نظر می‌رسد حتماً نیازمند به کارگیری اصول ایمنی بهداشت و محیط زیست در تمامی صنایع باشیم.

همه ما می‌دانیم کارگران در کارخانه‌ها از جمله مهم‌ترین اقشاری هستند که کارشان خطرآفرین است و نیاز به ایمنی دارند و شاید حتی بعضی از

معرفی کتاب

دینامیک سازه‌ها و کاربرد آن



گرچه کاربرد مبحث دینامیکی سازه‌ها در زمینه‌های مختلف صنعتی از قبیل مهندسی ساختمان، مهندسی ماشین‌آلات، صنایع هوایی، صنایع دریایی و... از اهمیت بسزایی برخوردار است، اما نقش عمده و اساسی آن را در تحلیل لرزه‌ای سازه‌ها تحت اثر زلزله، می‌توان به صورت بارز و برجسته عنوان کرد. مؤلف کتاب «دینامیک سازه‌ها و کاربرد آن در مهندسی

زلزله» با بیان این جمله در پیشگفتار می‌نویسد: «امروزه در ترتیب برنامه تحلیل دینامیکی سازه‌ها بر خورداری از دو زمینه ضروری به نظر می‌رسد، اول آشنایی با جنبه‌های اساسی تحلیل دینامیکی سازه‌ها و دوم توانایی تجزیه و تحلیل مسائلی که در رابطه با طراحی دینامیکی پیش می‌آید. البته این تحلیل‌ها غالباً به صورت تقریبی انجام می‌گیرند، ولی تقریب موردنظر در حد قابل قبول است.» یکی از اهداف این کتاب مجزا کردن جنبه‌های اساسی تحلیل دینامیکی سازه‌ای و بررسی آنها به صورت جداگانه است. این عمل باعث درک و دقت بیشتر در رفتار دینامیکی سازه‌ها و هرچه ارائه روش به صورت کامل‌تر باشد، برنامه‌ریزی آن نیز ساده‌تر خواهد بود. این کتاب به تازگی از سوی انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر راهی بازار نشر شده است و با قیمت ۶۹۵۰ تومان به فروش می‌رسد.

دینامیک و کنترل فرآیندها



مفهوم کنترل بر هیچکس پوشیده نیست و همه افراد با هر پیشینه و سطح تحصیلات به طور غریزی از مفاهیم آن در زندگی روزمره بهره می‌گیرند. اما کنترل فرآیندها، علمی به حساب می‌آید که در نتیجه گسترش رقابت جهانی، تغییر سریع اوضاع اقتصادی و قوانین زیست محیطی جزء جدایی‌ناپذیر عملیات واحدهای صنعتی شده است. دکتر مهدی رفیع‌زاده مؤلف کتاب «دینامیک و کنترل فرآیندها» در این باره معتقد است: «کنترل فرآیندها با داشتن حداقل اطلاعات درباره مهندسی کنترل پدیده می‌آید. زبان کنترل کمی دور از ادبیات معمول رشته‌های مهندسی شیمی، پلیمر و متالورژی است و نیاز به ممارست ویژه‌ای دارد. در چهار دهه گذشته مبحث مهندسی کنترل پیشرفت‌های زیادی داشته است، به گونه‌ای که بدون استفاده از نرم‌افزارها و منطق‌های جدید کنترلی، آموزش کنترل اگر غیر ممکن نباشد، بسیار دشوار است.» وی در ادامه می‌نویسد: «کتاب دینامیک و کنترل فرآیندها

ماحصل پانزده سال تحقیق و یازده سال آموزش در در رشته‌های مختلف نظیر مهندسی شیمی، مهندسی پلیمر و مهندسی متالورژی در دانشگاه و صنعت است.» این کتاب به عنوان یک کتاب درسی برای یک درس دانشگاهی در مقطع لیسانس تهیه شده است. با توجه به ادبیات مهندسی کنترلی، سعی شده از مثال‌های ساده و کاربردی

استفاده شود. این مجموعه به تازگی از سوی انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر راهی کتابفروشی‌ها شده است.

اقتصاد مهندسی



بسیاری از کارشناسان اقتصادی معتقدند به همان میزان که تکنولوژی صنعتی پیشرفت می‌کند، تصمیم‌گیری اقتصادی نیز مشکل‌تر و حساس‌تر می‌شود.

یکی از این کارشناسان، دکتر محمد مهدی اسکونژاد است که کتاب «اقتصاد مهندسی» را تالیف کرده است. وی در ابتدای این کتاب به تعریفی از اقتصاد مهندسی می‌پردازد و در این باره می‌نویسد: «اقتصاد مهندسی عبارت است از مجموعه‌ای از تکنیک‌های ریاضی، برای ساده کردن مقایسه اقتصادی پروژه‌های صنعتی یا به عبارت ساده‌تر، اقتصاد مهندسی ابزار تصمیم‌گیری برای انتخاب اقتصادی‌ترین پروژه‌هاست. مهندسان، طراحان و مجریان هستند. وظایف آنها مدیریت، تصمیم‌گیری و حل مسائل برای دستیابی به اهداف سازمان است.»

کتاب اقتصاد مهندسی شامل چهار بخش و شانزده فصل به نحوی تالیف شده است که به همه سوالات مربوط به ارزیابی اقتصادی پروژه‌ها پاسخ می‌گوید. مخاطبان این مجموعه علمی دانشجویان کارشناسی، کارشناسی ارشد، مسئولان صنعتی و تولیدی کشور هستند که با قیمت ۸۰۰۰ تومان در بازار نشر توزیع شده است.

ناپیدا

پل استر / ترجمه: خجسته کیهان / نشر افق
چاپ اول ۱۳۸۸ / ۲۷۲ صفحه / ۵۸۰۰ تومان



رمان «ناپیدا» آخرین اثر پل استر، نویسنده آمریکایی، با ترجمه خجسته کیهان همزمان با چاپ جهانی این کتاب در ایران نیز منتشر شد. نشر افق که انتشار ترجمه فارسی مجموعه آثار این نویسنده را دنبال می‌کند،

پیش‌تر نیز پس از خرید حق نشر (کپی‌رایت) اقدام به انتشار ترجمه فارسی کتاب‌های استر کرده بود. استر در این رمان خاطرات مردی رو به مرگ و زوال را دنبال می‌کند. این مرد که آدم واکر نام دارد، خودش خاطراتش را به صورت یک زندگی‌نامه نوشته است و می‌خواهد این نوشته‌ها را برای چاپ به یکی از دوستانش که نویسنده است بسپارد. در خلال این ماجرا داستان به درون خاطرات این مرد می‌رود و ماجراهای زندگی او را می‌کاود. از جمله جنایتی تکان‌دهنده که در ماجرای داستان بسیار تاثیر گذار است.

سبک نگارش رمان «ناپیدا» بسیار شبیه سایر آثار استر است. همانند سایر آثار او در این کتاب هم داستان‌ها در دل هم و به صورت تودرتو نقل می‌شوند. بخشی از کتاب شباهت‌هایی به گونه ادبیات معمایی پیدا می‌کند. اما ویژگی آن حالت روان‌شناسانه اثر است. استر در این اثر روان‌شناسی و شخصیت‌شناسی خاصی از شخصیت‌های داستان خود عرضه می‌کند.

یکی دیگر از نکات جالب توجه رمان «ناپیدا» تصویر کردن شخصیتی بسیار منفی و شرور توسط پل استر است. در اکثر آثار استر شخصیت‌های منفی وجود دارد، اما این نویسنده در رمان جدید خود پردازش شخصیت منفی در داستان را به اوج رسانده است. از پل استر تاکنون بیش از بیست عنوان کتاب (گاه با دو ترجمه متفاوت)، راهی کتابفروشی‌های ایران شده‌اند. تا استر در کمتر از پنج سال، به نویسنده‌ای پرخواننده در ایران تبدیل شود.

این نویسنده با نام کامل پل بنجامین استر ۳ فوریه سال ۱۹۴۷ میلادی در نیویورک از پدر و مادری متعلق به طبقه متوسط به دنیا آمد. او در دانشگاه کلمبیا تحصیل کرد و مدرک لیسانس و فوق‌لیسانس خود را از این دانشگاه دریافت کرد. استر بعد از پایان تحصیلاتش به فرانسه رفت و چهار سال در این کشور زندگی کرد و سپس در سال ۱۹۴۷ به آمریکا بازگشت. استر پس از بازگشت به آمریکا با لیدیا دیویس، نویسنده آمریکایی ازدواج کرد، ولی این ازدواج دوام نیاورد و به طلاق انجامید. او در سال ۱۹۸۱ با سیری هوستوت رمان نویس و روزنامه‌نگار، آشنا شد و با او ازدواج کرد. این زوج در حال حاضر با یکدیگر در بروکلین (نیویورک) زندگی می‌کنند.

گفت و گو در سیسیل

الیور ویتورینی / ترجمه: منوچهر افسری
انتشارات کتاب خورشید / چاپ اول ۱۳۸۸



۱۶۸ صفحه / ۳۲۰۰ تومان
الیور ویتورینی سال ۱۹۰۸ در سیراکوز ایتالیا به دنیا آمد. ایام شباب او در ایستگاه‌های کوچک قطار در سیسیل، آنجا که پدرش به عنوان کارگر راه آهن در رفت و آمد بود، سپری شد. دوره

ابتدایی و سه سال هنرستان حرفه‌ای را در سیسیل گذراند و سرانجام به دنبال گریزهایی که از ابتدای کودکی از جزیره داشت، در سال ۱۹۲۷ با عنوان

دستیار کارگاه راه‌سازی در ونیز، برای همیشه سیسیل را ترک کرد. در سال ۱۹۳۰ با استقرار در فلورانس، همکار گروه ادبی «سولاریا» شد و نخستین داستان‌های کوتاهش در مجله آن گروه به چاپ رسید. او سال‌های اولیه اقامت در فلورانس را در آتلیه نقاشی عمومی به سر برد و برای امرار معاش فرم‌های چاپی روزنامه «ناتسیون» را تصحیح می‌کرد. یک حرف‌چین قدیمی که بعدها دوست او شد، الیور ویتورینی را تشویق به یادگیری زبان انگلیسی کرد. وقتی بر اثر مسمومیت ناشی از سرب مجبور به ترک پایخانه شد، چنان به زبان انگلیسی تسلط یافته بود که توانست از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۱ از طریق ترجمه امرار معاش کند. مجله «سولاریا» از ۱۹۳۳ چاپ رمان «میخک سرخ» او را به صورت پاورقی آغاز کرد. اما با چاپ قسمت سوم رمان، مجله توقیف و قسمت‌های بعدی پاورقی نیز با سانسور مواجه شد. ویتورینی نقش «فاشیسم» را برانگیختن شور و هیجانات بیجا در نسل جوان می‌دانست. ویتورینی در برابر زندگی سیاسی اجتماعی اش فراز و نشیب‌های فراوانی داشت. ویتورینی در زمان اشغال ایتالیا توسط آلمان، به جنبش مقاومت در میلان پیوست و با مطبوعات زیرزمینی همکاری کرد. سال ۱۹۶۳ ویتورینی که غم از دست دادن فرزندش را در ۱۹۵۵ تجربه کرده بود، تحت عمل جراحی خطرناکی قرار گرفت اما پس از بازیافتن سلامتی اش رمان «زنان مسینا» را که یک بار در ۱۹۴۹ منتشر شده بود به چاپ رساند و به دلیل ناهمخوانی با بینش جدیدش، بازنویسی کرد. از آن پس به سازماندهی و تدوین اندیشه‌هایش درباره ادبیات پرداخت اما بیماری که بار دیگر در تابستان ۱۹۶۵ آغاز شده بود به او مهلت نداد و سرانجام در ۱۲ فوریه ۱۹۶۶ او را از پای درآورد. نویسنده در مقدمه کوتاه این رمان نوشته است: «برای اجتناب از هرگونه سوءتفاهم یادآور می‌شود همان‌گونه که ماجرای قهرمان اصلی گفت و گو زندگی‌نامه خودنوشت نویسنده نیست، سیسیل نیز که همه جا او را همراهی می‌کند، از بد حادثه سیسیل است زیرا نام سیسیل در گوش من بهتر از نام پریشیا یا ونزوئلا می‌نوازد. وانگهی فکر می‌کنم همه دست‌نوشته‌ها باید در یک بطری از آب گرفته شوند.»

جنسیت و خشونت

عباس محمدی اصل

انتشارات گل آذین / چاپ اول ۱۳۸۸
۱۸۰ صفحه / ۳۵۰۰ تومان



ماهیت و محور اساسی این کتاب مباحث خشونت علیه زنان است. بر مبنای اصل تنازع بقا، خشونت جزء لاینفک زندگی اجتماعی است و اگر نبرد توان زایش زنانه، نوع دوستی نمی‌توانست به

اتکای عشق به هستی نضج گیرد. مع‌هذا نابرابر سالاری جنسی، زمینه‌ساز اعمال و تداوم خشونت در زندگی شد و هزینه‌ای بس سنگین به جریان تکامل اجتماعی وارد کرد. اگرچه خشونت در تمام جوامع نسبت به افرادی در سنین مختلف و جنسیت‌های گوناگون اعمال می‌شود؛ اما این کنش به ویژه متوجه زنان و کودکان است و مسائلی به وجود می‌آورد که سلامت اجتماعی را تهدید می‌کند و راه‌حل‌هایی را برای کنترل و توقف چنین اوضاعی می‌طلبد. در این شرایط، شناخت علل و موجبات خشونت و شرایط بروز و ظهور نتایج آن بر این پدیده، محتاج تأملی علمی است. نویسنده در بخشی از مقدمه کتاب آورده است: «خشونت علیه زنان، محصول فرهنگ مرد پدرسالار است؛ از طریق همین مکانیسم است که روابط نابرابر قدرت و ثروت میان زنان و مردان، نهادینه می‌شود و تابعیت و وابستگی زنان به نحو ایدئولوژیک و حقوقی، توجیه می‌گردد. به این ترتیب است که مردان و حتی خود زنان به کارگزاران اجتماعی اعمال

خشونت بر یکدیگر و بر خویشتن مبدل می‌شوند و نمی‌توان چنین جانمایه‌ای را از هنر و ادبیات و اخلاق و سلوک و آموزش و پرورش و سایر خرده‌نظام‌های اجتماعی جدا کرد. این کتاب، زمینه‌ای است برای شناسایی برخی از ابعاد همین خشونت جنسیتی...»

النا

مجموعه داستان‌های آمریکای لاتین

لوئیس برتیوگارسیا / ترجمه: زهرا رهبانی

انتشارات گل آذین / چاپ اول ۱۳۸۸

۱۷۲ صفحه / ۳۵۰۰ تومان



لوئیس برتیوگارسیا، داستان‌نویس، منتقد، مورخ، رمان‌نویس و نمایشنامه‌نویس ونزوئلایی، در آثار خود در هیأت یک منتقد اجتماعی و سیاسی ظاهر شده که گاه با نگاهی طنز آلود و موشکافانه شخصی‌ترین امور فرد را در زندگی روزمره مورد توجه قرار داده و آن را به باد انتقاد می‌گیرد.

این کتاب ورای دیدگاه‌های مختلف نویسنده و اندیشه‌های بسیار متنوع او، روشی نو را در میان شیوه‌های مختلف بیان روایی ارائه می‌دهد. وی گاه در یک داستان کوتاه انواع مختلف شیوه‌های بیان را در هم آمیخته، همزمان از دو یا چند نوع آن کمک می‌گیرد. بسیاری از داستان‌ها از ساختار مرسوم ادبیات روایی خارج شده و شیوه نوینی را برای گسترش پیرنگ داستان ارائه می‌دهند.

کتاب النا، یکی از کتاب‌های رشته (آفرینش ادبی) در مدرسه کانون نویسندگان مکزیک بوده است. این کتاب که برای اولین بار در سال ۱۹۷۰ در ونزوئلا به چاپ رسیده تاکنون به زبان‌های مختلف ترجمه شده و در بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای آمریکای لاتین از جمله مکزیک هزاران نسخه از آن به فروش رفته است. نسخه حاضر متعلق به سال ۱۹۹۳ است.

النا دربرگیرنده ۴۷ داستان کوتاه از لوئیس برتیوگارسیاست که برخی از این داستان‌ها به رغم کوتاه بودنشان بسیار زیبا نوشته شده‌اند. در داستان «روبن» که با فعلی منفی شروع می‌شود و چنین هم پایان می‌یابد می‌خوانیم: «قورت بده روبن، جست نزن روبن، فوت نکن روبن، جا تو خیس نکن روبن، گریه نکن روبن، آروم بگیر روبن، روی تخت نپر روبن، سر تو از پنجره بیرون نکن روبن، لیوان رو نشکن روبن، سلام کن روبن، بویو را بذار کنار روبن و... گردش ناتمام، او او، خالق خدایان، مرگ یاغی، آنچه بر من می‌گذرد، کتاب‌ها، دنیا ناکجاست؟ منجی، تاریک‌ترین جای شب، گشتی با تانک، دره سبز، پدر خوانده، قدیسان و... عناوین داستان‌های این مجموعه‌اند.

آهنگ‌سازی آوازخوانی به زبان ساده

حسن زندناف

انتشارات سوره مهر / چاپ اول ۱۳۸۸

۱۵۶ صفحه / ۳۳۰۰ تومان



امروزه آنچه درباره موسیقی گفته می‌شود، یکی از پیچیده‌ترین مسائل فرهنگی است که در جوامع غرب ظاهر شده است. موسیقی اولیه بعد از درگیری‌ها و ناپسامانی‌ها همراه با دیگر فرهنگ‌ها به غرب رسید، این که از کجا و از چه جا؟ همچنان در تاریخ با علامت سوال روبه‌روست. ولی موسیقی در غرب بعد از دوران قرون وسطا، به استقلال خود رسید و روز به روز توجه به آن عمیق‌تر شد. بعد از رنسانس، زمینه رشد علم در اروپا فراهم‌تر شد و دانشمندان بسیاری هم‌وغم خود را برای آسایش انسان‌ها به کار بردند. فیزیک و شیمی در رأس علوم قرار گرفت.

آزمایشگاه‌ها شکل گرفت. فرمول‌ها استخراج شد و امروزه نتایج آن کشف‌گرات دیگر است. موسیقی هم مستثنی از سایر علوم نبود، گسترش چشمگیری به دست آورد و به همین دلیل سر از آزمایشگاه درآورد و دانشمندان را برآن داشت که بدانند صوت چیست، چگونه است و جذابیت آن در چیست؟ به آنچه رسیدند، نظم اصوات بود که انسان‌ها را مجذوب خود می‌کرد. از آن گذشته به نتیجه دیگری هم رسیدند، انسان، ناخودآگاه نیاز به نظم دارد و همین صفت موسیقی، زیربنای نظم جامعه قرار گرفت.

نویسنده کتاب در مقدمه می‌نویسد: «در این کتاب کوشش کرده‌ام که به شکل ساده البته در حد امکان مسائل علمی سخت و دشوار را بیان می‌کنم به خصوص برای کار خوانندگی که بدون هیچ قاعده‌ای انجام می‌شود و سلامت جسمی شخص را به خطر می‌اندازد. از آن گذشته باید به آهنگسازی هم اشاره می‌شد که از خطرات نادرست آن به دور باشیم. به همین جهت ساده و روان بودن آن برای فهم دانش‌پژوهان اهمیت دارد و اشاره به خطرات روحی، روانی و به خصوص برای جامعه که آهنگساز دست به چه کار می‌زند، باشم. طبیعی است که اگر آهنگسازی بخواهد از درون جامعه خود مایه بگیرد، باید اول تاریخ سرزمین خود را بشناسد تا ناپا وضعیتی کنونی و سیر تحولات جامعه در آینده را نیز در نظر بگیرد. از آن گذشته موسیقی علمی که تا زمان حال مسلط بر زندگی انسان‌ها شده با ترکیب علم و بیان ساده سرزمین خودمان در موزیک، آنها را ترکیب کرده، تا بتوانیم به طور بالنده موسیقی خود را عرضه کنیم...»

آیه‌های زندگی برای بیداری / جلد پنجم

حسین اسکندری

انتشارات سروش / چاپ سوم ۱۳۸۸

۳۶۰ صفحه / ۵۰۰۰ تومان



اساسی‌ترین موضوع در تعالیم انبیا و آموزش‌های انسان‌ساز، وحی مبدء و معاد است، به طوری که در قرآن کریم بعد از توحید، بیشترین آیات درباره معاد است، یعنی بیش از ربع آیات و پیام‌های قرآن مستقیماً درباره قیامت و حساب و کتاب و ثواب و عقاب است. سیره حضرت حق برای طرح مسأله معاد چنان جامع و گویاست که هر کس کمترین بهره‌ای از آگاهی و وجدان داشته باشد راهی جز ایمان و یقین به آن ندارد.

حسین اسکندری، نویسنده کتاب در بخشی از مقدمه اثر می‌نویسد: «خوانندگان ارجمند و گرامی، خواهران و برادران ایمانی، اهل فکر و خرد، مومنان و حق‌جویان و هدایت‌طلبانی که به عروه‌الوثقی الهی، قرآن آسمانی، تمسک جست‌اید، از این که بار دیگر توفیق یار شد تا تحفه‌ای از این کتاب مقدس هدیه شما کنیم خدای بزرگ را سپاس‌گزاریم. جلد پنجم این مجموعه آیه‌های زندگی با عنوان برای بیداری به سامان رسیده بی شک...»

برسد به دست تو ای پادشاه جهان

مهدیه نظری / تصویرگر: میترا عبداللهی

انتشارات پیدایش / چاپ اول ۱۳۸۸

۴۸ صفحه / ۳۰۰۰ تومان



«برسد به دست تو ای پادشاه جهان» شامل چهل شعر کوتاه به هم پیوسته است که با عناوین نامه، نامه اول، نامه دوم، نامه سوم و... سروده شده‌اند.

مهدیه نظری نامه نوزدهم را چنین سروده است: کوهی / در پشت و پناهی / و جای خالی هر خسران / آسان می‌شود / با تو / شرمگین / از آخرین حادثه غمگینم / تا بمی / از مودی / که بلند نبود؟



آیناز محمدی

«گفتمان قرآن» عنوان کتابی به قلم خلود العموش است که به بررسی زبان‌شناختی پیوند متن و بافت قرآن می‌پردازد. این کتاب در این هفته با ترجمه دکتر سید حسین سیدی از سوی انتشارات سخن منتشر شده است. وی پیش از این نیز در حوزه مطالعات و پژوهش‌های علوم قرآنی «سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن» تالیف دکتر محمدکریم الکواری و «زیباشناسی واژگان قرآن» تالیف احمد یاسوف و «تحلیل زبان‌شناختی جزء سی ام قرآن» تالیف محمود احمد نحل را ترجمه و منتشر کرد. وی هم‌اکنون «ویژگی‌های بلاغی بیان قرآن» اثر عبدالعظیم ابراهیم محمد و «بررسی سبک‌شناختی همسانی‌ها و ناهمسانی‌های واژگان در قرآن» اثر دکتر فایز عارف علقریان و «بررسی سبک‌شناختی احتجاج در قرآن» اثر عبدالله صولت و «پژوهشی در باب اسباب نزول» اثر دکتر بسام الجمل و «بررسی جامعه‌شناختی ارتباط در قصه‌های قرآن» نوشته عبدالعزیز خواجه و «وحدت تاریخی سوره‌های قرآن» نوشته دکتر سمیع‌الزین را به فارسی برگردانده و اکنون توسط همین ناشر زیر چاپ دارد. سید حسین سیدی متولد ۱۳۴۱ ساری است و با مدرک دکترا در رشته ادبیات عرب، مدرس و عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد است و از وی بیش از ۲۵ عنوان کتاب در حوزه‌های مختلف ادبیات منتشر شده. «رویکرد زبان‌شناختی به نحو عربی» و «کارکرد سنت در شعر معاصر عرب» و «به باغ همسفران» به بررسی تطبیقی شعر و اندیشه جبران و سپهری، «مفهوم شعر» عناوین برخی از این آثارند.

در گفت‌وگو با دکتر سید حسین سیدی مطرح شد

علاقه نسل امروز به زیبایی شناسی قرآن

مخاطبان این آثار چه کسانی‌اند و شما هنگام ترجمه این آثار چه افشاری را به عنوان مخاطب در ذهن دارید؟

این آثار غالباً مورد توجه کسانی است که به پژوهش و مطالعات قرآنی علاقه ویژه‌ای دارند. دیگر جوانانی که در حوزه‌های علوم قرآنی و زبان‌شناسی و تحلیل متن تحصیل می‌کنند مخاطبان جدی این ترجمه‌هایی‌اند که منتشر کرده‌ام و می‌کنم. حتی علاقه‌مندان به متون ادبی هم به این آثار علاقه نشان می‌دهند چراکه می‌خواهند تحلیل‌های متعدد و از زوایای گوناگون یک متن استوار و زیبا را ببینند. قرآن به عنوان یک متن والا و زیبا در بین جوانان بخشی وسیعی از جهان مطرح است. من حتی بازخورد ترجمه و چاپ این آثار را در دوستان طلبه‌ام در حوزه‌های علمیه هم می‌بینم و مطلع می‌شوم که با چه شور و حرارتی با این آثار مواجه می‌شوند و با چه ولعی به مطالعه این کتاب‌ها می‌پردازند؟

در آثاری که در حوزه دانش قرآنی ترجمه و منتشر کرده‌اید به کدام یک بیشتر دلبستگی و علاقه دارید؟ واقعیت این است که من به کتاب «گفتمان قرآن» تالیف خلود العموش که در این هفته توسط انتشارات سخن منتشر شده، علاقه بیشتری دارم. دلیلش هم این است که مبحث جدیدی در این حوزه باز کرده است. این کتاب برای من از این نظر جالب است که یک پژوهشگر آمده در پانصد صفحه سوره بقره را تحلیل گفتمانی کرده است. غیر از این کتاب دیگری که در بین آثاری از این دست برایم جالب بوده است، بحث‌های زیبایی‌شناسی آیات قرآن است که احمد یاسوف در کتاب «زیباشناسی واژگان قرآن» به آن پرداخته است. این کتاب چندی قبل با ترجمه من از سوی انتشارات سخن منتشر شده است. جنبه‌های زیبایی‌شناسی و زیبایی‌شناسی مدرن برای من خیلی جالب بود. بنده به لطف حق و به سبب همین مطالعات و ترجمه‌ها، یک طرح پژوهشی را برای دفتر تبلیغات خراسان رضوی اجرا کردم که در چهارصد صفحه درباره زیباشناسی آیات قرآن نوشتم و قرار است چاپ شود.

کتاب «گفتمان قرآن» را که در این هفته منتشر کرده‌اید به چه مباحثی می‌پردازد؟ شما چه تعریفی از گفتمان دارید؟

گفتمان در نظریه‌های معاصر در رشته‌های مختلف هنر و علوم اجتماعی به صورت یکی از یچچیده‌ترین و بحث‌انگیزترین مقولات درآمده است و هنوز نظریه‌پردازان علوم اجتماعی و علوم انسانی نتوانسته‌اند برای ارائه تعریفی معقول و مشترک و تعیین چارچوب‌های دقیق و منطقی به توافق برسند. به نظر من گفتمان که همان اصطلاح discourse است در زبان فارسی و در حوزه فرهنگی ما به گفتار، سخن، وعظ و خطابه، درس و بحث و مقال نیز اطلاق می‌شود. تحلیل گفتمان در حقیقت تحلیل متن است، چه کتبی چه شفاهی، چون کلام بدون پیش‌زمینه‌ها و عوامل تاثیرگذار بافتی به وجود نمی‌آید، لذا تحلیل یک سخن در حقیقت، بررسی و تحلیل زمینه‌های بروز آن است. بنابراین، آنچه در تحلیل گفتمان تاثیرگذار است، توجه به عوامل برون‌متنی و درون‌متنی با هم است. گفتمان در اینجا هر متونیک نیست بلکه تحلیل ناگفته‌های متن است.



باید گفتمان عصر حاضر را درک کرد و دریافت. لذا برای نزدیک شدن به نسل امروز ابتدا باید زبان تفاهم با آنان را پیدا کرد. زبان اینها و حوزه مورد علاقه‌شان امروز، همان زبان‌شناسی جدید، معناشناختی متن، بررسی‌های جامعه‌شناختی و سبک‌شناختی است. بسیاری از استادان و اندیشمندان ما که در حوزه علوم قرآنی دست به تحقیق و پژوهش می‌زنند باید به این تئوری‌ها توجه کنند و از این زاویه به دانش‌های قرآنی بپردازند تا نسل جوان به مطالعه و تامل در این زمینه جذب شود. از بین همه آثاری که در حوزه علوم قرآنی نوشته شده، شما به ندرت با آثار عمیق و دلچسپی برمی‌خورید که بتواند یک متن قرآنی را به زیبایی تحلیل و تفسیر کند.

امروز در حوزه قرآن پژوهی با چه کمبودهایی مواجهیم؟

قرآن یک متن باشکوه در زبان عربی است، یک متن عمیقاً ادبی و زیبا و بسیار استوار است و تا آنجا که می‌توانیم باید این متن آسمانی را از منظر زیبایی‌شناسی بررسی کنیم و به حوزه‌های زبان‌شناسی، سبک‌شناسی متن و جامعه‌شناختی آیات قرآن توجه ویژه‌ای مبذول داریم. پژوهش‌های نوینی از این دست، جایش واقعا در فرهنگ ما خالی است و گرنه بزرگان دین و گذشتگان در زمینه معارف قرآن و جنبه‌های نقدسننی کار کردند و کتاب‌ها نوشتند که زحمات آنها را ارج می‌نهیم، اما نسل امروز هم باید به نوبه خود کاری در این زمینه انجام دهد و به وظیفه خود عمل کند. از جرجانی گرفته تا طبری، از طبری گرفته تا علامه طباطبایی همه در این زمینه کار کرده‌اند و می‌کنند. اما همچنان موسیقی واژگان قرآن، موسیقی آیات، ساختار هندسی متن، روایت‌پردازی قصه‌های قرآنی و مواردی از این دست، جایشان در پژوهش‌های قرآنی خالی‌اند. این حوزه‌ها امروز مورد توجه نسل جوان است.

احساس می‌کنم امروز هر چه در این حوزه‌ها کار بشود، باز جا دارد. علتش هم این است که متن قرآنی آن کشش را دارد. متن قرآنی دارای معانی بی‌پایانی است. هر عصری نیازهای خودش را از دل این متن می‌جوید و می‌یابد. یکی از مباحثی که جایش واقعا خالی است، بررسی‌های گفتمانی قرآن است.

می‌کنم که از منظری تازه به علوم دینی و پژوهش‌های قرآنی می‌پردازند.

اتفاقاً در زمینه مطالعات قرآنی آثار فراوانی در کتابخانه‌ها وجود دارند، اما آثاری که از زاویه تازه و از منظری متفاوت به مطالعات قرآنی بپردازند، فراوان نیستند. بنابراین در انتخاب آثار برای ترجمه خیلی دقت و تامل می‌کنم و به نیاز نسل امروز توجه خاصی دارم. لذا مجموعه آثاری که طی این مدت ترجمه کرده‌ام، در زمینه زبان‌شناسی، سبک‌شناختی و زیبایی‌شناختی متن قرآن است.

شما به مباحث و موضوعاتی می‌پردازید که در زمینه نظریه و نقد ادبی امروز مورد توجه مخاطبان و منتقدان و علاقه‌مندان ادبیات است. من فکر می‌کنم دانشمندی مانند عبدالسلام راغب، عبدالعزیز خواجه، دکتر فایز عارف علقریان و احمد یاسوف با همین تئوری‌ها و نظریه‌های جدید سراغ پژوهش‌های قرآنی می‌روند.

حقیقت این است که ما وقتی قرآن را به عنوان یک معجزه جاودان از جانب خداوند می‌دانیم و اعجاز‌های هم در مرتبه اول به متن و زیبایی‌ها و آن ساختارهای زبانی قرآن مربوط می‌شود، جاودانه بودن این اثر به این معناست که هر چه دانش بشری در حوزه‌های نقد و زبان‌شناسی پیشرفت می‌کند، آن متن استوار و جاودان آنقدر ظرفیت دارد که با هر نظریه جدیدی که کشف می‌شود، آن را بررسی کنیم. جاودانگی قرآن یک معنایش هم همین است. ماهر چه که زمان می‌گذرد و تئوری‌های جدیدی که در حوزه سبک‌شناختی، زبان‌شناختی، زیبایی‌شناختی و معناشناسی و... می‌خوانیم، می‌توانیم متن قرآن را از منظر این تئوری‌ها مورد مطالعه قرار دهیم.

چرا آثاری چون سبک‌شناسی قرآن، تحلیل‌های زبان‌شناختی، کارکرد تصویر هنری در قرآن توسط قرآن‌پژوهان ایرانی تالیف نمی‌شود. آیا ما کمتر به تئوری‌های نقد ادبی توجه داریم؟

احتمال قوی همین است که در ایران در زمینه قرآن پژوهی به مباحث و تئوری‌های جدید کمتر توجه داریم. به رغم این که در زمینه ترجمه قرآن، تفسیر قرآن و... پیشرفت‌های بسیار داشته‌ایم. الان هم اغلب به این نتیجه می‌رسیم که با تئوری‌های قدیم نمی‌شود، متن جاودان و سیالی چون قرآن را تفسیر و تحلیل کرد.

احساس می‌کنم، زبان جدیدی باید برای این نسل پیدا کرد تا علاقه‌مندی به پژوهش‌های قرآنی در میان نسل امروز رواج افزون‌تری پیدا کند.



قرآن یک متن باشکوه در زبان عربی و یک متن عمیقاً ادبی و زیبا و بسیار استوار است و تا آنجا که می‌توانیم باید این متن آسمانی را از منظر زیبایی‌شناسی بررسی کنیم

آقای سیدی! شما که در حوزه شعر و ادبیات و نشانه‌شناسی صاحب تالیف و ترجمه چندین عنوان کتاب بوده‌اید، چه شد که وارد حوزه واژه‌های قرآنی شدید؟

معمولاً در همه جای جهان مطالعات زبان‌شناسی با دو رویکرد صورت می‌گیرد. یک رویکرد مطالعه در حوزه زبان را به عنوان ابزار در نظر دارد، برای ورود و آشنایی با فرهنگ و متونی که به آن زبان نوشته شده است. زبان عربی برای ما مسلمانان به عنوان ابزاری است که از آن به منظوری والا تر بهره می‌گیریم و فی حد ذاته، زبان عربی برای ما آنقدر مهم نیست بلکه مهم برای ما آن متن مقدسی است که به این زبان به دست ما رسیده است. زبان عربی، به قول یکی از زبان‌شناسان فرانسوی ابزاری برای گشودن در گنجینه‌ای به نام قرآن است. در حقیقت هر کس که زبان عربی می‌آموزد برای این است که در مرحله بعد به درک و فهم بهتری از قرآن برسد و رمز و رازهای این متن بسیار زیبا و آسمانی را کشف کند. به همین جهت تا آن اندازه که من با زبان عربی آشنا شدم، احساس کردم رسالتی بر دوش ماست که این زبان را که تنها زبان دینی تمام مسلمانان جهان است و تبدیل به زبانی مقدس شده، به شکل ریشه‌ای و از ابعاد گوناگون بشناسیم چون ما در دنیا تنها متن مستندی که از جانب خداوند داریم به این زبان نازل شده است. ائمه معصومین (ع) هم پیام‌هایشان را به بشریت با این زبان ابلاغ کرده‌اند. ظرافت‌ها و زیبایی‌ها و ریزه‌کاری‌های این زبان را یاد می‌گیریم که بعداً با این ساز و کارها با تسلط بهتر و بیشتر وارد متن قرآن بشویم. انگیزه من این بوده که با مطالعه و شناخت این زبان، به خود این زبان تکیه نکنم. بلکه وارد دریای عمیقی مانند متن قرآن و متون اسلامی بشوم، به همین دلیل قرآن برای من یک متن زیبایی استوار و بسیار بسیار شگفت‌انگیز است در میان تمام متون عربی، برای من قرآن یک متن بسیار عزیز است که اگر حتی مسلمان هم نبودم قرآن برای من به همین اندازه زیبا و عزیز بود. این را بارها نزد دوستان بر زبان آورده‌ام.

آثاری که تاکنون در زمینه قرآن پژوهی ترجمه کرده‌اید و کتاب‌هایی که با عنوان کلی «دانش‌های قرآنی» ترجمه و توسط انتشارات سخن منتشر کرده‌اید، چگونه انتخاب شده‌اند؟ از کجا با این آثار آشنا شده‌اید، چه کسی این آثار را برای ترجمه به شما معرفی می‌کند؟

معمولاً یکی از دغدغه‌های اصلی من در اوقات فراغت جست‌وجو در کتابخانه‌ها و مطالعه است. مجموعه بسیار عظیمی که در آستان قدس رضوی، در کتابخانه دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه الهیات و دفتر تبلیغات سازمان اسلامی و... هست و منابعی که از طریق اینترنت پیدا می‌کنم، دست‌مرا در انتخاب کتاب برای ترجمه‌بازی گذارد. من خیلی سختگیرانه در میان همه این کتاب‌ها، کتابی را که احساس کنم ترجمه‌اش برای نسل امروز مفید و مناسب است. انتخاب می‌کنم. نسل امروز بیشتر علاقه‌مند است که از دیدگاه زبان‌شناسی، سبک‌شناختی و زیبایی‌شناختی متن با آیات و سوره‌های قرآن آشنا بشود. به همین خاطر آثاری را برای ترجمه انتخاب



رویکرد سینمای دفاع مقدس به ادبیات جنگ چگونه است؟

قصه ما را بنویس

برخی موارد این اقدام با سرقت های ادبی نیز همراه می شود!

نویسنده کتاب «قاعده بازی» افزود: «ادبیات و سینمای دفاع مقدس از جمله ژانر هایی هستند که خیلی زود می تواند وجه شعاری و تکراری به خود بگیرد و همین موضوع موجب بی اعتمادی مخاطبان به این آثار بشود.»

وی با اشاره به این که ادبیات ما ظرفیت فراوانی برای اقتباس های سینمایی درباره داستان های دفاع مقدس دارد گفت: «باید در این زمینه نوآوری شود و به فکر خلاقیت باشیم که همچنین به یاد داشته باشیم دوره ادبیات شعاری دهه شصت گذشته و مخاطب امروز نیازهای دیگری دارد که نویسندگان و همچنین سینماگران باید به خوبی به آنها توجه کنند.»

باید خاطرات را سینمایی کنیم

داوود غفرازادگان از نویسندگان حوزه دفاع مقدس، مشکل اصلی سینمای دفاع مقدس را قصه گویی می داند و معتقد است ضعف داستان پردازی در این آثار به خوبی مشخص است.

وی با اشاره به انتشار کتاب های خاطرات رزمندگان در چند سال اخیر و رونق دوباره آثار مکتوب ادبیات دفاع مقدس افزود: «اتفاق تازه ای که

سینمای دفاع مقدس پس از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، حوزه تازه ای را تجربه کرد که به ژانر سینمای اجتماعی بسیار نزدیک تر بود. سینمایی که به روایت داستان هایی می پرداخت که رخداد های دوران پس از جنگ و همچنین آثار عواقب جنگ بر زندگی مردم را به تصویر می کشید؛ مردمی که هشت سال دفاع را تجربه کرده بودند.

دهه هفتاد را باید نقطه آغاز ساخت این گونه آثار برشمرد و در این میان باید نام کارگردانی که دوران پس از جنگ را سرلوحه کار خود قرار دادند، چون ابراهیم حاتمی کیا و رسول ملاقلی پور را به خاطر آورد.

این روند در دهه هشتاد و در سال های ابتدایی این دهه نیز ادامه یافت، اما اصرار بیش از اندازه سازندگان این آثار بر روایت های تکراری در این زمینه، فیلم های جنگی و حوزه دفاع مقدس را رخ نما و کلیشه ای کرد. اما ادبیات این حوزه به کلی راه دیگری را پیمود و نشان داد که قصه گویی در حوزه دفاع مقدس و رویداد های پس از آن می تواند بستر مناسبی برای ارائه خلاقیت های داستانی در این عرصه باشد.

این گونه است که در چند سال اخیر موج بهره گیری از روایت های ادبی و داستانی دفاع مقدس در سینما نیز رونق یافت که نمونه موفق آن را باید در اقتباس کیومرث پوراحمد در فیلم «اتوبوس شب» که براساس داستانی به نام «اتوبوس» اثر حبیب احمد زاده ساخته شد جست و جو کرد. مازیار میری، دیگر کارگردانی بود که با بهره گیری از داستانی اثر احمد دهقان با عنوان «من قاتل پسران هستم» توانست فرصت مناسبی را برای روایتی سینمایی ایجاد کند و فیلم «پاداش سکوت» را نیز با همین رویکرد بر پرده سینماهای کشور آورد.

اما به راستی مشکل و معضل اصلی سینمای دفاع مقدس در داستان پردازی چیست؟ آیا ادبیات غنی این حوزه نمی تواند منبع درستی برای

روایت های جذاب و ناگفته برای خلق آثار ارزشمند باشد که به لحاظ محتوایی نیز بتوان آنها را به مخاطبان پیشنهاد کرد؟ این گزارش در پی پاسخگویی به این سوالات است.

ظرفیت نهفته و عظیم ادبیات

فیروز زونوزی جلالی به عنوان یکی از نویسندگان کشورمان، نگاهی متفاوت به این موضوع دارد و مشکل را از مطالعه ناکافی سینماگران می داند.

وی در این باره به کتاب هفته گفت: «سینمای ما به هر دلیل با ادبیات بیگانه است و برای این که بخواهید میزان این بیگانگی را بسنجید، کافی است از میزان مطالعه و آشنایی اهالی سینما با ادبیات آگاه شوید.»

زونوزی جلالی افزود: «رمان ها و داستان های خوب و ارزشمندی در حوزه دفاع مقدس داریم اما متأسفانه اغلب مورد کم لطفی سینما قرار گرفته است.»

وی مشکل را در تئوری سینمای مولف دانست و گفت: «مشکل، سینمای مولف است و این به کارگردانی برمی گردد که معتقدند به شکل قطعی باید فیلمنامه نویس فیلم نیز خودشان باشند و در



رویکردی تخصصی به سینمای دفاع مقدس می پردازد در این باره گفت: «در نگاه نخست و در یک تقسیم بندی کلی، پرداختن به مقوله دفاع مقدس در سینما و ادبیات از دو زاویه بوده است؛ نخست این که برخی از نویسندگان و سینماگران نگاهی تلخ به این مقوله داشته و بیشتر با نیم نگاهی به مفهوم جنگ، پایداری و مقاومت مردم ایران را نادیده گرفته اند. دیگر این که برخی از نویسندگان و سینماگران نیز با کار سفارشی و اسطوره سازی در این زمینه، آثار دیگری خلق کرده اند.»

وی ادامه داد: «این دو زاویه دید، هر دو نامناسب و ناکار آمد بوده اند، چرا که واقعی یا به تعبیری از رئالیسم دور بوده اند و به همین دلیل بسیاری از آثار تولید شده در این زمینه نتوانسته اند به یک جریان واحد و همدلی بینجامد.»

وی با اشاره به موفقیت فیلم «اتوبوس شب» گفت: «این فیلم که براساس داستان حبیب احمدزاده در حوزه دفاع مقدس ساخته شد، علاوه بر فروش داخلی در سینمای ایران، در بسیاری از فستیوال های خارجی هم شرکت کرد و مورد توجه قرار گرفت. شاید این فیلم را بتوان از آثاری دانست که توانسته با استفاده از یک اثر ادبی، جنگ را متصفانه به تصویر بکشد.»

به هر حال بحث اقتباس های ادبی در حوزه دفاع مقدس موضوعی است که طی چند سال اخیر هواداران زیادی پیدا کرده است. انتشار کتاب «دا» در این زمینه از جمله جنجال های سینمایی بود که به راه افتاد.

تهمینه میلانی، نخستین سینماگری بود که اعلام کرد قصد اقتباس از کتاب منتشر شده حوزه هنری را دارد. محمد رضا شرف الدین مدیرعامل انجمن سینمای دفاع مقدس نیز کاندیدای اصلی خود را

میلانی عنوان کرد که با واکنش حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی روبه رو شد.

سال گذشته نیز شنیده هایی مبنی بر ساخت یک اثر جنگی از سوی داریوش مهرجویی به گوش رسید؛ خبری که برای بسیاری از اهالی سینما جالب توجه بود. از سوی دیگر، کیومرث پوراحمد پس از اقتباس از داستان حبیب احمدزاده قصد دارد «شطرنج با ماشین قیامت» را نیز سینمایی کند؛ اتفاقاتی که می تواند نوید بخش روز هایی خوب و مطلوب برای سینمای جنگ ما باشد تا بیش از این مورد بی توجهی واقع نشود.

براساس گفته های این هنرمندان و نویسندگان می توان نتیجه گرفت که در این بین نه ادبیات قصور دارد و نه سینما مشکل داستان پردازی را از ناحیه خود می بیند بلکه معضل اصلی نادیده گرفتن ادبیات غنی و سوژه های بکری است که هشت سال دفاع مقدس به عنوان یک موضوع دراماتیک همراه خود دارد.

نکته دیگر و پایانی اینکه سینمای دفاع مقدس ما برای اینکه با بهره گیری از ادبیات، رمان های ارزشمند را تصویر کند، آیا نیازمند حمایتی گسترده تر نیست؟

گفت: «اگر قرار است سینما و هنرهای نمایشی ما به لحاظ محتوایی رشد کند، باید به ادبیات مراجعه کنیم. اگر به آثار ماندگار سینمای جنگی جهان نیز نگاه کنیم متوجه خواهیم شد که از پشتوانه غنی ادبی برخوردارند.»

این نویسنده و محقق افزود: «یکی از ضعف های سینما و هنرهای نمایشی ما ناتوانی در بخش محتوایی است و این در ادبیات ما نیز به چشم می خورد.» رئیس با اشاره به عدم توجه سازندگان سینمایی به حقوق مولفان ادبی آثار دفاع مقدس گفت: «از سوی دیگر ساخت فیلم های جنگی به لحاظ امکانات و مشکلات ساخت، اقتباس های این حوزه را دارای مشکلات مضاعفی می کند.»

وی افزود: «باید بررسی کنیم و ببینیم چند اثر در ادبیات دفاع مقدس داریم که قابلیت تصویری شدن را دارند، چون ممکن است بسیاری از رمان ها از نظر ادبی ارزشمند باشند، اما قابلیت سینمایی شدن را نداشته باشند.»



حبیبی: بسیاری از آثار نتوانسته اند به یک جریان واحد و همدلی بینجامند



شورجه: به ندرت از کتاب های رمان و خاطره جنگ تحمیلی اقتباس می شود



رئیس: یکی از ضعف های ما ناتوانی در بخش محتواست



زونوزی جلالی: به هر دلیل با ادبیات بیگانه است

رازی که سینما هم می داند

جمال شورجه در این باره به خبرنگار کتاب هفته گفت: «بهره گیری از ادبیات مکتوب در آثار نمایشی در سال های پس از انقلاب، مورد توجه قرار نگرفت و شاید یکی از علل عقب ماندگی سینمای ایران نیز همین باشد چرا که اکثر فیلم های شایسته و ماندگار تولید شده در کشورهای صاحب سبک در عرصه سینما، برگرفته از ادبیات مکتوبند.»

وی با اشاره به نبود همگرایی بین ادبیات و هنرهای نمایشی در کشور تصریح کرد: «ادبیات دفاع مقدس نیز دچار همین وضعیت است و به ندرت از کتاب های رمان و خاطره جنگ تحمیلی اقتباس می شود.»

نویسنده فیلمنامه «حماسه مجنون» افزود: «متأسفانه من هم به این کتاب ها برای اقتباس در فیلم هایم مراجعه نکرده ام. تاکنون حدود ۳۰۰ فیلم با موضوع دفاع مقدس ساخته شده که تنها تعداد انگشت شماری از آنها بر مبنای ادبیات داستانی این حوزه ساخته شده اند.»

تقصیر سینما نیست

عباس حبیبی از اعضای انجمن منتقدان و نویسندگان سینما و سردبیر ماهنامه «قفتوس» که با

در عرصه ادبیات دفاع مقدس روی داده، نگارش خاطرات رزمندگان است که به اعتقاد من می تواند منبع اصلی ساخت آثار سینمایی در ژانر جنگی باشد.» غفرازادگان تصریح کرد: «این خاطرات بسیار بکرند و چون از فیلتر ذهنی یک فرد عبور کرده اند، فرصت های تازه ای را در اختیار نویسندگان فیلمنامه و سازندگان آثار سینمایی قرار می دهند که البته تمامی اینها در کنار پرداخت قوی می توانند سینمای دفاع مقدس و جنگ را در روایت داستان های خلاقانه یاری کنند.»

گفته های این نویسنده نشان می دهد که گنجینه عظیمی در اختیار داستان پردازان سینمایی قرار گرفته است که متأسفانه بهره درست و مناسبی را از این فرصت های طلایی نبرده اند.

ضرورت حمایت از پدید آورندگان

رضا رئیسی، نویسنده و محقق، نگاه تازه ای به این موضوع دارد. او با وجود این که سینمای دفاع مقدس را تا اندازه ای خالی از داستان های جذاب می داند، نبود رمان های خوب به تعداد مناسب را هم نیز تایید می کند.

رئیس با اشاره به ادبیات به عنوان مادر هنرها

درباره کتاب «عام و خاص در اخلاق» نوشته سروش دباغ

گامی به سوی بومی کردن فلسفه اخلاق معاصر

در حوزه فلسفه، داد و ستد دائم با دیگرانی است که به زبان‌هایی دیگر می‌اندیشند. ترجمه متن‌های فلسفی از دیگر زبان‌ها به زبان فارسی و از آن مهم‌تر کلنجار رفتن با فلسفه‌های دیگران و کوشش در فهم، شرح و نقد آنها از این جمله است و این یعنی کوشش مداوم در اندیشیدن به زبان فارسی و فهم اندیشه‌های دیگران که به هرچه پررتر شدن این زبان در حوزه اندیشه و به ویژه فلسفه خواهد انجامید.

کتاب «عام و خاص در اخلاق» کوشیده است در این راه قدم بگذارد نه فقط به ترجمه متن‌های فلسفی دیگران، بلکه به پژوهشی درباره آنچه در نظر داشته است بپردازد. این امر فی‌نفسه و فارغ از کامیابی یا ناکامیابی اش، می‌تواند درخور توجه باشد.

اما امتیاز دیگری که می‌توان برای این کتاب در نظر گرفت موضوعی است که به آن پرداخته است. سروش دباغ در این کتاب از مباحثی در حوزه فلسفه اخلاق سخن گفته است و به تناسب تحصیلات و مطالعاتش باز هم چون چند اثر دیگرش، «درس‌گفتارهایی در فلسفه اخلاق»، «امر اخلاقی، امر متعالی» و بسیاری از مقالاتی که تاکنون نوشته است، مباحث فلسفه اخلاق در حوزه فلسفه تحلیلی را مورد توجه قرار داده است؛ امری که بی‌شک می‌تواند در فهم شرایط و مسائل مبتلا به جامعه امروز ما نقشی مهم داشته باشد.

نکته دیگری که یادآوری اش ضروری به نظر می‌رسد، روندی است که به انتشار این کتاب منتهی شده است. این کتاب برآمده از دل طرحی پژوهشی است که مولف به عنوان عضو هیات علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، آن را به سرانجام رسانده است. این امر سبب شده است که کتاب «عام و خاص در اخلاق» کمتر رنگ و بوی کتاب‌سازی داشته باشد. کتاب نظم و نسق کمابیش محکمی دارد و نوع پیشبرد مباحث، پانویس‌ها و منابع، نمایانگر ارزش این پژوهش است. هرچند در مواردی به نظر می‌رسد که این کتاب به دشواری مخاطبش را با خود همراه می‌کند. برای مثال خواندن صفحات ابتدایی کتاب به دلیل حجم بالای پانویس‌ها - که به دلیل قابل فهم‌تر شدن مطالب ذکر شده‌اند - معادل‌های به کاررفته، جملات بلند و گاه ثقیل، با کندی و مرور چند باره همراه است. اما پس از آن و قرار گرفتن در فضای کلی کتاب، می‌توان صفحات بعدی را راحت‌تر خواند.

از موارد دیگری که مولف این کتاب باید درباره آن توضیحاتی ارائه کند ادعایی است که وی در انتهای مقدمه مطرح کرده است. وی می‌گوید «عام و خاص در اخلاق» گام کوچکی است برای بومی کردن آموزه‌های فلسفه اخلاق معاصر که به نظر می‌رسد این «بومی کردن» نیازمند بحثی بیشتر است. در سراسر این کتاب جز برخی مثال‌ها که در آنها از نام‌هایی ایرانی هم استفاده شده است کمتر بحث انضمامی‌ای از زندگی روزمره ما ایرانی‌ها به میان آمده است. البته این امر به طور کلی و با توجه به اهمیت آن کوشش و کلنجاری که پیش از این در شناخت دیگران و فلسفه و اندیشه‌هایشان ذکر شد ایرادی ندارد اما به نظر می‌رسد مولف در یک جمله ادعایی را طرح کرده است و به سرعت از روی آن گذشته است که باید جوانب آن را بیش از اینها مورد بحث و بررسی قرار دهد.

چاپ اول کتاب «عام و خاص در اخلاق» در سال ۱۳۸۸، با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و قیمت ۲۸۰۰ تومان با کیفیت خوبی و در قطع پالتویی توسط انتشارات هرمس منتشر شده است.



مواردی دانسته می‌شود که هنوز هم، آنچنان که باید و شاید نیلیده است. در زبان آلمانی، هگل از مهم‌ترین فیلسوفانی دانسته می‌شود که ادبیات فلسفی به زبان آلمانی را پی‌ریزی کرده و به عبارتی می‌توان گفت فلسفه را به «زبان آلمانی» آموزانده است. چنین ادعایی شاید و البته متأسفانه، در زبان فارسی به دشواری می‌تواند مطرح شود. اگرچه بوده‌اند بزرگانی که کوشیده‌اند به زبان فارسی فکر کرده و فلسفه‌ورزی کنند و بنویسند (از آن جمله می‌توان از ابن سینا نام برد که «دانشنامه‌های» او به فارسی نوشته شده است) اما بزرگ‌ترین فیلسوفان ایرانی اسلامی ما عموماً با زبانی غیر از فارسی فلسفه‌ورزی کرده‌اند.

حالا دیگر شاید دشوار باشد که چشم به راه فیلسوفی در حد و اندازه‌های هگل در زبان فارسی بود یا ملاصدرا و ابن‌سینایی دیگر که به زبان فارسی، فلسفه را آموزش دهند. حالا دیگر فلسفه‌ورزان بسیاری هستند که دست در کار نوشتن و ترجمه دارند. زبان فارسی یا بهتر است بگوییم کاربران آن، آن‌گاه می‌توانند در فلسفه مشت‌پر داشته باشند و روی پای خود بایستند که گشودگی‌شان را به تمامی جهان‌های دیگر حفظ کنند. بخشی از این گشودگی

خاص‌گرایی اخلاقی نقش کمی برای اصول اخلاقی قائل است و خاص‌گرایان بر این باورند که می‌توان قضاوت‌های اخلاقی موجهی داشت بی‌آن‌که به اصول اخلاقی توسل جست. در مقابل عام‌گرایان به الگوپذیری و در قالب الگو درآمدن اصول اخلاقی اشاره می‌کنند. در واقع، مسأله اصلی درباره عام بودن و خاص بودن در حوزه استدلال و ارزی اخلاقی، معطوف به وجود یا عدم وجود الگوهای زبانی‌ای است که اجازه می‌دهد واژگان اخلاقی در قالب گزاره‌هایی عام صورت‌بندی و در سیاق‌های مختلف به کار بسته شوند. عام‌گرایی دروادی اخلاق قائل به وجود چنین الگوهای زبانی‌ای است. در مقابل خاص‌گرایی قائل به وجود چنین الگوهایی نیست.

کتاب از دو فصل عمده تشکیل شده است. فصل اول، رأی خاص‌گرایان را درباره نحوه رفتار دلایل اخلاقی در سیاق‌های مختلف و میزان الگوپذیر بودن آنها مورد بحث قرار می‌دهد. در این فصل ابتدا اقسام پنجگانه خاص‌گرایی از یکدیگر تفکیک شده‌اند. سپس، خاص‌گرایی معرفت‌شناسی و خاص‌گرایی وجودشناختی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. دباغ در این فصل پس از اقامه ادله‌ای در نقد موضع خاص‌گرایان، در نهایت به موضع عام‌گرایانه حداقلی یا معتدلی رسیده است که حلقه واسط فصل اول و دوم محسوب می‌شود. فصل دوم کتاب به «اخلاق در نظر اول» دیوید راس به عنوان نمونه و مصداقی از موضع عام‌گرایانه معتدل پرداخته و در ادامه دستگاه اخلاقی وی مورد بررسی قرار گرفته است. دباغ در این فصل می‌کوشد به مدد آموزه‌های وینگشتاین، مشکل وجودشناختی‌ای را که دستگاه اخلاقی راس با آن مواجه است رفع کند.

هر زبانی، اگر قرار باشد توان و تاب ایستادن بر پای خود و برآمدن از عهده مسائل گوناگونی را داشته باشد که عارض آن می‌شود و با کاربران این زبان در ارتباط است، باید پیش و بیش از هر چیز گشوده باشد؛ گشوده به تمامی جهان‌های ممکن که می‌توانند به غنای هرچه بیشتر این زبان مدد رسانند. برخی بر این باورند که زبان فارسی در بخش‌هایی از اندام خود، فربه‌تر از آنچه باید شده است و در بخش‌هایی دیگر بیش از حد نحیف و نزار است. در همین راستاست که فلسفیدن به زبان فارسی یکی از

فرض کنید برادر شما قرار است امشب ازدواج کند. همه چیز روبه راه است و برادران غرق در شادی. شما نیز مشغول سر و سامان دادن به اوضاع هستید تا همه چیز به خوبی پیش برود. گوشی موبایل برادران هم البته پیش شماست. در همین حین کسی با گوشی برادران تماس می‌گیرد و شما پاسخ می‌دهید. خیر تصادف دوست صمیمی برادران را که در راه آمدن به مراسم عروسی بوده به شما می‌دهند. وضعیت دوست برادران مساعد نیست و در بیمارستان بستری است. حالا شما مانده‌اید و خبری ناگوار که اگر برادران آن را بشنود احتمالاً شادی و شوری که بابت مراسم عروسی اش دارد به اندوه و ناراحتی می‌انجامد و چه بسا حتی به دلیل صمیمیت بسیار برادر شما با دوستش، وی مستقیماً برای ملاقات دوستش راهی بیمارستان شود. در نتیجه برگزاری مراسم ازدواج دچار مشکل می‌شود. اما اگر شما هیچ چیزی به برادران نگوید، یا حتی دروغ بگویید تا این مراسم به خوبی برگزار شود و برادران هم ناراحت نشود، آن‌گاه شما در واقع اصل اخلاقی «راست‌گویی و وظیفه است» را نقض کرده‌اید.

مثال‌هایی از این دست که در زندگی هرروزه ما هم بسیار پیش می‌آیند، می‌توانند ما را به مرور به اندیشیدن درباره مسائل اخلاقی در ساحت‌های گوناگون زندگی رهنمون کنند. چنین ربط و نسبت‌هایی که فلسفه اخلاق و شاخه‌های گوناگون آن با زندگی روزمره برقرار می‌کنند سبب شده است که توجه به این حوزه حتی بیش از دیگر شاخه‌های فلسفه باشد.

«عام و خاص در اخلاق» یکی از کتاب‌هایی است که به تازگی در حوزه فلسفه اخلاق تالیف و منتشر شده است. این کتاب حاصل طرحی پژوهشی است که توسط سروش دباغ در موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران انجام گرفته و چاپ اول آن توسط انتشارات هرمس روانه بازار نشر شده است.

دباغ در ابتدای مقدمه با استناد به یکی از تقسیم‌بندی‌های موجود، برای صورت‌بندی بحث در حوزه فلسفه اخلاق، فلسفه اخلاق را مشتمل بر سه شاخه «فرااخلاق»، «اخلاق هنجاری» و «اخلاق کاربردی» معرفی می‌کند. وی اما بی‌آن‌که بیشتر از این در مقدمه کتابش درباره این تقسیم‌بندی حرفی بزند، در پاراگراف بعدی از فرااخلاق به عنوان «انتزاعی‌ترین شاخه فلسفه اخلاق» نام می‌برد که خود شامل سه حوزه «دلالت‌شناسی اخلاق»، «وجودشناسی اخلاقی» و «معرفت‌شناسی اخلاقی» است.

یکی از پرسش‌های مهمی که در فرااخلاق به بحث گذاشته می‌شود، این است که آیا می‌توان برای رسیدن به داوری اخلاقی موجه در زندگی روزمره، از اصولی اخلاقی نام برد؟ یا آنقدر این اصول در سیاق‌ها و شرایط گوناگون نقض می‌شوند که دیگر نمی‌توان آنها را همچون اصولی عام در نظر گرفت؟ دباغ با این بحث کوتاه و مروری کوتاه‌تر درباره آن در سنت فلسفه قاره‌ای و تحلیلی می‌کوشد موضوع کتاب را برای مخاطبش روشن کند. در سنت فلسفه تحلیلی که سروش دباغ خود نیز دلبسته آن است، فیلسوفانی نظیر جان‌اتان دنسی، دیوید مک‌ناوتن و جان مک‌داول در دهه هشتاد میلادی با مطرح کردن مبحث خاص‌گرایی اخلاقی، از عدم وجود اصول اخلاقی یا عدم نیاز به آنها برای رسیدن به داوری اخلاقی موجه در سیاق‌های گوناگون سخن گفته‌اند. این کتاب می‌کوشد تا با چنین بستری، پیشینه بحث را در سنت اخلاق تحلیلی مورد بررسی قرار دهد.

تفکر فلسفی به زبان مادری

سروش دباغ: اگر سال‌ها نوشته شدن کتاب مبانی اخلاق جرج ادوارد مور (۱۹۰۳) را سرآغاز فلسفه اخلاق تحلیلی به حساب آوریم، اکنون که به قبل‌تر می‌نگریم، با سنتی حدوداً ۱۱۰ ساله در این باب مواجهیم. چند صباحی است که تقریر و شرح کارهای مهمی که در این سنت انجام شده در دستور کار فلسفه پژوهان این دیار قرار گرفته است. در این میان حجم ترجمه‌ها بیش از تالیفات بوده است. نگارنده این سطور به دلیل آشنایی با این سنت فلسفی، چند صباحی است که برای بومی‌سازی آموزه‌های این نحله فلسفی، به تدریس و نگارش مشغول است. کتاب عام و خاص در اخلاق محصول تاملاتی از این دست است. نزاع بر سر وجود یا عدم اصول اخلاقی از مباحثی است که عده زیادی از فلاسفه اخلاق را به خود مشغول کرده است. در سنت قاره‌ای، فیلسوفانی نظیر سارتر و لویاس با تأکید بر دغدغه‌های اگزیستانسیالیستی بشری و پیچیدگی تصمیم‌گیری‌های اخلاقی بر این نکته انگشت تأکید گذاشته‌اند که مشکل بتوان از وجود اصول اخلاقی، دفاع فلسفی کرد. در سنت تحلیلی نیز این بحث قدمتی حدوداً ۳۰ ساله دارد. در این کتاب کوشیده شده با نشان دادن سابقه بحث در سنت تحلیلی، با برشمردن شقوق مختلف بحث، ادله خاص‌گرایان که عموماً منکر وجود اصول اخلاقی‌اند، صورت‌بندی شود. در ادامه ادله ایشان از موضع عام‌گرایان به نقد و بررسی گذاشته شده است. در فصل دوم کتاب «اخلاق در نظر اول» دیوید راس به مثابه مصداقی از موضع عام‌گرایی معتدل بسط داده شده و مورد ارزیابی قرار گرفته است.

بر این باورم که برای صورت‌بندی مسائل فلسفی خویش در جهانی که می‌زییم، آشنایی با آموزه‌های فلسفی نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند. در این راستا نگارش فلسفی به زبان فارسی ما را مدد می‌رساند که از ذخایر این زبان برای فکر کردن به زبان مادری مدد بگیریم و رابطه اصیل‌تر و عمیق‌تری با مسائل فلسفی و صورت‌بندی آنها برقرار کنیم.



سجاد صاحبان زند

مدرنیته و مسائل متنج از آن، سال هاست که دنیای غرب را دچار مشکل کرده است. بازتاب این مشکلات را می توان در آثار بسیاری از فلاسفه معاصر دید، چنانچه بسیاری بر این اعتقادند که پیدایی فلسفه پست مدرنیسم، پاسخی است به این مشکلات. حتی در بسیاری از آثار هنری نیز این مهم بررسی شده است که فیلم «عصر جدید» چارلی چاپلین، از آثار متقدم آن در سینما به حساب می آید. رنه گنون، فیلسوف نامدار فرانسوی نیز کتاب هایی در این باره دارد که «بحران دنیای متجدد» یکی از آنهاست. این کتاب که در سال ۱۳۴۸ ترجمه شده، اخیراً با ترجمه حسن عزیزی بار دیگر وارد بازار نشر شده است. عزیزی در سال ۱۳۲۶ در شهر قزوین متولد شده و کارشناسی خود را در رشته فیزیک در سال ۱۳۴۹ از دانشگاه صنعتی شریف و دکترای فیزیک را در سال ۱۳۵۴ از دانشگاه بریستول انگلستان دریافت کرده است. وی از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۶ که بازنشسته شده، در گروه فیزیک دانشگاه شهید بهشتی مشغول به کار بوده است. عزیزی در زمینه فیزیک، کتاب «فیزیک نیم رساناها» (از انتشارات انجمن فیزیک ایران) و کتاب «آشنایی با فیزیک حالت جامد» (از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی و با همکاری آقای دکتر حسین عشقی) را ترجمه کرده است. او همچنین در تالیف کتب دوره دبیرستان و پیش دانشگاهی نظام جدید آموزشی، عضو هیأت مولفان بوده است. ترجمه «بحران دنیای متجدد» یکی از آخرین کارهای اوست.

در گفت و گو با مترجم کتاب «بحران دنیای متجدد» مطرح شد

بازگشت به سنت ها



زیادی سعی کرده اند مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فلسفی جامعه را بررسی و راه حلی برای این مشکلات ارائه کنند. ولی وجه مشترک آنها این است که اکثراً با ایده تجدد و پیشرفت موافقت و راه حل هایی که ارائه می کنند نیز از همین دیدگاه ناشی می شود و در نتیجه، جای تعجب نیست که این راه حل ها موثر نیستند. این امر نشان می دهد که باید به نحوی ریشه ای به بررسی این مشکلات پرداخت. رنه گنون نخستین فردی بود که ریشه مشکلات را در دیدگاه جدید دانست. برای او اشاعه اندیشه هایش بسیار دشوار بود، زیرا باید دیدگاهی را در جبهتی مخالف با تمام دیدگاه های رایج ارائه می کرد؛ دیدگاهی که به نحوی عمیق در جامعه ریشه دوانده بود و افراد جامعه از کودکی از طریق آموزش و از همه جوانب دیگر، در معرض آن قرار داشتند. انسانی که دغدغه حقیقت دارد و مکاتب جاری او را قانع نمی کند، می تواند از دیدگاه سنت گرایان نیز به مسائل نگاه کند و برای این امر لازم است که ایده های جدید، خصوصاً ایده پیشرفت را که آرمان و هدف تمام جوامع شده است، به دقت مورد نقد و بررسی قرار دهد و نیز با دید عمیق تری به مطالعه سنن، آن طور که توسط سنت گرایان تعریف می شود، پردازد و برای این امر کتاب «بحران دنیای متجدد» بسیار مفید است.

در مورد دشواری های ترجمه توضیح دهید. یکی از مشکلات ترجمه این کتاب و کتاب های مشابه، انتخاب معادل مناسب برای اصطلاحات بود. زیرا نویسندگان این گونه کتاب ها کلمات را بسیار دقیق به کار می برند که برخی از آنها در زبان های غربی جدید معنی خود را از دست داده اند و خود خواننده غربی نیز باید معنی اصلی این واژه ها را به زحمت درک کند زیرا در غیر این صورت، درک عمیق این گونه آثار میسر نخواهد بود. اشکالی که در زبان فارسی وجود دارد، این است که در بعضی موارد، مثلاً در انتخاب معادل مناسب برای reason و مشتقات آن rationalism، rationality، rational، در صورتی که معادل عقل جزئی برای این واژه انتخاب شود، ساختن تمام مشتقات مقدور نیست. به کار بردن معادل های مختلف برای آنها باعث می شود که ارتباطشان با یکدیگر و با واژه اصلی از بین برود. در این گونه موارد در ترجمه این کتاب گاهی واژه ها از زبان اصلی وام گرفته شده اند. این امر در کتب سنت گرایان معمول است و در مورد هر سنت، اصطلاحات مربوط به آن سنت به زبان سانسکریت، یونانی، عربی و ... مورد استفاده قرار می گیرند.

از آن چیزی است که در علوم تصور آن می رود. با توجه به این نکات، این سوال برای من مطرح بود که آیا علوم می توانند حقایق اساسی عالم را در اختیار قرار دهند؟ یا اینکه تناقض بین نتایج علوم تجربی و برخی مطالب کتب مقدس و نیز تناقض بین ادیان مختلف را چگونه می توان توضیح داد. پاسخ سوالات خود را با آشنایی با کتاب های رنه گنون و خصوصاً نوشته های فریتیهوف شوئون یافتیم و مشاهده کردم که در دیدگاه آنها می توان توضیحات عمیقی در مورد این مطالب یافت و همه چیز را در جای خود قرار داد.

آیا با آثار دیگر رنه گنون آشنایی دارید و تا چه حد معتقدید که باید برای ترجمه یک کتاب، سایر آثار یک نویسنده را مطالعه کرد؟

کتاب «بحران دنیای متجدد» و کتاب دیگر نویسنده با عنوان «سیطره کمیت و علائم آخر الزمان» (از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی) که با تفصیل بیشتری دیدگاه جدید را مورد نقد قرار می دهد و به بررسی نتایج آن می پردازد، نسبت به آثار دیگر نویسنده اولویت بیشتری دارند. رنه گنون معنی واقعی سمبولیسم را احیا کرده است و کتاب او با عنوان «سمبول های علم قدسی» به این موضوع پرداخته، که گویا در دست ترجمه است. دو کتاب مهم دیگر او «مقدمه ای عمومی بر مطالعه دکترین های هندو» و «انسان و صیرورتش از دیدگاه ودانته» است که در آن مولف به نحوی دقیق و اساسی به بررسی آیین هندو پرداخته است.

نقش فیلسوفانی چون رنه گنون در فلسفه های معاصر چیست؟

همانطور که قبلاً توضیح داده شد، فردگرایی باعث می شود که انسان در مرتبه فردی خود معیار حقیقت شود و سعی کند بدون تکیه بر اصلی متعالی، بر اساس اصولی دلخواهی به زندگی معنی بخشد و پدیده های مختلفی را که فرد یا جامعه با آن روبه روست، تبیین کند. این امر به مکاتب مختلف فلسفی منجر شده است که در تناقض با یکدیگرند. رنه گنون پیشگام مکتب سنت گرایان است که مشکلات فلسفی، اخلاقی و اجتماعی عصر حاضر را به نبود اصل اعلی در دیدگاه جدید نسبت می دهد و چاره را در بازگشت به سنت می بیند البته با رسوخ طرز فکر جدید به تمام ابعاد زندگی مردم، نباید انتظار داشت که این مکتب به طور گسترده مورد قبول واقع شود، ولی به هر حال حاوی مطالب هشدار دهنده ای است که اگر نتواند جهت رو به انهدام عالم را تغییر یا اینکه سرعت آن را کاهش دهد، حداقل می تواند بعضی افراد را از ریشه مشکلات حاضر آگاه کند و در نجات آنها از بحران های فکری و فلسفی موثر باشد. آرای فریتیهوف شوئون مکمل اندیشه های گنون بوده است و نوشته های عمیق او می تواند در حل بحرانی که انسان متجدد با آن رو به روست، بسیار موثر باشد.

مخاطبان کتاب «بحران دنیای متجدد» چه کسانی می توانند باشند؟ تمام کسانی که دغدغه حقیقت دارند. اندیشمندان

منتقل شده است. انسان می تواند از طریق شهود عقلانی نیز به این حقایق دست یابد. منظور از عقل در اینجا عنصری الهی در انسان است که مترادف با روح است و به کمک این جنبه الهی عقل است که می توان با عنایت الهی به شهود عقلانی حقایق و اصول متافیزیکی دست یافت. این عقل در انسان های معدودی که در این کتاب نخبگان عقلانی نامیده شده اند، به صورت بالفعل وجود دارد. این نخبگان در شناخت و توضیح حقایق و نیز در حفظ، تطبیق و انتقال سنت نقش بنیادین ایفا می کنند. عقل جزئی که انسان به کمک آن فکر و استدلال می کند انعکاس عقل در سطح نفس است و می تواند برای توضیح حقایق متعالی که از شهود عقلانی به دست آمده اند و نیز استخراج نتایج از اصول، مورد استفاده قرار گیرد. این مفهوم عقل و عقل جزئی برای قدامت شناخته شده بود، ولی بعد از رنسانس ارزش اساسی آن در شناخت نادیده گرفته و سپس فراموش شد. در تمدن های سنتی، علوم، هنرها، پیشه ها و همه چیز دیگر بر مبنای سنت و در نتیجه بر مبنای اصل الهی قرار دارند.

چرا در این کتاب فردگرایی امری منفی در نظر گرفته شده است، در صورتی که گاهی در برخی کشورها که ایران را نیز می توان از آن جمله برشمرد، جنبه های مثبتی را به آن نسبت می دهند؟

در دیدگاه گنون، فردگرایی ناشی از انکار حقایق متافیزیکی و شهود عقلانی است که در نتیجه آن عقل جزئی فردی بالاترین قوه شناخت در انسان است و این امر باعث می شود که او در مرتبه فردی، خود معیار همه چیز شود و سعی کند بر اساس عقل جزئی و بدون تکیه کردن بر هیچ اصل بالاتری، به زندگی خود معنا ببخشد.

نحوه آشنایی شما با رنه گنون چگونه بوده است؟ علم فیزیک توانسته در قرن های اخیر سازوکار بسیاری از پدیده ها را در مقیاس بزرگ توجیه کند، ولی در مقیاس بسیار کوچک، با اینکه هنوز هم می تواند رفتار ذرات را تا حدود زیادی توضیح دهد، کاربردهای تکنولوژیکی بسیار زیادی از نتایج فیزیک جدید به دست آمده است، رفتار این ذرات با آنچه در مقیاس بزرگ انتظار داریم قابل درک نیست و تمام تلاش ها برای فهم این رفتار بی نتیجه مانده است و به نظر می رسد که رفتار طبیعت بسیار پیچیده تر

یکی از مشکلات ترجمه این کتاب انتخاب معادل مناسب برای اصطلاحات بود. زیرا نویسندگان کلمات را بسیار دقیق به کار می برد که برخی از آنها در زبان های غربی جدید معنی خود را از دست داده اند

حدود ۸۰ سال است که از انتشار کتاب «بحران دنیای متجدد» می گذرد. چرا فکر می کنید این کتاب می تواند مفید باشد و اقدام به ترجمه آن کردید؟

بحران هنگامی شروع شد که نقش مرکزی خداوند به تدریج کاهش یافت و در نهایت بالاترین قوه شناخت انسان به عقل جزئی و عالم، فقط به عالم مادی تقلیل یافت. مطالعه خود دنیا، جدای از اصل آن، مورد توجه قرار گرفت و چون نتایجی که از این رویکرد به دست می آمدند نتواند در شناخت حقایق اساسی عالم نقش قابل توجهی داشته باشد، کاربردهای صنعتی آنها اهمیت زیادی پیدا کرد، به طوری که خود این کاربردها جهت دهنده مطالعات و پژوهش های بعدی شدند. این روند آنقدر ادامه یافته است که علاوه بر مشکلات اخلاقی و فلسفی حاصل از این رویکرد، عواقب زیانباری چون بحران محیط زیست، کاهش منابع انرژی و ... به وجود آمده که بشر را در مسیر سقوطی بدون بازگشت قرار داده است. در زمان تالیف کتاب، شرق تا حدود زیادی سنتی باقی مانده بود ولی اکنون تجدد در همه جا رسوخ پیدا کرده و ایده پیشرفت مادی، اصلی اساسی و بت جدید انسان ها شده است. البته، این روند در تمام سنن پیش بینی شده است و گنون در این کتاب بر اساس دکترین ادوار در آیین هندو، خاطر نشان می سازد که ما اکنون در مراحل انتهایی یک دور به سر می بریم. بحرانی که گنون به آن اشاره کرده، اساسی و ریشه ای است، نه بحرانی سطحی که با گذشت زمان تغییر کند و امروزه این بحران بیش از هر زمان دیگری احساس می شود و در نتیجه لازم است این کتاب در دسترس مردم قرار گیرد. در غرب نیز این کتاب چندین بار به چاپ رسیده و چاپ چهارم آن که این ترجمه از روی آن انجام شده، در سال ۲۰۰۱ به انتشار رسیده است.

مسائلی که در کتاب مطرح می شود، دغدغه غرب و نیز دغدغه کشور ما در مورد بحران های اخلاقی و فلسفی است. این امر چه تاثیری بر تصمیم شما برای ترجمه کتاب داشته است؟

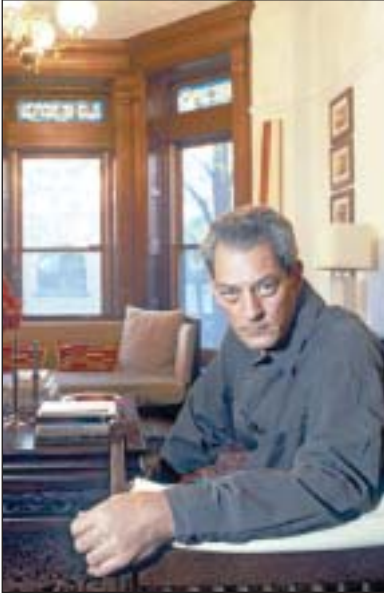
مشکل اساسی که انسان های جویای حقیقت با آن روبه روهستند، بحران هویت است که از فردگرایی حاصل می شود. در تمدن های سنتی هویت فرد را سنت تعیین می کند. او عبد و در عین حال خلیفه است. در اسلام، این امر با آیه های «و ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» و «اتَى جَاعِلِ فِي الْأَرْضِ خَلِيقَهُ» بیان می شود. ولی فردگرایی باعث می شود که انسان هویت خود را بدون اتکا به هیچ اصل متعالی تعیین کند و به زندگی خود معنا بخشد یا اینکه برای این امر به مکاتب فلسفی جدی پناه ببرد که آنها نیز خود با چنین بحرانی مواجهند. در نتیجه، به نظر می رسد که این کتاب می تواند در حل بحران های اخلاقی و فلسفی مفید باشد.

پیام اصلی کتاب «بحران دنیای متجدد» چیست؟ بازگشت به سنت؛ منظور از سنت، حقایق اساسی در مورد عالم الهی و مراتب پایین تر است که از طریق وحی در اختیار انسان ها قرار گرفته و در طول زمان



قصه نویسی، بزرگ ترین سفر زندگی ام بود

از بکت تا بروکلین؛ با پل استر



وقتی نمی توانستم بخوابم، در ذهنم در دوبلین راه رفته ام.»

او به خاطر می آورد که در یکی از خیابان های ایستاده و سوار اتوبوسی برای مرکز شهر می شود، «از برابر بیمارستان دردهای ناعلاج می گذرد». با صحبت درباره بیماری های ناعلاج، پاسخ های بکت به خاطر استر می آید: «گفت که دیگر نمی توانست در دوبلین زندگی کند، این غیر ممکن شده بود، چون همه آدم های شهر، این طرف و آن طرف در گوشه و کنار نشسته بودند و داشتند چیزی می نوشیدند و حرف می زدند و وقت تلف می کردند.»

استر هم مثل قهرمانش، هیچ وقت طرفدار وقت هدر دادن نبود. در اواسط دهه سوم زندگی اش او یک خروار شعر سروده و ترجمه کرده و مقاله نوشته بود. چندین نمایشنامه هم در میان کارهایش بود و دو رمان در دست نوشتن داشت. برای درآوردن هزینه این کارها و زندگی در پاریس، او پس از ساعت های دانشگاه، برای دفتر آمارگیری آمریکا کار کرده بود - شغلی که این شانس را به او داد که کاملاً از زاویه ادبی به بررسی مردم بپردازد - و روی یک تانکر بنزین کار کرده بود تا راهش را در اطراف خلیج مکزیک بسابد و بروید. او وقتی در دانشگاه بود، برای شرکت در تظاهرات ضد جنگ و بنام در سال ۱۹۶۸ در دانشگاه کلمبیا دستگیر شد: «با پوتین هایشان لگد زدند، مرا از موهای سرم کشیدند و داخل زندان انداختند.» در سال ۱۹۷۴ او با همسر اولش لیدی دیویس ازدواج کرد و در سال ۱۹۷۷ پدر شد. دانیل پسری است که «جسم کوچک شیرین و وحشی اش» حتی وقتی در سبب نوزاد مشغول استراحت است، تصویر پر قدرت نیمه اول خاطرات ۱۹۸۲ استر با عنوان «نوآوری اثر» را برایش امکان پذیر می کرد.

این کتاب نخستین دست اندازی استر به عالم نثر بود، مکاشفه ای درنده و غریزی در احساس پدری، که از زاویه دید پدر و پسر؛ هر دو نوشته شده است. از یک نظر آغاز زندگی او به عنوان یک نویسنده بود، با وجود همه واژه ها، قطعه ها و مصراع هایی که در یک دهه و نیم پیش از آن نوشته بود. خودش می گوید: «وقتی در دهه سوم زندگی ام بودم، نمی دانستم باید چگونه بنویسم که به خوبی به همه هدف های بلندپروازانه ای که برای خودم در نظر گرفته بودم، دست یابم» و می افزاید: «من فقط مهارت نداشتم. بنابراین بسیار احساس سرخوردگی می کردم و به نوشتن شعر، ترجمه و مقاله هایی درباره شعر و داستان پرداختم. اما با رفتن به سوی پایان سال ۱۹۷۸ داشتم یک دوره سخت را پشت سر می گذاشتم. ازدواجم شکست خورده بود، یک بچه کوچک در این میان وجود داشت، پول نداشتم و داشتم خودم را به آب و آتش می زدم، به آب و آتش می زدم تا پول به دست بیاورم.»

دوره سختی بود و استر شاید هیچ حوصله نداشت تا در کلاس های درس حرکات موزون مدرن در مدرسه ژیمناستیک مانهاتان حاضر شود، اما این

منجر شد به متلک پراندن درباره عادت های بد و ناپسند و سرانجام نویسنده جوان اندکی احساس آرامش کرد. آنها مدتی به صحبت پرداختند درباره خیلی چیزها؛ نظیر جان بریمن شاعر که همان اواخر به زندگی خودش خاتمه داده بود؛ جان میچل نقاش که استر را تشویق به نوشتن درباره بکت کرده بود و در همان جلسه اول هم درخواست نشست کرده بود؛ و بعد هم سخن از ترجمه به میان کشیده شده بود.

اگرچه استر از آثار بکت و شیوه نوشتن او که آنها را وقتی نوجوان بود کشف کرده و بلعیده بود می ترسید، اما چیز زیادی از بکت در این باره نپرسید. با این حال اظهار نظرهایی «جوانانه و پرشور» درباره ترجمه رمان سال ۱۹۴۶ بکت با عنوان «مرسیه و کامیه» کرده بود (این رمان به زبان فرانسوی نوشته و در سال ۱۹۷۴ برای نخستین بار به انگلیسی ترجمه شده بود و برای خشنودی او می توانست چیزهایی هم درباره کریکت مطرح کند؛ البته اگر بکت می خواست، اما او با خنده گفته بود: «اطلاعات من از کریکت خیلی خوب نیست!» و استر جوان جواب داده بود: «راستش می خواتسم موضوعی برای حرف زدن پیدا کنم» و بعد بکت به دادش رسیده بود و آنها درباره دوبلین صحبت کرده بودند که استر به عنوان جوان ۱۸ ساله ای که دیوانه جویس بود، آنجا را دیده بود. بعد هم درباره نیویورک حرف زدند که بکت تنها یک بار در سال ۱۹۶۴ هنگام فیلمبرداری فیلم «باستر کیتون» آنجا بود و در بازدید از نمایشگاه بین المللی «کوینز» همراه ناشرش «بارنی روزت» در آنجا گم شده بود! استر می گوید: «و من عاشق این فکر شدم: روزی بکت را به تماشای تیم بیسبال «متر» می برد و بکت در میان دو بازی کاملاً تغییر ماهیت می دهد و می گوید این یک بازی شگفت انگیز است و اگر من اینجا زندگی می کنم تنها دلیلش این است که می خواهم کاملاً با آن آشنا بشوم.»

با وجود چشم انداز یک گفت و گوی معذب کننده درباره کریکت یا هر چیز دیگر؛ او و بکت به اجمال از کنار آن می گذرند. چون چیزهای مشترک بسیاری برای گفت و گو داشتند. استر نیازی به عجله کردن ندارد، پس به نامه هایشان در خلال سال هایی که گذشته می پردازد، اما بدون شباهت بسیاری که ارتباطشان با «سم» را شاعرانه بسط می دهند. استر به صورت خوشایندی درباره رابطه ای که او و بکت داشتند، واقع گراست.

او می گوید: «در مجموع ما با هم دوست نبودیم، منظورم این است که نمی شود این رابطه را دوستی نامید، حتی به سختی می توانست یک آشنایی استر هم مثل قهرمانش، هیچ وقت طرفدار وقت هدر دادن نبود. در اواسط دهه سوم زندگی اش، او یک خروار شعر سروده و ترجمه کرده و چندین نمایشنامه هم در میان کارهایش بود و دو رمان در دست نوشتن داشت.

با وجود چشم انداز یک گفت و گوی معذب کننده درباره کریکت یا هر چیز دیگر؛ او و بکت به اجمال از کنار آن می گذرند. چون چیزهای مشترک بسیاری برای گفت و گو داشتند. استر نیازی به عجله کردن ندارد، پس به نامه هایشان در خلال سال هایی که گذشته می پردازد، اما بدون شباهت بسیاری که ارتباطشان با «سم» را شاعرانه بسط می دهند. استر به صورت خوشایندی درباره رابطه ای که او و بکت داشتند، واقع گراست.

او می گوید: «در مجموع ما با هم دوست نبودیم، منظورم این است که نمی شود این رابطه را دوستی نامید، حتی به سختی می توانست یک آشنایی استر هم مثل قهرمانش، هیچ وقت طرفدار وقت هدر دادن نبود. در اواسط دهه سوم زندگی اش، او یک خروار شعر سروده و ترجمه کرده و چندین نمایشنامه هم در میان کارهایش بود و دو رمان در دست نوشتن داشت.

او می گوید: «در مجموع ما با هم دوست نبودیم، منظورم این است که نمی شود این رابطه را دوستی نامید، حتی به سختی می توانست یک آشنایی استر هم مثل قهرمانش، هیچ وقت طرفدار وقت هدر دادن نبود. در اواسط دهه سوم زندگی اش، او یک خروار شعر سروده و ترجمه کرده و چندین نمایشنامه هم در میان کارهایش بود و دو رمان در دست نوشتن داشت.

او می گوید: «در مجموع ما با هم دوست نبودیم، منظورم این است که نمی شود این رابطه را دوستی نامید، حتی به سختی می توانست یک آشنایی استر هم مثل قهرمانش، هیچ وقت طرفدار وقت هدر دادن نبود. در اواسط دهه سوم زندگی اش، او یک خروار شعر سروده و ترجمه کرده و چندین نمایشنامه هم در میان کارهایش بود و دو رمان در دست نوشتن داشت.

«آقای استر، همه چیز را درباره خودتان بگویید.» این تنها راه شروع یک گفت و گو است، اما اگر شما «ساموئل بکت» باشید، احتمالاً از زیر بار هر نوع گفت و گویی با هر نوع شروعی، شانه خالی می کنید و اصلاً ضرورتی پیش نمی آید که بخواید به او تعارف کنید که می تواند روی میز خم شود و از آن طرف از آشنای تازه اش یک سیگار بگیرد. گرچه اگر بکت باشید، احتمالاً آنقدر مودب هستید که اول سوال کنید و بعد سیگار بردارید و هرگز هم به فکر کسی خطور نمی کند که ممکن باشد پاکت سیگار در جیبتان باشد - هر چند که شما سیگارهای کوچک و باریک را بر دیگر سیگارها ترجیح بدهید - که روی میز و در برابر شما قرار دارند، در هر حال پک های دزدکی شیرین ترند.

۳۵ سال پس از نخستین دیدار با ساموئل بکت در کافه ای در پاریس، پل استر بخشی از راهی را که او رفته، پیموده است. روایت رمان به وسیله مردی و سواسی که روی خطرهای خاطره و در میان دریچه زبان سکندری می خورد، بله، تک گویی هایی که مغاک خود آگاهی در برابر خود است. حتی در دیداری خوشایند، استر؛ با آن چشمان تیره که از ۳۰ سال پیش تاکنون روی کتاب هایش خیره بوده در اینجا حداقل تا حدودی آن ظاهر شاهین مانند بکت را یادآوری می کند؛ در ۶۲ سالگی با موهای قهوه ای و پیشانی بلند، تقریباً شبیه کلوز آپ به نظر می رسد که «جان مینیهان» عکاس ایرلندی در سال ۱۹۸۵ در کافه ای در پاریس از بکت گرفته، و تازه آنجا هم سیگارهای باریک روی میز وجود دارند. وقتی استر در خانه اش در بروکلین را باز می کند؛ ساختمان سنگی قهوه ای زیبایی که در همسایگی پارک اسلپ قرار دارد و او و همسر نویسنده اش «سیری هاست و» از دهه ۸۰ در آنجا زندگی می کنند، هوای درون پر از بوی سیگار است.

این هفته، استر و هاست و قرار است دو نفری به دوبلین سفر کنند تا در افتتاحیه «امانتینز» (فستیوال کتاب دان لوگیر) شرکت کنند. جمعه بعد از ظهر، هر یک از آنها بخشی از رمان جدیدش را روخوانی می کنند. این اثر شانزدهمین اثر استر با نام «سان ست پارک» است که او تازه پیش نویس طولانی آن را تمام کرده و «تابستان بدون مردان» هم پنجمین اثر سیری هاست و است. اما عصر پنجشنبه، در یکی از رویدادهای اصلی فستیوال، آنچه را «آدرس بکت» نامیده، ایراد می کند؛ یک سخنرانی است درباره بکتی که او می شناخت و بکتی که هنوز هم قدرت فوق العاده اش را او به عنوان یک نویسنده و خواننده حس می کند. استر می گوید «باید خیلی دلپذیر باشد که خاطرات نخستین دیدار در سال ۱۹۷۴ را بیرون بکشی و مکاتباتی را که جریان داشت دنبال کنی» (که شامل یک نامه از بکت هم می شود که تمام آن شامل این چند کلمه است: «آقای استر عزیز، با آن حکاکی کشنده موافقم، ارادتمند، سم بکت»). اما استر هنوز هم آنچه را در خاطره اش از اولین پاسخ هایش در کافه پاریس دارد، در خودش جمع می کند - اولین نشانی از بکت او، در آن گفت و گو. «او گفت همه چیز را درباره خودت به من بگو و من چیزی نداشتم که درباره اش حرف بزنم. هیچ چیز برای این که به او بگویم. بنابراین کمی دچار لکنت زبان شدم و تیپ زدم و احساس کردم درون یک چاله فرو می روم.»

اما بعد بکت یک سیگار از روی میز کش رفت که

این طورند: «نمی توان درباره چرا حرف زد» او این را می گوید، می خندد و یک سیگار باریک برمی دارد و اضافه می کند: «فقط می توان درباره «چه» حرف زد. ممکن است بتوانی درباره «چگونه» صحبت کنی، آن هم اگر خوش شانس باشی، اما «چرا» یک چیز اسرار آمیز بزرگ است و من جوابی برای آن ندارم.»

«نمی دانم این افکار کجا متولد می شوند. داری در خیابان راه می روی و مشغول فکر کردن به خواروباری هستی که می خواهی بخری که ناگهان، یک موضوع در ذهنت ایجاد می شود و می بینی داری به یک داستان جدید که می خواهی بگویی، فکر می کنی. این چیزها از کجا می آیند؟ نمی دانم. واقعا نمی دانم.»

اما آیا او از این که این پاسخ را نمی داند، خشنود است؟ «فکر می کنم بزرگ ترین سفر زندگی ام، نوشتن قصه بوده» با لبخند این سخن را بر زبان می آورد: «وقتی جوان بودم، فکر می کردم مجبور به دانستن همه چیز به طور کامل هستم. فکر می کردم هر واژه ای را باید بدانم حتی آنهایی را که ممکن بود ۱۷ تا معنی متفاوت داشته باشند، خوب، آدم با چیزهایی مثل اینها دچار وحشت می شود. البته این روند تدریجی رهایی بود. برگردیم به بکت، او چیزی بسیار جالبی درباره تفاوت بین خودش و جویس گفت. او گفت جویس هر چه بیشتر می دانست، بیشتر هم می توانست. بکت گفت اما من هر چه بیشتر بدانم، کمتر می توانم. اما در مورد من (استر)، احساس می کنم یک چیز دیگر صدق می کند: هر چه کمتر بدانم، بیشتر می توانم.»

استر در ۱۰ سپتامبر (۲۰ شهریور)، در سخنرانی خود با عنوان «آدرس بکت» در افتتاحیه جشنواره کتاب از این چهره مشهور قرن بیستم سخن گفت. او به اتفاق همسرش فردای آن روز در پاولیون تئاتر به روخوانی آخرین آثارشان که به زودی منتشر می شوند، پرداختند.

منبع: آیریش تایمز

یادداشت، از یک نویسنده، یا یک خواننده؛ رمان در راه تبدیل شدن به رمان یا شاید در تلاش به تبدیل شدن به چنین چیزی شکل می گرفت. درحالی که قهرمان او شجاعانه می داند به چگونه جهانی خواهد رسید؛ تهدیدآمیز، سوررئال، فرار بی وقفه و قانونمند به نیروی شانس و تصادف که به گفته استر، او به اینها به طور عمیقی باور دارد.

او می گوید: «احساس نمی کنید واقعیت بی شمار، چرخ های بازی پینت بال است و هر چیز که در حال جهیدن است، آرام می شود و هر چیز دیگری می تواند در همان زمان وارد بازی شود؟» او می افزاید: «هیچ چیز منزوی نیست». این امر البته برای برگرداندن شدن به داستان باید متفاوت باشد. آیا تمام آن دنیاها موجود و متناقض از درون او به روی کاغذ منتقل می شوند؟ او به تایید سرش را تکان می دهد. «اگر سخت نباشد، نمی تواند جذاب باشد» و می افزاید: «ماجرای به نوعی همان سخت بودن است. احساس نمی کنم که کاملا در حال کنترل این باشم که دارم چه کار می کنم، و هرچه زمان جلوتر می رود کمتر و کمتر چنین کنترلی را دارم. نمی دانم این قصه ها از کجا می آیند. هیچ ایده ای برای این کار ندارم». این را قطعانه می گوید، با این که تقریباً این را هم باور دارد که برخی به صداقت این حرف اعتراض دارند. «این قصه ها فقط از آنچه در درون من پنهان شده فوران می کنند، و اگر این جالب باشد، طبیعتاً من به آن ادامه می دهم.»

می گوید یک سوال که درباره نوشتنش برای آن پاسخی ندارد، «چرا است! چرا او درباره نوشتن می نویسد؟ چرا او شخصیت هایش را در میان اتاق های خالی رها می کند، چرا آنها را در جهان های سرگردان کننده، رها می کند؟ چرا در رمان جدیدش (حداقل برای یک بار) و برای نخستین بار در طی سال های اخیر، به جای این که سراغ یک مرد سالخورده برود، از زوایه دیدیک مرد جوان می نویسد، مردی که هنوز با زندگی و شانس و تصادف تغییر نکرده، همان طور که معمولاً راوی های استر اغلب

عمق بیشتر!

بعد پسر کوچولویی وجود داشت که استر را «پدر» می نامید، کسی که جوهره خاطره و زبان را به شیوه ای بسیار پیچیده تر ترجمه می کرد. قصه گویی از یک حس تازه از دنیایی بسیار بهت آورتر و پیچیده تر ترجمه می کرد. قصه گویی از یک حس تازه از دنیایی بسیار بهت آورتر و پیچیده تر از آنچه پیش از این می توانست تصور شود، فوران کرد؛ دنیایی از رازها، از خوش اقبالی ها، از چیزهای عجیب که زمانی در پشت زبان پنهان شده بود و هنوز با همه رازها در آمیخته بود. سرچشمه جدیدی داشت تلنگر می زد و بیرون می تراوید و دیگر یک نویسنده به وجود آمده بود و او آن را چنین توصیف می کند: «دیگر راه بازگشت نبود.»

رمان هایی که امروز به نام «سه گانه نیویورک» شناخته می شود، پشت سر هم و با عنوان «شهر شیشه ای» در سال ۱۹۸۵، «ارواح» در سال ۱۹۸۶ و «اتاق در بسته» در سال ۱۹۸۶ منتشر شدند.

بعد تقریباً هر سال یک کتاب از راه رسید، همان طور که فیلمنامه هایی هم در این میان وجود داشت که آخرین آنها «زندگی درونی مارتین فراس» در سال ۲۰۰۷ است. «نامرئی» که از سوی انتشارات «فایر» در ماه نوامبر منتشر شد، پانزدهمین رمان استر است و به نحو چشمگیری به دوره ای که او به عنوان یک نویسنده جوان در نیویورک و پاریس می نوشت، می پردازد. استر خودش در یکی از نخستین رمان هایش از زاویه نگاه کارآگاه آماتور قهرمان داستانش حضور می یابد، همان طور که همسر جدیدش سیری هاست و ت و پسرش دانیل. این امر به یک مجاز مرکزی در نوشتن استر بدل شد، این تصویر مجازی، این امواج در هم تنیده لایه های داستانی و واقعیت، تا زمان تمایز بین این دو نه فقط نامعلوم که بی ربط هم هست.

از آغاز - از نخستین خطوط «نوآوری انزوا» - در حقیقت حضور ادبی خود نوشتن در نوشتن استر وجود داشت، از یک کاغذ سفید تا یک دفترچه

دقیقا همان کاری بود که او در ژانویه ۱۹۷۹ وقتی دوست نقاشش دیوید رید از او دعوت کرد تا بیاید و تمرین دوستش را که طراح حرکات ژیمناستیک بود ببیند، انجام داد. این حرکات آن طور که استر می گوید «به طرز استادانه ای زیبا» بود، اما وقتی طراح این حرکات شروع به صحبت کرد تا سعی کند به شیوه ای رسا بیان کند که دقیقا چه کاری انجام داده است او نشست تا واقعا به این مساله توجه کند. او می گوید: «نارسایی واژه های او درباره حسی که من شاهد اجرایش بودم، چیزی را در وجود من گشود» و ادامه می دهد: «نمی دانم چی، اما یک نوع لذت بردن، یک شکاف عمیق بین واژه ها و جهان، این دقیقا چیزی بود که در برابر چشمان من قرار گرفت. و من به خانه رفتم و شروع به نوشتن کردم، متنی بود درباره حرکت و حرکات هدفمند که در هیچ ژانری نمی شود تعریفش کرد. احساس می کردم آزاد شده ام. احساس می کردم در مسیر جدیدی قرار گرفته ام.» ساعت ۷ صبح فردا، تلغن زنگ زد و چنان که استر می گوید «هیچ کسی ساعت ۷ صبح زنگ نمی زد، مگر این که خیر بدی وجود داشته باشد!» پدرش شب پیش بر اثر حمله قلبی در گذشته بود. استر پشت میز نشست و نوشت و نوشت. می گوید «این یک حرکت از روی اضطراب بود». درباره پدرش می نوشت تا سعی کند پیچیدگی یک مرد را بفهمد، ابعاد زمانی او را بفهمد، زندگی اش را آن گونه که بود، با حسی از نامرئی بودن درک کند.

همان طور که ماه ها می گذشت و او سعی می کرد تاثیرات شخصی پدرش را طبقه بندی کند، باگنچه ها و خرت و پرت ذهنی که در خانه اش تلنبار می شد، استر به نوشتن ادامه می داد، به کپی برداری و غوطه خوردن در گرداب احساسات و آنده ها و آگاهی ها؛ چنان که کشف کرد قتل در خانواده شان از شش دهه پیش مخفی نگه داشته شده و بعد، نوشتن او به یک ضرورت جدید بدل شد، نیاز او برای درک پدرش، درک خاطرات و زبان او؛ رسیدن به یک

فراخوان چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر (بخش کشوری)

چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر در سه بخش استانی، کشوری و بین المللی و در دو سطح جوان (زیر ۳۰ سال) و بزرگسال به صورت رقابتی برگزار خواهد شد. علاقه مندان به شرکت در بخش کشوری می بایست ۲۰ تا ۴۰ صفحه از اشعار چاپ نشده یا چاپ شده خود در نثریات و کتب (از سال ۸۷ تاکنون) را فقط در یکی از قالبهای شعر سنی، نو (اهم از نیمايي و سپید)، کودک و نوجوان در پنج نسخه تکثیر و به همراه مدارک لازم به نشانی دبیرخانه مرکزی جشنواره بین المللی شعر فجر واقع در تهران ارسال نمایند. شاعران برگزیده استانی در همایشهای ادبی و شهای شعری که در استانها با حضور شاعران نام آشنا برگزار می شود به قرالت اشعار خود خواهند پرداخت و به نحو مقتضی مورد تقدیر قرار خواهند گرفت.

انتخاب برگزیدگان بر اساس بررسی و ارزیابی آثار ارسالی صورت خواهد گرفت و از برگزیدگان در مراسم اختتامیه جشنواره تقدیر به عمل خواهد آمد. نحوه شرکت در بخش کشوری جشنواره:

- شاعران متقاضی شرکت در بخش کشوری می بایست آثار و مدارک لازم را حداکثر تا پایان وقت اداری روز دو شنبه ۳۰ آذرماه ۱۳۸۸ از طریق پست به دبیرخانه مرکزی ارسال کنند. بدیهی است به مدارک ارسالی ناقص ترتیب اثر داده نخواهد شد.

مدارک لازم:

۱- ارسال ۲۰ تا ۴۰ صفحه از اشعار در پنج نسخه در یکی از قالبهای شعر سنی، نو(نیمايي و سپید) و کودک و نوجوان

۲- تصویر صفحه اول شناسنامه

۳- فرم تکمیل شده شرکت در چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر (بخش کشوری)

نشانی دبیرخانه مرکزی جشنواره بین المللی شعر فجر: تهران، میدان هفت تیر، خیابان قائم مقام فراهانی، خیابان فجر، شماره ۷، ساختمان فجر طبقه چهارم

کد پستی ۱۵۸۷۶۳۱۱۱ | تلفن: ۸۸۳۶۲۹۷۹ (۰۲۱) | نمابر: ۸۸۸۶۱۳۲۲ (۰۲۱) | نشانی پست الکترونیکی: fajr@ketab.org.ir

فرم شرکت در چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر (بخش کشوری)

نام خانوادگی: _____
 اینجانب نام: _____
 فرزندان: _____ دارای شماره شناسنامه: _____
 محل تولد: _____ ساکن استان: _____
 کد ملی: _____ شهر: _____ خیابان: _____ کوچه: _____
 شماره تلفن ثابت: _____ نشانی پست الکترونیکی (در صورت امکان): _____
 ضمن ارسال مدارک لازم به شرح زیر آمادگی خود را جهت شرکت در بخش جوان بزرگسال چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر اعلام می نمایم.
 ۱- ... صفحه از اشعار در قالب شعر سنی نو (نیمايي و سپید) کودک و نوجوان در پنج نسخه
 ۲- تصویر صفحه اول شناسنامه
 ۳- فرم تکمیل شده شرکت در چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر (بخش کشوری)

اعضاد:

تاریخ:



یگانه وصالی

با کالم مک کان، برنده جایزه کتاب ملی آمریکا

علف‌ها همچنان رشد می‌کنند



می‌کنم و اولین درس برای دانشجویان همیشه این است که من نمی‌توانم چیزی به آنها بیاموزم. اولش آنها کمی جا می‌خورند اما بعد به آنها می‌گویم که اینجا فقط برای یافتن اشتیاق، تاب و توان و پشتکار آنهاست و اگر آنها این سه مورد را در نظر بگیرند، می‌توانند استعداد ذاتی شان را تغذیه کنند. همچنین به آنها اجازه می‌دهم که سعی کنند خارج از حیطه فکری خودشان هم بنویسند. فلسفه من همیشه این بوده است که ما نباید فقط از آنچه که می‌دانیم، بنویسیم، چرا که این کار خسته‌کننده و معمولی است. در عوض باید در مورد چیزهایی بنویسیم که می‌خواهیم در مورد آنها بیشتر بدانیم.

در مورد شخصیت‌ها هم، بعد از مادر و دختر خیابان «پارک»، من شیفته کوریگان، راهب ایرلندی هستم. در حقیقت من واقعا به همه شخصیت‌های داستانتان علاقه دارم. شاید خنده‌دار به نظر بیاید، اما من هنوز هم تصور می‌کنم که آنها زنده‌اند و هر روز به هر گوشه‌ای که نگاه می‌کنم آنها را می‌بینم و می‌گویم: «آها، آنجایی.» آنا آخمتووا شعر بسیار زیبایی دارد، با این مضمون که: «دیر آمده، سال‌های بسیاری گذشته است، اما چقدر خوشحالم که می‌بینمت.» در واقع تنها در داستان و شعر است که ما می‌توانیم زندگی مان را تا آنجا که می‌خواهیم امتداد دهیم. این موهبت بزرگی برای یک نویسنده است که بتواند در قلب تمام جریاناتی باشد که در حال رخ دادن است.

تصور بربند باز میان برج‌های دوقلو، معیار شکل‌گیری بسیاری از شخصیت‌ها در این رمان می‌شود. چه چیزی بود که باعث شد این واقعه نمادین الهام بخش شما باشد؟ به ویژه در پرتو فروریختن برج‌ها.

بله، این قسمت در حقیقت کاتالیزور بقیه قسمت‌ها بود؛ مردی که در فاصله ربع مایلی زمین، در آسمان است. اما هر چه که داستان پیش‌تر می‌رود، اهمیت بندبازی کمتر می‌شود تا جایی که دیگر کاملا از دید محو می‌شود و چیزی که داستان را به هم پیوسته نگه می‌دارد بندبازی تصمیمات بشری است روی همین زمین. بعضی از ما پایمان روی زمین است و راه می‌رویم، اما باز هم می‌افتیم و زمین می‌خوریم.

من در نیویورک زندگی می‌کنم. هنگام واقعه ۱۱ سپتامبر هم آنجا بودم. خیلی چیزها اتفاق می‌افتاد؛ سیلابی از تصاویر و ایماژها. آن دو روز، دو روز واقعا مستندی بود که رسانه‌ها در تاریخ رسانه‌ای شان توانستند پوشش دهند. نه تصاویری خیلی بزرگ از

«کالم مک کان»، نویسنده ایرلندی ساکن آمریکا، امسال برای نوشتن کتاب «بگذار دنیای بزرگ بچرخد»، برنده جایزه کتاب ملی آمریکا شد. او اکنون مدرس دوره آموزشی خلاقانه نویسی در کالج هانتر است. رمان‌های دیگر او عبارتند از «این سوی روشنائی»، «رقصنده» و «زولا». در ادامه ترجمه گزیده‌ای از مصاحبه او را با «برت آنتونی جانسون» می‌آوریم. این گفت‌وگو در سایت اختصاصی کتاب ملی آمریکا منتشر شده است.

است. همان چیزی که همیشه رخ می‌دهد. می‌نشینی، می‌نویسی، خیال‌رح می‌زنی و امیدواری که در انتها چیزی به دست بیاوری که بتوانی به آن ببالی. در این روند با مانع یا مشکل غیرمنتظره‌ای مواجه نشدید؟

نوشتن این کتاب برایم کار سختی نبود. به نظر فقط مجبور بودم با چند نوع لحن متفاوت دست و پنجه نرم کنم، اما این قسمتی از کار من است و همین‌طور باید ویرایش خوبی هم برای کتابم می‌داشتم، اما باز هم این قسمت دیگری از کار من است. از دست دادن خط سیر قسمت‌ها همیشه سخت است مثلا من در جایی درباره یک فروشنده دوره‌گرد «هات داگ» نوشتم، یا از یک فروشنده مسلمان، یا یک آسانسورچی. همین‌طور یک نوع بازی شطرنج هم ابداع کردم که سعی داشتم آن را در جایی از داستان بگنجانم. برای همین هم مدتی با یک استاد شطرنج کار کردم تا بتوانم بازی را طوری هدایت کنم که مهره‌های سیاه و سفید به کیش و مات متقابل برسند، اما در آخر کار دیدم که اصلا با رمان جور در نیامد و من هم که نمی‌خواستم در نقش یک پاشنه‌کش عمل کنم و آن را به زور به داستان ببوشانم، گذاشتم کنار. من دوست دارم داستان روند طبیعی خودش را داشته باشد و جاری باشد.

البته برای یافتن نام کتاب مشکل داشتم، اما ناگهان این گفته تیسون به خاطر آمد که در آن می‌گفت «بگذار دنیای بزرگ تا انتهای شیارهای آهنگین تغییر، بچرخد.» شاید تیسون خیلی تصادفی تحت تاثیر یکی از شعرهای قرن ششمی پیش از اسلام به نام «ملاقات» قرار گرفته، با این مضمون که «آیا امیدی هست که این انزوا مرا تسکینی باشد؟» و وقتی من این جمله را یافتم، قلمم شروع به تپش کرد، چون در واقع این همان چیزی بود که می‌خواستم. این نام خیلی ناگهانی به ذهنم رسید، مثل خیلی قسمت‌های دیگر این رمان که خود به خود، جاف‌افتاد و تنها کاری که من کردم این بود که پنجره‌ها را باز کردم و اجازه دادم که وارد شود.

در این رمان شما درگیری‌های فکری شخصیت‌ها را با زبانی زیبا و بسیار مسلط بیان کرده‌اید. این همه زیبایی و ظرافت چطور پیش آمد؟ و اینکه آیا شخصیتی در این داستان بود که جا افتادش در داستان خیلی سخت یا رضایت بخش بوده باشد؟ در کالج هانتر نیویورک نویسنده‌گی خلاقه تدریس

همیشه چند مخاطب در ذهنم دارم. بیشترشان البته نمونه‌های غرغروی خودم هستند. دلم می‌خواهد طوری نباشد که بیست سی سال دیگر از مطالبی که الان نوشته‌ام شرمند باشم

پیش از هر چیز برای موفقیت کتابتان «بگذار دنیای بزرگ بچرخد» در جایزه کتاب ملی آمریکا به شما تبریک می‌گویم. این کتاب چطور آغاز شد؟ هیچ تصویر، حادثه یا خاطره خاصی دارید که آغازگر جریان نوشتن این کتاب باشد؟

خیلی متشکرم. این افتخار بزرگی برای من است. در مورد جریان نوشتن، به گمان من رمان، خود، تاملی است در آنچه معنای زندگی است و بی‌پایان. همه چیز می‌چرخد. ما همه از آنچه بوده‌ایم، شکل گرفته‌ایم و درست در همان زمان، مبدل به آنچه همیشه آرزو می‌کردیم شده‌ایم. این گذشته و حال، به زیبایی و البته ناپایدار و با شک و تردید، به هم بافته شده است.

اما برای اینکه جواب دقیقی به سوال شما بدهم باید بگویم که اگر چه این رمان عمدتا در سال ۱۹۷۴ رخ می‌دهد، اما قسمت‌های زیادی از آن برای من مدت کوتاهی بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر آغاز شد. روزی مشغول خواندن کتابی از پل آستر به نام «دفترچه سرخ» بودم که در آن راجع به فیلیپ پویتت گفته بود که نامش را کج و معوج در آسمان، میان برج‌های دوقلو نوشته بود. بعد هم وقتی در سال ۲۰۰۱ برج‌ها فرو ریختند، این بندبازی در ذهن من دوباره زنده شد، این درست همان لحظه «هورا، یافتم» برای من بود و با خود فکر کردم، چه کار خلاقانه‌ای است که با مردی مواجه باشی که با وجود از هم پاشیده شدن برج‌ها و فروریختنشان در آسمان قدم می‌زند. البته من در این مورد تنها نبوده‌ام. این واقعه قسمتی از حافظه تاریخی مشترک ماست. همین‌طور خیلی دلم می‌خواست مطلبی هم درباره نیویورک بنویسم. شهری که من مدت‌هاست به عنوان خانه‌ام پذیرفته‌ام و در آن زندگی می‌کنم.

آیا هنگام نوشتن این کتاب خواننده یا مخاطبی را در ذهن خود داشتید؟

همیشه چند مخاطب در ذهنم دارم. بیشترشان البته نمونه‌های غرغروی خودم هستند. دلم می‌خواهد طوری نباشد که بیست سی سال دیگر از مطالبی که الان نوشته‌ام شرمند باشم. منظورم ماندگاری اثر در طول سالیان است. نمی‌خواهم مجبور باشم که کتاب‌هایم را از خودم پنهان کنم. در اولین مرحله، همسرم آلیسون که همیشه اولین خواننده آثار من است، بعد هم پدرم، بچه‌هایم و دوستانم چون من برای تمام آنها می‌نویسم. البته قهرمان‌هایم هم هستند. افرادی مثل مایکل اندانیته، جان برگر، جان هریسون و پیت کری. قسمتی از وجود من همیشه دوست دارد بداند اگر یکی از این افراد کتابم را بخوانند چه خواهند گفت و چه حسی خواهند داشت.

آیا حسی که در زمان نوشتن «بگذار دنیای بزرگ بچرخد» داشتید، با احساس‌هایی که موقع نوشتن آثار دیگر تان داشته‌اید، متفاوت بود؟

هم‌بله، هم‌نه. بله، به این خاطر که در یک مرحله‌ای، وقتی کتاب جدیدی را آغاز می‌کنید، با لحن‌های جدیدی درگیر می‌شوید و در زمان‌های مختلف، با موقعیت‌های جدیدی. نه هم به خاطر اینکه ... خب... مطمئن نیستم... اما در واقع این هم همان روند قدیمی نشستن پشت میز و تلاش برای نوشتن ذره‌ای زیبایی

آنچه اتفاق افتاده بود، بلکه تصاویری از لحظات صمیمی و کوچک. تصاویری از اتومبیل‌های در پارکینگ، قفسه‌های خالی از محلول شست‌وشوی چشم فروشگاه‌ها، فیلم کوتاهی از غبار که روی چهره پنجره خانه ات نشسته و تو خیلی دوست داری که بدانی چیست و چه با خود دارد. یا نوازنده‌نی انبانی که دیگر از این همه ساز زدن در مراسم ختم، خسته شده است. یا پدر همسر خود من که در یکی از برج‌ها بود اما توانسته بود از آنجا فرار کند و به خانه بیاید و به خاطر دویدن در میان گرد و غباری که فضا را پر کرده بود، سراپا خاکستری شده بود، ترس دختر چهار ساله‌ام از دیدن او با آن وضعیت که تا مدت‌ها خودش را از او پنهان می‌کرد، چرا که به گمانش پدر بزرگ سوخته بود. اینها همه تصاویری است که هم من و هم همه جامعه با آنها برخورد کردیم. سوالی که برایم پیش آمد این بود که چگونه در مورد این ماجرا بنویسم؟ چگونه باید کشف کنم که چه چیزی رخ داده؟ و این که شخصا چه احساسی دارم؟ واقعا دوست نداشتم یک منظره زیبایی اخلاقی ترسیم کنم، یا اینکه نظر پیچیده‌ای راجع به آن ابراز کنم به همین دلیل این کار را به دیگران واگذار کردم اما می‌خواستم دریابم که همه این حوادث برای من و خانواده‌ام چه معنا و مفهومی می‌تواند داشته باشد.

سپس لحظه‌ای فرا رسید که با خود فکر کردم می‌توانم به گذشته بازگردم تا درباره زمان حال صحبت کنم. زمانی که باید روی بندی بسیار باریک راه می‌رفتم و هر چقدر که در رمان پیش‌تر می‌رفتم درمی‌یافتم که خوشبختانه همه چیز در حال کشف شدن است چرا که داستان به آن لحظه ناشناخته در برانکس می‌رسد که دو کودک در حال خارج شدن از کارگاه ساختمانی نیمه‌کاره‌ای هستند و به طور معجزه‌آسایی به لطف خدا نجات پیدا می‌کنند. شاید خیلی با اهمیت به نظر نرسد، اما برای من پر اهمیت‌ترین قسمت همین جاست. به سختی می‌توان خطی از این رمان را یافت که مستقیما راجع به ۱۱ سپتامبر باشد. اما اگر خود خواننده بخواهد می‌تواند در همه جای این رمان حادثه یازده سپتامبر را ببیند. من به خوانندگان ایمان دارم. آنها هر مفهومی که بخواهند را از کتاب برداشت می‌کنند. این کتاب از دیدگاه‌های مختلف می‌تواند خوانده شود. از این حیث امیدوارم کتاب من کارکردی شاعرانه و باز داشته باشد، تصور کن که بگویی این بچه را هر طور دلت خواست بار بیاور.

آیا از پیش تصمیم گرفته بودید که یک روایت نمادین بنویسید یا اینکه دوگانگی روایت و کارکردهای اسطوره‌ای و نمادینش هنگام نوشتن پدیدار شد؟

در حقیقت هر دو. از ابتدای دانستم که قرار است نمادین باشد، اما هر چه پیش‌تر رفتم این تمثیل عمق بیشتری یافت و حتی پیچیده‌تر و پرلایه‌تر شد. امیدوارم مرگ دو شخصیت اصلی در بخش اول خیلی ناگهانی نبوده باشد. نوشتن این قسمت خیلی برایم آزار دهنده بود اما از رخ دادنش هم نمی‌توانستم جلوگیری کنم. می‌خواستم فریاد بکشم: نه، هر بار که می‌خواستم دوباره به زندگی بازگردانمشان آنها از غلتاندن سنگشان سرپاز می‌زدند. به خصوص در مورد «کاریگان»، بارها سعی کردم نجاتش دهم اما خودش تمایلی به ماندن نداشت. اما دو سال بعد وقتی به پایان رمان می‌رسیدم، ناگهان دریافتم که دو برج انسانی در ابتدای این داستان فرو ریخته بودند و ادامه داستان صرف بازسازی آنها می‌شود.

مروری بر «بگذار دنیای بزرگ بچرخد» آخرین اثر کالم مک کان

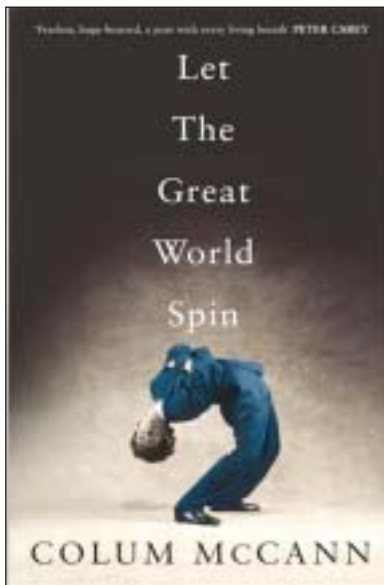
بیداری از نوع دیگر میان برج‌هایی که سقوط خواهند کرد

مشابه وجود داشته باشد. مرگ کوریگان شاید تمثیلی باشد برای شوک وارد شده به تمام کسانی که شاهد واقعه ۱۱ سپتامبر بوده‌اند.

حوادث داستان مک کان جبر نیست، اما کشمکش است بین نویسنده و زندگی تمام کسانی که مستقیم و غیرمستقیم در «بگذار دنیای بزرگ بچرخد» وجود دارند. در تمام طول رمان مک کان احساس پوختی را به یاد خواننده اثرش می‌آورد و از آن به عنوان بیداری از نوعی دیگر یاد می‌کند. گاه می‌شود برای توصیف تنها یک لحظه ساعت‌ها خواننده‌اش را میخکوب نشانند و در شوک و ترس باقی بگذارد. اما مطمئن است در این بین لبخندی محو صورت خواننده اثرش را می‌پوشاند و آن چیزی نیست جز شوق و لذت نهفته در خطر کردن. وی آخر داستانش را با جمله‌ای از فیلیپ پوتیت تمام می‌کند: «هیچ کس در نیمه راه سقوط نمی‌کند.»

بسیاری از کسانی که «بگذار دنیای بزرگ بچرخد» را خوانده‌اند از پیچیدگی داستان لذت برده‌اند. لیندا دخترکی ۱۹ ساله در سایت «گودریز» که مکانی است برای تبادل اطلاعات مربوط به کتاب و کتابخوانی درباره این اثر مک کان می‌نویسد: «چیدمان فصل‌های رمان به نظر مسحورکننده آمد. در یک فصل باغم و رنج افرادی روبه‌رو هستم که عزیزانشان را در واقعه ۱۱ سپتامبر از دست داده‌اند. در فصل بعدی شاهد مردی هستم که با دمپایی‌های مخصوصش از بالای همان دو آسمانخراش از روی کابل عبور می‌کند. انگار این فصل‌ها تنها با همان کابل به هم متصلند. زمانی به حال بازمی‌گردید که باید دوباره با درد و رنج‌های روزی‌ها کنار بیایید. باز همچنان قدم‌های آرام پوتیت را می‌بینید که با هزار ترس و امید و جسارت سراغ قدم بعدی می‌رود؛ قدمی که شاید مرگ را به سوی خود می‌خواند.»

مک کان درهای فضای رمانش را برای خود گشوده است. خود می‌گوید: «نمی‌خواهم با دید بسته و عوامانه به اطرافم بنگرم. برایم خوشایند نیست که روی صندلی راحت بنشینم و به روبه‌رویم خیره شوم و داستان پردازی کنم، در حالی که قصه جای دیگری است.» بی‌شک همین جمله باعث شد که مک کان یک سال تمام در کتابخانه عمومی نیویورک به مطالعه بپردازد. او که ۴۴ سال دارد در دوبلین به دنیا آمده و تاکنون توانسته دو مجموعه داستان کوتاه و پنج رمان منتشر کند که از بین آنها می‌توان «سمت روشنائی»، «رقصنده» و «زولی» را نام برد.



باحوادث غیرقابل پیش‌بینی باشور و شعفی وحشیانه می‌چرخاند. خواننده «بگذار دنیای بزرگ بچرخد» گاه شاهد از بین رفتن شخصیت‌های داستان است. باغم و درد آنها همراه می‌شود و در پایان شاهد این است که آنها خود را از نو می‌سازند و دوباره تعادل ایجاد می‌شود. در اینجا مک کان به روزهای تمرین فیلیپ برمی‌گردد. پوتیت تنها یک بار از روی طناب افتاد، ولی با همان یک بار باعث شد چند تا از دنده‌هایش بشکنند. او تا مدت‌ها وقتی نفس عمیق می‌کشید دردی را در قفسه سینه‌اش حس می‌کرد. این درد شاید در قلب بسیاری دیگر هم به صورت

می‌لادی، به وسیله آن پارکر، سینماگر انگلیسی به یک فیلم سینمایی تبدیل شد. مک کان خود در این باره می‌گوید: «فکر می‌کنم اکنون مک کورت آن بالا برای ما پایکوبی می‌کند.»

شاهکار مک کان در زندگی شخصی به نام کوریگان منعکس می‌شود. کوریگان تارک دنیا شده و بسیار خرافاتی و متعصب است. او در تمام زندگی‌اش در حال مبارزه با شیاطین است. ارواح را از دست اشباح خبیث رها می‌کند و به اعتقادات خود پایبند است، می‌گوید با این عمل راهم راهموار می‌کنم. داستان کوریگان را در این رمان برادرش بازگو می‌کند. برادری که او را لحظه‌ای تنها نگذاشته و همیشه سایه به سایه‌اش قدم برداشته است. زندگی پر تعصب کوریگان زمانی دچار تغییری اساسی می‌شود که فیلیپ پوتیت را روی آن کابل معلق بین دو آسمانخراش می‌بیند. گویی با زیبایی و تنش این پدیده مسخ می‌شود. در نظر مک کان تماشاچیان آن روز پوتیت دو دسته هستند؛ کسانی که پنهانی دوست دارند بند باز از روی طناب به زیر سقوط کند و کسانی که عاجزانه انتظار این را می‌کشند که پوتیت همان چند قدم را به عقب برگردد و جان خود را نجات دهد. با این که فیلیپ پوتیت در آن روز هر دو دسته را ناامید باقی گذاشت، اما توانست در رمان مک کان نور امیدی را برای کوریگان بیاورد. روز بعد کوریگان در حین راندگی با اشتباه یک هزارم ثانیه‌ای و سرعت بالا تصادف می‌کند و تنها لحظه‌ای قبل از مرگش حس می‌کند در زمین و هوا شناور است. شاید این همان حسی است که پیش‌تر، پوتیت روی آن کابل تجربه کرده بود.

این اثر مک کان مثل ماسوره‌ای، خواننده‌اش را

بگذار دنیای بزرگ بچرخد؛ کتاب سال آمریکا

شصتمین دوره جایزه کتاب ملی آمریکا ۲۷ آبان امسال برگزار شد. کالم مک کان با کتاب «بگذار دنیای بزرگ بچرخد» برنده جایزه داستانی کتاب ملی سال شد. تی. جی. استایلس با بیوگرافی درباره کورنیلوس و اندریس با عنوان «نخستین غول اقتصادی» برنده جایزه غیرداستانی شد. کیت والدراپ با اثری به نام «مطالعات متعالی: یک سه‌گانه» توانست جایزه شعر را کسب کند.

جایزه بخش نوجوانان نیز به فیلیپ هوسه با عنوان «کلودت کالوین» تعلق گرفت. این داستان که با تاثیر از روایتی حقیقی نوشته شده از دخترکی قهرمان و سیاه‌پوست می‌گوید. در فهرست آثاری که به بخش نهایی جوایز راه یافته بودند، عنوان متعددی درباره ثروت و فقر به چشم می‌خورد که در آثار داستانی از جمله داستان کوتاه «بونو جو کمپبل» درباره بردگی آمریکا و تقسیمات طبقاتی در پاکستان در اثری از «دانیال معین الدین» مشهود است.

تاکنون نویسندگان مشهوری برنده این جایزه ادبی شده‌اند که از بین آنها می‌توان به فیلیپ راث (۲۰۰۲)، استفان کینگ (۲۰۰۳) و نورمن میلر (۲۰۰۵) اشاره کرد.

هفتمین روز آگوست سال ۱۹۷۴ میلادی، ساعت ۷/۱۵ فیلیپ پوتیت بندباز مشهور فرانسوی تنها با کابلی محکم از بالای برج‌های دوقلوی تجارت تجانی در حالی گذشت که پلیس با هلی‌کوپتری آماده بود که بر بام یکی از برج‌ها فرود آید و فیلیپ را که در میانه راه بود از ادامه راه بازدارد. اما این بندباز همان طور که با پرندگی‌های بالای سرش حرف می‌زد بی توجه بروی طنابی که از بلندترین برج‌های آن زمان را به هم متصل کرده بود به راه خود ادامه داد، ۴۵ دقیق بعد او بر پشت بام برج مجاور بود، عملی که «هنرمندانه‌ترین حماقت قرن» خوانده شد.

بیست و پنج سال بعد دیگر نه برجی وجود دارد و نه شجاعتی که کسی را ۴۵ دقیقه بین زمین و هوا معلق نگه دارد. اما تمام ذهن‌ها معطوف خاطره تلخ فروریختن این دو آسمانخراش است و صداها نفر که در این حادثه جان خود را از دست دادند. در این بین کالم مک کان، نویسنده ۴۴ ایرلندی بارمان جدید خود به نام «بگذار دنیای بزرگ بچرخد» دوباره از زمانی می‌نویسد که پوتیت، بندباز فرانسوی اولین قدم خود را روی طناب گذاشت: «اولین قدم را بر روی کابل گذاشت. پای قوی ترش را. انگشتانش را بر روی طناب لیز داد و پاشنه پایش نیز کابل را لمس کرد. با تیرکی ۵۵ پوندی در دستانش قدم دیگری به جلو برداشت.» ابتدایی‌ترین قدم پوتیت که خود آن را یک حمله ناگهانی خوانده، برای مک کان حمله ناگهانی دیگری بود که سبب شد «بگذار دنیای بزرگ بچرخد» را بنویسد. انگار این نویسنده ۴۴ ساله به طور غریزی حقایق ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ را در زیر سایه طناب فیلیپ پوتیت بازگو می‌کند. وی کتابش را در تاریکی آن حجم عظیم مه و دود و آن تعداد افرادی که در حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر جان خود را از دست دادند، قدمی به سمت نور و امید می‌داند.

وی این اثر را در نهایت دست و دلبازی به دوست و همکار ایرلندی - آمریکایی خود، فرانک مک کورت تقدیم می‌کند. فرانک مک کورت که در ژوئن همین سال در سن ۷۸ سالگی چشم از جهان فرو بست، او معلم و نویسنده ایرلندی تبار آمریکایی و برنده جایزه ادبی پولیتزر بود. آثار مک کورت در ادبیات داستانی همچون نماد عینی رنج‌های انسان‌های مهاجر در سراسر جهان شناخته شده است. «خاکسترهای آنجا» نام معروف‌ترین رمان فرانک مک کورت است. این کتاب توسط گلی امامی به زبان فارسی هم ترجمه شده است. همچنین این اثر در سال ۱۹۹۹

کالم مک کان کیست؟

نویسنده‌ای که در سفر داستان نویسی شد



«خانه مان پر از کتاب بود، آنقدر که وقتی می‌دویدم دستم تنها به شیرازه کتاب‌ها می‌خورد.» برنده امسال جایزه کتاب ملی آمریکا در چنین خانه‌ای در ۱۹۶۵ میلادی در حومه دوبلین به دنیا آمد. پدرش روزنامه‌نگار بود و گاه در اوقات فراغت کار ویراستاری هم انجام می‌داد. مک کان با فاصله‌ای نه‌چندان زیاد از محل تولد ساموئل بکت، نماینده نویسنده، رمان‌نویس و شاعر

ایرلندی به تحصیل پرداخت. از همان زمان کودکی نوشته‌هایش غنی و سرشار از کلمه‌ها و ترکیبات تازه و بدیع بود. در طول مدت تحصیلش این شانس را داشت که از استادان خبره‌ای در ادبیات بهره ببرد. او خود درباره یکی از معلمانش می‌گوید: «آقای کلی را هیچ‌گاه فراموش

نمی‌کنم. از آن دسته معلم‌هایی بود که می‌توانست کلاس را در زمان و مکان‌های متفاوت به پرواز در بیاورد. او می‌توانست تمام شاگردانش را در واژگان گم کند و سپس از آنها می‌خواست که خود را در بین کلمه و جمله‌ها پیدا کنند. او تنها استاد زبان انگلیسی من نبود، کسی بود که به من آموخت چگونه متفاوت ببینم. از آن زمان بسیار گذشته اما احترام خاصی برایش قائلم.»

کالم مک کان در ۱۹۸۲ در حین گذراندن کارگاه‌های آموزشی روزنامه‌نگاری توانست جایزه روزنامه‌نگار جوان آن سال را از آن خود کند. با پایان سال ۱۹۸۴ وی توانسته بود در تعداد زیادی از روزنامه‌های ایرلند کار کند و تجربه بیندوزد. خودش از آن چند سال زیاد راضی نیست و می‌گوید: «همیشه دوست داشتم بهترین رمان ایرلندی - آمریکایی را من بنویسم. برای همین به ماساچوست رفتم. ماشین تایپی خریدم و با پایان تابستان همان سال همان کاغذ در ماشین تایپ بود و من هیچ کلمه‌ای ننوشته بودم.»

آن زمان بود که احساس کرد باید تغییری در روند زندگی خود ایجاد کند. دو چرخه‌ای خرید و سال بعد همان روز نه تنها چهل ایالت را دیده بلکه ۱۲ هزار مایل رکاب زده بود. از آن زمان سیل داستان‌ها به ذهنش هجوم آوردند. در سال‌های بعد نیز سفر بخش عظیمی از

زندگی او را تشکیل می‌داد. ۲۵ ساله نشده بود که برای ادامه تحصیل به دانشگاه نگرزاس رفت. اما فضای دانشگاه برایش غیرقابل تحمل بود. درس‌های ادبی را می‌پرستید اما ناسازگاری با درس‌های دیگر باعث شد که از دانشگاه بیرونش کنند. خود در این باره می‌گوید: «واقعا من را از دانشگاه بیرون انداختند! فیزیکی و ستاره‌شناسی دیوانه‌ام کرده بود. کنج‌کاو بودم. زمان خوبی را گذراندم اما هنوز باورم نمی‌شود که من را از آنجا بیرون کردند.»

مک کان در ۱۹۹۲ با الیسون (همسرش) آشنا شد. پس از ازدواجشان به ژاپن رفتند. مک کان خود از این سفر دل خوشی ندارد، ولی چون الیسون آنجا درس می‌خواند چاره‌ای نداشتند. همان‌جا بود که کالم مک کان توانست اولین رمان خود را با عنوان «سانگ داگز» منتشر کند. دو سال بعد به نیویورک بازگشتند و به دنبال آن شش رمان دیگر و جوایز ادبی پشت سر هم به سراغ مک کان آمد. او می‌گوید: «احساس می‌کنم با اتفاقات خوشایند متبرک شده‌ام. سه فرزند دارم که از جان و دل به آنها عشق می‌ورزم. در شهر زندگی می‌کنم ولی صدای ایرلند را به وضوح می‌شنوم. اینجا در آمریکا با مردم متفاوت و فرهنگ‌های متفاوت آشنا می‌شوم. این جزئی از کار من است. هنوز خیلی کارهاست که باید انجام بدهم.»



تازه ترین کتاب های هفته

داستان فارسی، سرگذشت مدرنیته و عصر برنزی شعر روس

شعرهای خانم آن سکستون پیچیده با زبان مستعار و پر از ارجاعات برون متنی است و در نهایت به باور مترجمان، شعری دشواریاب است، شعر این شاعر را می توان در حوزه شاعران موسوم به جریان «شعر اعتراف» ارزیابی کرد.

«وقتی بزرگ بودیم» رمانی از آن تایلر نویسنده آمریکایی - همسر تقی مدرسی، نویسنده ایرانی - است که با ترجمه کیهان بهمنی از سوی نشر افراز منتشر شده است. این رمان با ورود به حیطه روان شناسی اجتماعی و فردی تصویر واضح و شفافی از دلمشغولی ها و ذهنیات فردی ارائه می کند که در سرایشی عمر، بار دیگر برای دستیابی به آمال و آرزوهای جوانی، دست به تلاشی مضاعف می زند. نشر افراز «بانوی ارغوانی» مجموعه ای شامل سه داستان کوتاه از ساسان پارسی را منتشر کرده است. نویسنده در مقدمه اشاره می کند که در برخی از داستان های «بانوی ارغوانی» بخشی از واقعیت را با تخیل درآمیخته ام.

«عصر طلایی و عصر نقره ای شعر روس» گردآوری و ترجمه حمیدرضا آتش برآب از سوی نشر نی منتشر شد. کتاب مذکور با عنوان فرعی دو قرن شعر روس که اثری است در حال گسترش پس از پژوهش آرای گوناگون با نظر و سلیقه خود مترجم انتخاب و طبقه بندی شده است و ضمن حفظ روند تاریخی با معرفی مهم ترین شعرها، شعرا، مکاتب و برخی نظریات انتقادی به شعر معاصر روس یا عصر برنزی می رسد.

اثری از حورا یوری را انتشارات سخن به بازار فرستاد. یوری پیش از این کتاب «روانکاری و ادبیات» را منتشر کرده بود. بخش اول کتاب حاضر نقد و بررسی چند اثر شاخص در حوزه ادبیات داستانی است و بخش دوم مجموعه ای از گفت و گوهاست درباره داستان فارسی و سویی های گوناگون آن و نقشی که در صدوپنجاه سال اخیر در صحنه ادبیات و سیاست و اجتماع ایران به عهده داشته و دگرگونی هایی که پشت سر گذاشته است. انتشارات مروارید کتاب «پشت صحنه آبی» گفت و گویی بلند و طولانی با اکبر رادی را منتشر کرده است که مهدی مظفری ساوجی آن را انجام داده است. در پشت جلد کتاب می خوانیم: «این کتاب حاصل رسالت و شهادت نویسنده ای است که بیش از نیم قرن در عرصه نمایشنامه نویسی این سرزمین با مضای خود حضوری پررنگ و تاثیرگذار داشته است. انتشارات مروارید از مجموعه گزینه اشعار شاعران معاصر، «گزینه اشعار بیژن جلالی» را هم منتشر کرده است که مقدمه ای به قلم مجید روشنگر دارد. این کتاب در چند بخش، نکته هایی از نظرات شاعر، گفته های دیگران درباره شعر جلالی، گفته های جلالی درباره شعر خودش و گزینه ای از بهترین اشعار او را دربرمی گیرد. «آنها مشغول مردن اند» گزیده شعرهای آن سکستون شاعر معاصر آمریکا با مقدمه ماکسین کومین است که با ترجمه سینا کمال آبادی و محسن ابوالحسنی توسط نشر چشمه به بازار آمده است.

«پسامدرنیسم در ادبیات داستانی ایران» اثری از دکتر منصوره تدینی از سوی نشر علم منتشر شده است. این اثر که جایزه پروین اعتصامی را از آن خود کرد، در چهار فصل مجموعه ای از آرای نظریه پردازان پسامدرنیست مانند مک هیل، ایهاب حسن، بری لوئیس، دیوید لاج، ژان بودریار، لیندا هاجنس، فردریک جیسون و... را بررسی کرد و سپس این آرا را در متون داستانی فارسی مورد کنکاش قرار داده است. این آثار شامل سه رمان، یک داستان بلند و هشت داستان کوتاه از نویسندگان معاصر ایران است. نشر علم جلد پنجم از مجموعه «نشانه شناسی و زبان شناسی» را هم منتشر کرد که «در جست و جوی نشانه ها» نام دارد. اثری از جانان کالر که لایلا صادقی و تینا امراللهی آن را به فارسی برگردانده اند.

دکتر فرزانه سجودی، دبیر این مجموعه، ویرایش کتاب حاضر را به عهده داشت. این کتاب مسائل و مطالعات نشانه شناسی ادبی را طی سه بخش مورد بررسی قرار می دهد.

«ظرافت جوجه تیغی» رمانی از موریل باربری نویسنده چهل ساله فرانسوی است که با ترجمه مرتضی کلانتریان از سوی انتشارات آگاه چاپ و منتشر شده است. ظرافت جوجه تیغی دومین رمان خانم موریل باربری، جایزه اتحادیه ناشران فرانسه را در سال ۲۰۰۷ میلادی از آن خود کرد. این رمان به نوعی متفاوت، زیبا و عمیق است. «داستان فارسی و سرگذشت مدرنیته در ایران»

مرکز پژوهش و استاد ریاست جمهوری با همکاری موسسه خانه کتاب اقدام به چاپ و انتشار کتاب «پهلویسم یا شبه مدرنیسم در ایران» کرده است که نویسندگان آن مجتبی زارعی و رضا مختاری اصفهانی اند. نویسندگان اثر مذکور معتقدند نوسازی فرهنگ و هویت ایران در دوره سلطنت پهلوی ها بر دو پایه ناسیونالیسم باستان گرا و تجدید غربی شکل گرفت. در دوره رضاشاه این نوسازی بیشتر به ظواهر و ابزار مدرن محدود می شد که در اجرای آن از خشونت و حذف مظاهر و شاعران مذهبی نیز مضایقه نشد.

در دوره محمدرضا شاه با توجه به پیچیده تر شدن روابط ایران و غرب، این نوسازی به شکلی دیگر دنبال شد. اگر در دوره رضاشاه مسائل زنان در اموری چون کشف حجاب دنبال می شد، در دوره محمدرضا پهلوی با مسائل فرهنگی زنان و ارتباط با مجامع بین المللی زنان جور دیگری برخورد می شد. چنین وضعیتی در مورد جوانان و دانشجویان هم به گونه ای دیگر اعمال می شد و سلطنت پهلوی درصدد اجرای سیاست های فرهنگی و هویتی مورد نظر خود با جعل عنوان بومی سازی بود. کتاب مذکور نگاهی اسنادی به چنین روندی دارد و بخشی از تحولات فرهنگی دوره پهلوی را بازمی نمایاند.

«فهم فرهنگ» مقدمه ای بر نظریه انسان شناختی، کتابی از فیلیپ کارل سالزمن با برگردان محمدمین کنعانی از سوی نشر افکار به بازار آمد.

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب های چاپ اول، انتشارات دانشگاه بین المللی امام خمینی با بیست و دو عنوان کتاب برکارتترین ناشر؛ محمدحسین سلواتیان با چهار عنوان برکارتترین مؤلف؛ و محسن سلیمانی با سه عنوان برکارتترین مترجم بودند.

شاخص های آماری کتاب های بزرگسال

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
بزرگترین کتاب	۳۵۰۰ ریال	استوار انقلاب هائو: تحلیلی برآمون ولایت مهدی استاد رضا طایفه السلام، سیدعلی غامدانی، ناشر: مسجد مقدس جمکران، چاپ ۱، ۳۳ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه
کوچکترین کتاب	۴۰۰۰۰ ریال	الفران انگریز، مهدی الهی قمشه ای، ناشر: آوای راه، چاپ ۱، ۱۳۳۳ صفحه، ۸۰۰۰ نسخه
بیشترین قیمت چاپ	۳۲ تریه	فارسی عمومی: برگزیده ای متون زبان فارسی و آیین نگارش، غلامرضا عمرانی، ناشر: چشمه، ۴۰۲ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۶۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۴۰۰۰۰ نسخه	علی فی القزاق، ابوحمزه محمدی، ناشر: آواز کتاب، چاپ ۱، ۲۹۲ صفحه، ۱۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰ نسخه	بافتاد غیرعادی در مدرسه، ناشر: علم اولین، چاپ ۱، ۳۲ صفحه
بیشترین صفحه	۱۵۸۲ صفحه	فرهنگ فارسی: (۱ - غ) شامل: یک مقدمه و سه بخش: لغات، ترکیبات غرضی، اعلام حاوی لغات و اصطلاحات فصیح و غایبه فارسی... محمد معین، ناشر: امیرکبیر، چاپ ۲، ۲۰۰۰ نسخه
کمترین صفحه	۲۰ صفحه	راههای عملی کارکنان بهداشتی در کنترل هیجانات و استرس، فریدون هوشیار و یونس کبیر، حسن آراکی، ناشر: فرهنگ، چاپ ۱، ۱۰۰۰ نسخه

شاخص های آماری کتاب های کمک درسی

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
بزرگترین کتاب	۱۲۰۰۰ ریال	واژگان املا و تاریخ ادبیات از پایه تا تکوین، هوشیاری، ناشر: نخته سیاه، چاپ ۸، ۱۳۸ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه
کوچکترین کتاب	۱۵۵۰۰۰ ریال	زیست شناسی جامع: کتاب کار و تمرین (ویژه تکوین)، محمد بازویی، ناشر: بازویی، چاپ ۱، ۱۳۶۰ صفحه، ۲۵۰۰ نسخه
بیشترین قیمت چاپ	۱۳۰ تریه	عربی به زبان ساده شامل: ۹۸ تمرین و ۱۷۵۰ سوال چهارگزینه ای، لغات و ترجمه های مهم کتاب های فارسی، فرک مطبق و تحلیلی صرفی ازبوسه های... ایمنای قلی، ناشر: پارسون، ۵۵۲ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۱۰۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۳۰۰۰۰ نسخه	کتاب تمرین زبان انگلیسی (۱) شامل اول متوسطه) به همراه جدیدترین آزمون ها و نمونه سوالات استاندارد کلمه ای و رشته ها شامل: بخش از دوازده سوال در... محمدرضا غدایی سرابه، ناشر: استادی، چاپ ۱، ۱۴۴ صفحه، ۳۲۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	مجموعه آزمون های ۱۰ سال کنکور ارشد امیر، مستنجد و اندازه گیری در تربیت بدنی تربیت بدنی و علوم ورزشی، مهدی مرادی، ناشر: ارشد، چاپ ۱، ۱۸۸ صفحه، ۳۸۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد ناشران بدون قیمت	تعداد پدیدآورندگان			تعداد کتاب های فهرست
		مؤلف *	ترجمو	ترجمو	
۴۰۰	۷۷	۱۷۹	۸۳۷	۴۱	۱۵۸

* مؤلف: افرادی پدیدآورندگان باشند نویسنده، شاعر، گردآورنده، تصحیح و... به جز مترجم

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۸۸۸/۳۰ تا چهارشنبه ۸۸۹/۴، ۱۰۷۹ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتابها در موضوع آموزش و کمک درسی و سپس ادبیات بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات علوم عملی، دین، کودک و نوجوان و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تالیف*	ترجمه	چاپ اول	تجدید چاپ	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط	صفحه متوسط
۱	ادبیات	۱۲	۱۰	۲	۵	۷	۱۱	۶	۱۸۸۸	۲۰۸
۲	فلسفه و روانشناسی	۳۸	۱۸	۲۰	۲۵	۱۲	۲۲	۶	۱۳۴۱	۲۵۰
۳	دین	۱۲۷	۱۰۳	۲۴	۷۳	۵۴	۶۴	۳۲	۳۱۳۸	۲۴۵
۴	علوم اجتماعی	۱۰۰	۷۹	۲۱	۶۶	۳۴	۸۰	۲۰	۱۹۶۷	۲۶۴
۵	زبان	۵۸	۴۲	۱۶	۲۹	۱۹	۳۸	۱۰	۲۷۶۲	۴۱۵
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۵۲	۴۲	۱۰	۳۴	۱۸	۳۷	۱۵	۲۸۱۲	۲۸۷
۷	علوم عملی	۱۳۳	۱۰۵	۲۸	۸۷	۴۶	۹۰	۴۳	۲۰۲۲	۲۷۸
۸	هنر	۳۱	۱۹	۱۲	۱۹	۱۲	۲۷	۴	۲۳۲۸	۱۸۲
۹	ادبیات	۱۴۴	۱۱۴	۳۰	۹۴	۵۰	۱۱۶	۲۸	۲۱۵۳	۲۶۴
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۶۵	۵۶	۹	۴۳	۲۲	۵۵	۱۰	۳۳۰۹	۲۵۱
۱۱	آموزشی و کمک درسی**	۲۱۵	۲۱۵	۰	۵۹	۱۵۶	۱۹۴	۲۱	۲۷۹۵	۲۵۸
۱۲	کودک و نوجوان	۱۱۴	۸۷	۲۷	۵۰	۶۴	۸۴	۳۰	۵۰۰۷	۷۶
	جمع بندی	۱۰۷۹	۸۹۱	۱۸۸	۵۸۴	۲۹۵	۸۳۸	۲۵۱	۲۷۶۰	۲۴۷

* «تالیف» به معنی آرای لغاتی می شود که ترجمه نباشد. آرای چون تصحیح، ترمیم، گردآوری، تحقیق، لغز و... را شامل نمی شود.
** منظور از موضوع «آموزشی و کمک درسی» کلیه کتاب های است که به نحوی با مواد درسی و برنامه های آموزشی تمام طیف تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط هستند و مخاطبان آنها دانش آموزان از پیش دبستانی تا دبیرستان هستند.

شاخص های آماری کتاب های کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
کوچکترین کتاب	۳۰۰۰۰۰ ریال	دانشنامه کودکان و نوجوانان اسکورد، علی حاتریان اردکانی، شهریار بهرامی اقدم، ناشر: نس-چاپ ۱، ۵۵۰۰ نسخه
بیشترین صفحه	۴۰۸ صفحه	کتاب کار پیش از دبستان: خانه و خانواده / مدرسه، ناشر: مهین نو، چاپ ۱، ۲۴ صفحه
بیشترین قیمت چاپ	۱۷ تریه	کتاب کار پیش از دبستان: خانه و خانواده / مدرسه، ناشر: مهین نو، چاپ ۱، ۲۴ صفحه
بیشترین شمارگان	۲۳۰۰۰ نسخه	سفرهای علمی (جلد ۱ تا ۵)، جوانا کول، زهره فریور، ناشر: افق، کتابهای فلسفی، چاپ ۱، ۱۶۰ صفحه، ۸۰۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۳۰۰ نسخه	سفرهای علمی (جلد ۱ تا ۵)، جوانا کول، زهره فریور، ناشر: افق، کتابهای فلسفی، چاپ ۱، ۱۶۰ صفحه، ۸۰۰۰۰ ریال



پرواز یار مهربان از جنوب خراسان تا مرکز ایران

اواخر آبان ماه - و دقیق تر - از بیست و سوم این ماه، هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران آغاز شد تا در سراسر ایران شاهد شکل گیری و برگزاری برنامه های متنوع و متعددی باشیم.

تجلیل از خادمان نشر، معرفی برگزیدگان جایزه ها و جشنواره های کتاب، برپایی نشست ها و همایش های مختلف و تقدیر از فعالان حوزه کتاب و کتابخوانی از جمله برنامه های هفته گذشته بودند. برگزاری نمایشگاه های کتاب نیز از دیگر فعالیت های مرسوم این هفته بود که در ابعاد و کیفیت های مختلف برگزار شد. امسال نیز مانند سال های گذشته، در همین ایام معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران، به برگزاری نمایشگاه های کتاب متنوع و متعددی اقدام کردند که از جمله آنها برپایی ۶۰ نمایشگاه کتاب در ۶۰ دانشگاه و چندصد نمایشگاه کتاب در زندان های کشور بود.

علاوه بر این، چند نمایشگاه کتاب استانی هم در آستانه هفته کتاب، همزمان با این هفته و چند روز پس از آن نیز توسط معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران برپا شدند. یک هفته قبل از برگزاری برنامه های هفته کتاب، دو نمایشگاه در شهر های ایلام و کرمانشاه برگزار شدند و در ایام هفته کتاب نیز نمایشگاهی در شیراز، مرکز استان فارس میزبان دوستاناران یار مهربان بود.

پس از پایان هفته کتاب، مقدمات برگزاری دو نمایشگاه کتاب به صورت همزمان در استان های خراسان جنوبی و مرکزی فراهم شد تا سفر ناشران شرکت کننده در نمایشگاه های استانی کتاب، متوقف نشود و تعداد نمایشگاه های کتاب استانی برگزار شده در سال جاری به عدد ۱۲ برسد.

استان خراسان جنوبی و شهر بیرجند امسال برای چهارمین سال متوالی پذیرای نمایشگاه استانی کتاب شد و در این نمایشگاه بالغ بر ۲۰۰ ناشر در دو سالن حضور یافتند و بیش از ۳۰ هزار عنوان کتاب را در زمینه های مختلف در معرض دید و استفاده مراجعان قرار دادند. برپایی هر ساله نمایشگاه کتاب در بیرجند، نکته جالب توجهی است تا مردم این خطه از کشور برگزاری سالانه آن را انتظار بکشند. در این میان حضور بیش از ۳۰ هزار دانشجو باعث شده بخش قابل توجهی از مخاطبان نمایشگاه کتاب بیرجند را دانشجویان و دانشگاہیان و دانشجویان تشکیل دهند.

در مراسم افتتاحیه این نمایشگاه که فعالیت خود را از پنجم آذر آغاز کرد، حجت الاسلام والمسلمین علی

رضایی، امام جمعه بیرجند، به اهمیت کتاب و کتابخوانی در بین مردم اشاره کرد و گفت: «باید با کتاب رفیق باشیم چرا که کتاب حاصل تلاش و تحقیقات انسان هاست و تجربیات دیگران را به راحتی در اختیار همگان قرار می دهد.»

قهرمان رشید، استاندار خراسان جنوبی نیز در حاشیه برگزاری نمایشگاه گفت: «نمایشگاه بستری است برای تعامل ناشران و ارتباط مردم با کتاب و کتابخوانی و تصور می کنم آنچه مشکل جدی است، پایین بودن فرهنگ مطالعه است. به نظر می آید آموزش و پرورش می تواند در مقاطع مختلف به گونه ای سیاست گذاری کند که دانش آموزان کتاب های غیر درسی را نیز مطالعه کنند.» در مراسم افتتاحیه این نمایشگاه، محمد حسین جعفری، معاون امور فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی گفت: «اگر چه از ۲۳ آبان و هفته کتاب مدتی گذشته است، اما همچنان جنب و جوش و فعالیت در زمینه کتاب در استان خراسان جنوبی فروکش نکرده و امروز با افتتاح این نمایشگاه فعالیت های مرتبط با کتاب گسترش پیدا می کند.»

جعفری در بخش دیگری از سخنانش به عرضه کتاب ها با تخفیف ۴۰ درصدی اشاره کرد و گفت: «امیدوارم برپایی نمایشگاه های کتاب بتواند ما را با کتاب مانوس تر کند.»

چهارمین نمایشگاه کتاب خراسان جنوبی حاشیه های جالب توجهی نیز داشت. یکی از آنها برگزاری این نمایشگاه همزمان با ایام هفته بسیج بود، به گونه ای که در روز افتتاحیه، مسوولان استانی به مناسبت این ایام چغیبه ای به گردن داشتند و برخی مسوولان بسیج استان نیز در مراسم حضور پیدا کردند. اغلب نمایشگاه های کتاب استانی در دو شیفت صبح و بعد از ظهر فعالند و تعداد محدودی چون

نمایشگاه های تبریز و شیراز نیز به صورت یکسره فعالیت می کنند، اما نمایشگاه کتاب خراسان جنوبی امسال برای نخستین بار تنها بعد از ظهرها باز بود. تجربیات سال های گذشته و این که مردم بیرجند بیشتر، بعد از ظهرها از نمایشگاه بازدید می کردند، باعث شد برای برگزاری نمایشگاه چنین تصمیمی اتخاذ شود.

در نمایشگاه امسال خراسان جنوبی، تعدادی از ناشران استان نیز حضور داشتند و در عین حال نمایندگی ناشرانی از تهران را نیز عهده دار شده بودند تا فعال تر از قبل باشند. در نمایشگاه کتاب خراسان جنوبی برخلاف اغلب نمایشگاه های استانی کتاب، به علت کمبود فضای مناسب، برنامه جنبی خاصی برگزار نشد و به



گفته مسوولان اجرایی نمایشگاه، تلاش شد فضای نمایشگاه به حضور ناشران بیشتری اختصاص یابد. تنها غرقه ای که در این نمایشگاه به فعالیتی متفاوت با فروش کتاب اختصاص یافته بود، تازه های نشر استان را ارائه می کرد. نمایشگاه تازه های نشر خراسان جنوبی در محل اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان واقع است و به طور متوسط هر ماه دو تا چهار کارتن کتاب تازه منتشر شده برای نمایش به این محل ارسال می شود. کتاب ها پس از دو هفته نمایش به کتابخانه های عمومی و دیگر مراکز فرهنگی استان ارسال می شود.

آغاز معنوی نمایشگاه اراک

همزمان با برگزاری نمایشگاه کتاب در استان خراسان جنوبی، نمایشگاه دیگری در استان مرکزی و در شهر اراک برگزار شد. امسال استان مرکزی برای چهارمین مرتبه پذیرای ناشران کشوری بود. دو دوره از برگزاری نمایشگاه کتاب در استان مرکزی به سال های ۷۳ و ۷۴ بازمی گردد و سومین نمایشگاه کتاب این استان سال ۸۶ شکل گرفت.

در دوره جدید، این نمایشگاه با تلاش موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران برگزار شد.

نکته جالب توجه در برگزاری چهارمین نمایشگاه کتاب استان مرکزی، شکل گیری آن همزمان با اعیاد قربان و غدیر بود. این نمایشگاه که از جمعه (۶ آذر) فعالیت خود را آغاز کرد، از نخستین روزهای شکل گیری

با استقبال قابل توجهی مواجه شد. نخستین روز برپایی نمایشگاه با حال و هوای خاصی همراه بود، چرا که افتتاح نمایشگاه با حضور آیت الله در نجف آبادی، نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه اراک، پس از برگزاری نماز جمعه شکل گرفت.

حضور جمعیت نماز گزار در مصلی و بازدید آنها از نمایشگاه پس از برپایی نماز جمعه، اتفاق جالب توجهی بود که تاکنون نمایشگاه های استانی کتاب شاهد چنین اتفاقی نبودند. پس از افتتاح نمایشگاه و فعالیت آن به مدت دو ساعت، نمایشگاه تعطیل شد تا مراسم دعای عرفه در مصلی برگزار شود. پس از پایان مراسم، بار دیگر نمایشگاه با حضور جمعیت زیادی همراه شد و همین دو اتفاق همراه با اطلاع رسانی گسترده درباره شکل گیری نمایشگاه باعث شد تا نمایشگاه امسال اراک با استقبال گسترده ای مواجه شود.

آیت الله در نجف آبادی در حاشیه برگزاری نمایشگاه کتاب و بازدید از آن، ناشران را به عنوان منتقل کننده موازیت گرانه های اسلام و اهل بیت (ع) به نسل های آینده معرفی کرد و گفت: «نویسندگان و اندیشمندان با تلاش و مجاهدت به تالیف و تدوین کتب همت می گمارند تا اثری بدیع و سازنده و کاری بزرگ و خلمتی ارزشمند و ماندگار ارائه دهند.»

وی درباره توسعه فرهنگ کتاب و کتابخوانی در جامعه به نیازسنجی بر اساس نیازهای هر قشر تاکید کرد و گفت: دسترسی آسان به کتاب با تاسیس کتابخانه های خانگی و کوچک دیجیتال، بستر سازی لازم برای کودکان و نوجوانان به صورت مرحله ای، احساس مسوولیت مدیران مدارس، مساجد، مراکز دینی، روحانیت و رسانه ها تاثیر بسزایی در گسترش فرهنگ کتابخوانی دارند.»

آیت الله در نجف آبادی: «برگزاری نمایشگاه های کتاب در سطح استان و شهرستان ها و برگزاری جشنواره های کتاب و کتابخوانی سبب اتس بیشتر با کتاب و تولید علم خواهد شد. در نمایشگاه کتاب استان مرکزی، اجرای برنامه های متنوع و مختلفی از جمله نقد کتاب، شعر خوانی، معرفی کتاب، راه اندازی غرفه برای کودکان و نوجوانان و... پیش بینی شده بود تا نمایشگاه کتاب با اجرای برنامه های مختلف حال و هوای جذاب تری با حضور اهالی فرهنگ و هنر استان پیدا کند. شایان ذکر است پس از برگزاری این دو نمایشگاه، برپایی سه نمایشگاه دیگر تا پایان آذرماه در استان های کهگیلویه و بویر احمد، گلستان و مازندران را شاهد خواهیم بود.»

معرفی کتاب

نگاهی به کتاب «یک سیب در سه دیس»

از کدام طرف

مینا زندگی: اگر جریان شعری معاصر را چون هنرهای دیگر، از جمله سینما، دارای دو گرایش تجربه گرا و بدنه بدانیم، شعرهای محمد آشور در کتاب «یک سیب در سه دیس» به گرایش اول تعلق خواهد یافت. با این توضیح که هیچ یک از این دو گرایش به تنهایی دارای اعتبار یا ارزش خاصی نیستند و در هر دوی آنها می توان آثاری موفق و البته ناموفق یافت. در متن کوتاهی که پیش روی شماست، به مسائلی توجه خواهیم کرد که مجموعه شعر مورد بحث را، به مجموعه ای تجربه گرا تبدیل کرده است. یکی از مهم ترین مسائلی که آشور در کتابش مورد توجه قرار داده، به چالش کشیدن نحو زبان فارسی است. پیش از او نیز شاعران بسیاری به این کار دست زده اند، چرا که به طور کلی این استنباط وجود دارد که شعر، رستاخیز کلمات است و باید به وسیله آن زبان را بسط و گسترش داد. نگاهی به تاریخ ادبیات این تئوری را تا حد زیادی اثبات می کند. تحولات و گسترده گی را که بزرگانی چون سعیدی و حافظ در زبان فارسی ایجاد کرده اند، چنان است که هنوز پژوهشگران بسیاری به کشف

ظرایف ایشان مشغولند. در شعر معاصر فارسی نیز شاعرانی بوده اند که تحول زبانی را مورد توجه قرار داده اند اما چه در گذشته و چه در امروز، شاعرانی بوده اند که گاه راه افراط را پیموده اند؛ شاعرانی که همه مسائل را پای فرم گرای و تحولات زبانی قربانی کرده اند.

در مجموعه «یک سیب در سه دیس» تجربیات زبانی به شکل های مختلفی صورت گرفته اند، گاه این تجربیات به بسط زبان و مفهوم انجامیده اند و گاه در سطح مانده اند. این نکته، یعنی ماندن زبان در سطح، در کارهای تجربی چندان غیر قابل پیش بینی نیست، همچنان که در مسائل تجربی علمی نیز همه تجربیات به موفقیت نمی انجامد. به عنوان مثال، در شعر «کو پس؟ ... بگو... بگو... بگو» نمونه موفقی از یک تجربه زبانی را می خوانیم. شاعر در این شعر قصد دارد به نوعی مفهوم گذر زمان و انتظار را به نمایش بگذارد. او در پاراگراف اول شعر، در کمترین کلمات این مفهوم را به نمایش می گذارد: «کو کوی ساعت دیواری او نیامده است/کو پس؟ کجاست پس؟» او در این پاراگراف مفهومی دوگانه را از واژه «کو» انتظار دارد. نخست آن که با تکرار آن، به نوعی صدای ساعت را که نشان دهنده گذشت زمان است به نمایش گذاشته و از سویی این تلقی را ایجاد می کند که ساعت نیز مدام در حال طرح این پرسش است که کسی که منتظرش هستی، کو؟ و این نکته در انتهای پاراگراف، با وضوح بیشتری خود را آشکار می کند، آنجا که شاعر پس از عبارت «پس

کو؟» عبارت «کجاست پس» را مکرر می کند؛ شگردی که البته به نوعی در سبک هندی نیز وجود دارد. در آنجا مصرع دوم در بسیاری از موارد به واگشایی معنایی مصرع اول می پردازد و در اینجا، همان وظیفه را سطور بعدی شعر به عهده دارند.

اما در مواردی نیز این بازی زبانی و توجه به زبان، کمی به بیراهه می رود. مثلا در شعر «دیوانگی کم است» به کارگیری حرف اضافه به شکلی تجربی، تنها به ابهام بیشتر ختم می شود. «این جاده از کدام طرف می رود از اینجا؟» شکل استاندارد کلام در این سطر باید چنین باشد: «این جاده از اینجا به کجا می رود؟» اما شاعر هیچ گاه خود را مجبور نمی بیند که نحو زبان را به شکل درست رعایت کند و آن را بر حسب معنایی که در ذهن دارد، یا در شعر کلاسیک بر حسب وزن شعر، تغییر می دهد. در اینجا نیز این تغییر انجام شده، با این تفاوت که او به جای حرف اضافه «به» از «از» استفاده کرده است: «این جاده از (به جای کلمه «به») کدام طرف می رود از اینجا؟» این تغییر به ظاهر به جز آن که در معنای جمله تولید ابهام کند، کاری دیگر صورت نمی گیرد یا چنان دور از ذهن عمل می کند که نمی توان متوجهش شد. تجربه گرای آشور، در چهارمین کتابش، نکته ای است که می تواند نشان از پویایی اش داشته باشد. «یک سیب در سه دیس» در شمارگان ۱۲۰۰ نسخه و قیمت ۱۷۰۰ تومان به تازگی توسط انتشارات داستان سرا منتشر شده است.



سفر در سرزمین شاعران مرده



■ **مهشید میرمعزی، مترجم**

آخرین اثری که با ترجمه من روانه بازار نشر شده، کتاب «گاندی - گزیده گفتارها» بود و نشر ثالث آن را منتشر کرد اما

این روزها چندین کتاب در نوبت انتشار دارم. «در محفل شاعران مرده» عنوان یکی از این کتاب‌هاست که توسط نشر ثالث منتشر خواهد شد.

این کتاب مصور، نوشته سیس نوته بوم است و عکس‌های آن توسط همسر این نویسنده، سیمونه ساسن گرفته شده‌اند.

کتاب، روایت جالبی از سفر این زوج در دنیا و بازدید محل به خاک سپردن شاعران و ادیبان مشهور دارد. برای هر یک از این ادیبان به سلیقه نویسنده متنی در نظر گرفته شده و هدف آن بیشتر معرفی محل دفن این ادیبان و تشریح موقعیت مکانی آنهاست و تنها به ذکر تاریخ تولد و وفات آن ادیب بسنده شده است.

نشر نگاه نیز به زودی کتابی را با عنوان «نوشتن از من، خواندن از شما» از طنز نویس آلمانی کوردولا اشتراتمان، با ترجمه من منتشر خواهد کرد. طنز به کار رفته در این کتاب طنز سالم و بسیار جالبی است که مشابه آن در کشور ما کمتر دیده می‌شود. نیاز جامعه به شادابی و نشاط باعث شد تا این کتاب را ترجمه کنم؛ چرا که طنز آن طنزی سیاه نیست. امیدوارم این کتاب ایده‌ای شود برای نویسندگان جوان ما تا سراغ طنزهای اینچینی برونند.

همچنین ترجمه تعدادی داستان کوتاه از نویسندگان مختلفی مانند اینگه برگ باخمن و ارنست همینگوی را در دست دارم. البته بخشی از این ترجمه‌ها به پایان رسیده است. پیش‌تر برخی از این داستان‌ها را که ترجمه‌اش تمام شده بود در نشریات مختلف، منتشر کرده‌ام. این داستان‌های کوتاه برای یک کارگاه داستان‌نویسی در آلمان تهیه شده و انواع داستان کوتاه را دربردارد اما هنوز ناشری برای این کتاب برنگزیده‌ام.

همچنین، ترجمه کتاب‌های «به دنبال قلبت برو» نوشته سوزانا تامارو، «لبخندی برای روح» از یک مجموعه چهار جلدی و «ویرجینیا وولف» به پایان رسیده و مراحل اداری انتشار را طی می‌کنند. «به دنبال قلبت برو» یک دفترچه خاطرات است که از زبان زنی ۸۰ ساله روایت می‌شود. این کتاب را برای چاپ به نشر ثالث سپرده‌ام. «لبخندی برای روح» نیز جلد چهارم مجموعه‌ای است که سه جلد آن پیش‌تر با عنوان‌های «بال‌هایی برای روح»، «امرهمی برای روح» و «خورشیدی برای روح» توسط نشر نگاه منتشر شده است. هر یک از این کتاب‌ها شامل ۱۰۰ حکایت آموزنده‌اند. کتاب «ویرجینیا وولف» نیز تحقیقی در زندگی این نویسنده است و نشر نگاه آن را منتشر خواهد کرد.

روایت زندگی در دنیای مدرن

■ **مهدی مرعشی، نویسنده**

به تازگی مجموعه داستانی به قلم من با عنوان «کتابت بهار» توسط نشر ققنوس منتشر شده که شامل ۱۰ داستان کوتاه است. درونمایه بیشتر این داستان‌ها زندگی روزمره انسان در دنیای مدرن است، اما دو داستان آخر کتاب در فضایی کاملاً متفاوت و با زبانی دیگر روایت می‌شوند. در این کتاب، هر داستان زبان خاص خودش را با توجه به شرایط داستانی دربردارد.

سال گذشته نیز مجموعه داستانی دیگر با عنوان «نفس تنگ» شامل ۹ داستان کوتاه با موضوع‌های مختلف از من منتشر شد که این مجموعه داستان را نشر چشمه روانه بازار نشر کرده بود.

بازنویسی کتاب «سمک عیار» اثر فرامرزین خداداد ارجانی در مجموعه ۳۰ جلدی «یکی بود، یکی نبود» هم کار دیگری است که اخیراً به پایان رسیده و امیدوارم امسال از سوی نشر کتاب پارسه منتشر و روانه بازار نشر شود. در بازنویسی این داستان سعی کرده‌ام خواننده امروزی با آثار ادبی دیروز بیگانه نماند و بتواند از این پنجره، تنفس در فضای غنی آثار ادبی بزرگان گذشته را تجربه کند. در داستان‌های سمک، زبان امروزی است و البته در نگارش و بازنویسی آن این امید را دارم که روزی خواننده این کتاب، اصل داستان‌های سمک عیار به قلم فرامرزین خداداد را هم بخواند.

اکنون حدود دو سال است که ترجمه داستانی با عنوان «نیکولا کوچولو» به قلم سامپه گوسینی را از زبان فرانسه آماده چاپ کرده‌ام و دنبال ناشری برای انتشار آن می‌گردم.

قصه‌های آموزشی

■ **محسن هجری، نویسنده کودک و نوجوان**



به تازگی نشر تکا مجموعه داستانی به قلم من و برای نوجوانان با عنوان «فصل چیدن» منتشر کرده است که شامل هشت داستان کوتاه می‌شود. این داستان‌ها اغلب بازآفرینی داستان‌های مذهبی و تاریخی‌اند.

«افسانه ۱۳» نیز عنوان داستانی تخیلی و فانتزی برای گروه سنتی کودک است. این کتاب را توسط انتشارات شب‌بویز در دست انتشار دارم. در این داستان قهرمان قصه، اعدادند و تمام اتفاقات در یک فضای کاملاً انتزاعی رخ می‌دهد. محور اصلی آن نیز شکایت عدد ۱۳ از تحس نامیدن آن و حمایت عدد‌های ۱۲ و ۱۴ از این عدد است. تصویرگری این کتاب به پایان رسیده و در نوبت انتشار به سر می‌برد. نشر شب‌بویز قرار بود تابستان گذشته این کتاب را روانه بازار نشر کند اما این کتاب هنوز منتشر نشده است.

همچنین، کاری تحقیقی را با عنوان «سفر به شهر تازه‌ها» برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی با همکاری آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران در دست انتشار دارم. در این کتاب با زبان قصه مراحل انجام تحقیق شرح داده شده‌اند. هنوز ناشر آن قطعی نشده اما پیش‌تر کتاب‌هایی‌باین‌روندارامانند «تحقیق چیست؟ محقق کیست؟» (راهنمایی تحقیق دانش‌آموزان) برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی منتشر کرده بودم که با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد.

این روزها تألیف کتابی با عنوان «کودک آرمان شهر» (بررسی و ارزیابی ادبیات کودک و فلسفه سیاسی افلاطون) را نیز در دست دارم. اساس پژوهش بر این است که افلاطون به دلیل ضرورت‌های سیاسی به شکل‌گیری ادبیات کودک می‌رسد؛ چرا که معتقد است عنصر اصلی آرمان‌شهر کودکانند و باید به خوبی پرورش یابند. برای این امر باید به آنها ادبیات و هنر درخور و مناسب ارائه شود. مباحثی که در این کتاب به آنها پرداخته می‌شوند، مباحث کاملاً جدیدی‌اند.

علاوه بر حوزه ادبیات کودک و نوجوان در حال حاضر مشغول انجام پژوهشی‌ام درباره مبانی فکری انقلاب مشروطیت و شرایطی که اندیشمندان را در این زمینه تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تصمیم دارم حاصل این تحقیق و پژوهش را سال آینده در کتابی با عنوان «الهیات مشروطه خواهی» منتشر کنم. پیش‌تر نیز بازنویسی متن کتاب «درآمدی بر بیداری مردم» نوشته محمد حسین غروی نایینی را انجام داده بودم. این کتاب به همراه متن اصلی کتاب «تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله» و پی‌نوشت‌های آیت‌الله طالقانی منتشر شد.

داستان‌هایی برای نقد اجتماع

■ **محبوبه میرقدیری، نویسنده**

به تازگی مجموعه داستان «یک شب دیگر» شامل ۱۴ داستان کوتاه درباره مسائل زنان، کارگران و سالمندان به قلم من توسط انتشارات روشنگران منتشر شده است، به نوعی، داستان‌های این کتاب نقادی بر اجتماع و روزگار دارند.

اخیراً بازنویسی «کیمیای سعادت» در مجموعه «یکی بود یکی نبود» انتشارات کتاب پارسه برای نوجوانان به پایان رسیده است. علاوه بر جذابیت‌های شخصیتی غزالی، آزادی انتخابی که در برگزیدن حکایت‌ها برای بازنویسی داشتم، من را تشویق به بازنویسی این اثر کرد.

۲۸ سال معلم ادبیات دوره راهنمایی بودم طی این سال‌ها همیشه می‌دیدم که نوجوانان به خوبی با قصه ارتباط برقرار کرده و بسیار به آن علاقه‌مندند. حتی این قصه‌ها برای بزرگسالان نیز جذابند. بازنویسی این اثر و سایر آثار کلاسیک می‌تواند به استقبال از این آثار بینجامد. همچنین مجموعه‌ای از قصه‌ها و افسانه‌های قدیمی را که مادرم برای من نقل کرده، در قالب یک کتاب آماده انتشار دارم. این کتاب شامل ۲۲ قصه می‌شود و افسانه‌ها و داستان‌های نقاط مختلف ایران و حتی سایر کشورها را دربرمی‌گیرد. ابتدا، عنوان «روزی روزگاری» را برای این کتاب برگزیده بودم اما نظرم تغییر کرده و تصمیم دارم عنوان یکی از قصه‌های کتاب را برای عنوان کلی انتخاب کنم. امیدوارم تا سال آینده این کتاب برای نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، آماده و توسط انتشارات روشنگران توزیع شود.

همچنین، این روزها یک رمان بلند نیز در ارتباط با زندگی زنان و نقد جامعه در دست تألیف دارم که هنوز عنوانی برای این رمان ۳۰۰ صفحه‌ای در نظر نگرفته‌ام اما تا حدود سه ماه دیگر کار تألیف آن به پایان می‌رسد.

شگردهای زبانی و مضمونی

■ **آفاق شوهانی، شاعر و نویسنده**



چهارمین کتاب شعر من با عنوان «ویرگول‌ها به کنار آمدنم آمده «تو» ببیند» اواخر تابستان امسال توسط انتشارات داستان سرا منتشر شد. این مجموعه شامل ۵۳ قطعه شعر

سپید نسبتاً بلند است. به طور کلی شگردهای خاص زبانی و مضمونی هم‌زمان در سروده‌های این مجموعه به چشم می‌آید و موضع من به عنوان شاعر مبنی بر رعایت عنصرهای مختلف شعر را نشان می‌دهد.

این روزها صحبت از شعر ساده سرودن است. اما به عقیده من شعر ساده، شعری نیست که شاعر را به دامان نثر ادبی بغلتاند و البته هشدار می‌دهم که پیشنهاد سرودن این شعر از سوی پیشکسوتان تنها بهانه به دست نثرنویسان و ساده‌نویسانی می‌دهد که آثار خود را به نام شعر چاپ می‌کنند و موجب افت کمی شعر ناب و حرفه‌ای ایرانی می‌شوند که روزی روزگاری همین پیشکسوتان سروده‌اند. این بزرگان، امروز نباید به خاطر گذران زندگی و امور خاص خود به شعر پشت کنند و هر ساده‌نویسی را شعر بنامند و با ترفندهایی آثار این شاعران را به چاپ دوم و دهم برسانند.

اما این روزها یک مجموعه داستان در دست انتشار دارم. قرارداد آن را با انتشارات نگینما منعقد کرده‌ام و در حال حاضر در مرحله نمونه‌خوانی است اما هنوز عنوان نهایی این کتاب را برنگزیده‌ام.

همچنین، در نظر دارم اگر با استقبال ناشری برای انتشار آثارم روبه‌رو شدم، یک کتاب شامل مجموعه نقدهایی که طی سال‌های گذشته بر مجموعه شعرها و سروده‌های شاعران نوشته‌ام و در روزنامه‌های مختلف منتشر شده و مجموعه شعر جدیدی شامل سروده‌های اخیرم را منتشر کنم.

یادداشت



مر ترضی نادری دره شوری

مترجم آثار ادبی و فلسفی

رابطه فلسفه و ادبیات



جان هلسنس، استاد فلسفه

نوژی، خودنقل می‌کند زمانی در حال آماده کردن مقاله‌ای فلسفی برای ارائه در یک کنفرانس بوده، اما سرانجام کارش به نوشتن یک رمان منتهی شده است! هایدگر،

فیلسوف آلمانی، نه تنها نوشتاری شاعرانه دارد بلکه تفکرش نیز شاعرانه است. او همواره به هولدرلین، شاعر آلمانی هم‌عصر خویش، رشک می‌ورزید اما فروتنانه می‌گفت: «ما در حال اندیشیدن به چیزی هستیم که هولدرلین شاعرانه آن را می‌گوید.»

آثار سورن کرکگور، نیچه و «اعترافات سنت آگوستین» رانمی‌توان صرفاً آثاری ادبی یا فلسفی به شمار آورد و ادعا کرد حق مطلب این آثار ادا شده است. بسیاری از آثار ادبی اندیشه‌هایی بسیار عمیق و فلسفی را در خود پرورده‌اند و از بسیاری از آثار فلسفی نیز تفاسیری ادبی به عمل آمده است اما نمی‌توان به راحتی حکم داد که این تفاسیر بر آن آثار تحمیل شده‌اند. ریچارد رورتی، فیلسوف پراگماتیست معاصر، فلسفه را نیز نوعی از نوشتار چون ادبیات می‌داند و ادعای فلسفه را مبنی بر این که موفق‌ترین بازتوصیف از جهان و حقایق را به دست می‌دهد، به پرشش می‌کشد.

با توجه به این ملاحظات، پرسشی که مطرح می‌شود این است که رابطه میان فلسفه و ادبیات چیست و آیا باید این ادعای فلسفه را بپذیریم که با زبانی واضح و دقیق و روش‌هایی کاملاً فلسفی و نه باشگردهای ادبی و فنون بلاغی، در جست‌وجوی حقیقت و متقاعد کردن خواننده از بابت صدق آنچه

که مطرح می‌سازد است یا این که فلسفه نیز، دست‌کم برای آن که بتواند ارتباط مؤثری با خواننده برقرار سازد به شگردهایی متوسل می‌شود که معمولاً در آثار ادبی می‌یابیم؟ سرانجام این که آیا فلسفه حرف خاصی برای گفتن درباره ادبیات، درباره ارتباط آن با ذهن، زبان و واقعیت دارد یا آنچه برخی با عنوان فلسفه ادبیات یا زیبایی‌شناسی ادبی مطرح می‌سازند در حقیقت همان نظریه ادبی و نقد ادبی است به علاوه برخی افزودنی‌های انتزاعی فلسفی؟

اینها و بسیاری از پرسش‌های دیگر، مسائلی‌اند که اوله مارتین اسکیلیاس در کتاب «درآمدی بر فلسفه و ادبیات» با دیدگاه فلسفی منسجم و با بیانی دلنشین و بدیع مطرح می‌سازد و با ارائه مثال‌هایی بسیار جالب، هم از آثار فلسفی و هم از آثار ادبی به توضیح آنها می‌پردازد. افزون بر این، نویسنده کتاب در پایان هر فصل علاوه بر یادداشت‌ها که هم به فهم بهتر مطالب کمک می‌کند و هم ارجاعاتی به منابع دیگر در رابطه با موضوع مدنظر می‌دهد، مجلات و کتاب‌هایی مفید و معتبر را نیز برای مطالعه بیشتر به خواننده معرفی می‌کند.

ویژگی جالب دیگری که این کتاب را به بهترین نحو، شایسته عنوان «درآمد» می‌کند، این است که فصل‌ها و مطالب مطرح شده در این کتاب، چشم‌اندازها و منظرهای گوناگونی را در برابر خواننده می‌گشاید و او را رهسپار کاوش در این عرصه‌ها می‌کند.

فلسفه و ادبیات و رابطه این دو، حوزه پژوهشی غنی و بسیار پرباری‌اند که چندی است در واحدهای درسی دانشکده‌های مرتبط با فلسفه، زیبایی‌شناسی، ادبیات و هنر در جهان، جایگاهی شایسته برای خود یافته‌اند. امیدوارم ما هم بتوانیم با ترجمه کتاب‌هایی مانند «فلسفه و ادبیات» اثر اوله مارتین اسکیلیاس و تألیف در این زمینه، تا حدودی، توجه پژوهشگران و دست‌اندرکاران آموزش عالی را به این زمینه جلب و جای خالی این حوزه از پژوهش رادر دانشکده‌های فلسفه، زیبایی‌شناسی، هنری و ادبی خود پر کنیم.